Methodology of understanding Qur'an
through Qur'an & tradition

قرآن شناسی

پایگاه قرآن و عترت :

(جلد ۲)

گروه تحقیق :

صغرا ، زهرا ، آسیه ، محمد علی بیستونی

با نظارت : دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن شناسی از دیدگاه قرآن و عترت

نویسنده:

صفورا بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

قرآن شناسی از دیدگاه قرآن و عترت جلد ۲

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : قرآن شناسی از دیدگاه قرآن و عترت/ گروه تحقیق صفورا بیستونی...[و دیگران]؛ بانظارت محمد بیستونی

مشخصات نشر : قم : بیان جوان ، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : ۲ ج..م س ۱۴ × ۱۰؛

شابک : ۹۶۴-۸۳۹۹-۴۳-۳:(ج. ۱) ؛ ۹۶۴-۸۳۹۹-۴۴-۱:(ج. ۲)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه

موضوع : قرآن -- تحقیق.

شناسه افزوده : بیستونی، صفورا

شناسه افزوده : بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -

رده بندی کنگره : BP۶۵/ق ۳۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۲۸۳۹۰

ص:۱

اشاره

اَلْاِهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا

وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَهِ

الْمُصْطَفی وَ بَهْجَهِ قَلْبِهِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ

شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الْاَئِمَّهِ التِّسْعَهِ

الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ سِیَّما بَقِیَّهِ اللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ

الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِالظَّلَمَهِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَ مَعالِمِ الدّینِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ

الْاَوْلِیاءَوَیامُذِلَ الْاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا

وَ اَهْلَنَا الضُّرَّ فی غَیْبَتِکَ وَ فِراقِکَ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ

مُزْجاهٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ

فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَهِ رَحْمَهٍ مِنْکَ

اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

(۴)

متن تأییدیه حضرت آیت اللّه خزعلی مفسّر و حافظ کل قرآن کریم

بسم اللّه الرحمن الرحیم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسائل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشاند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

ص:۵

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از

(۵)

مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(۶)

ص:۶

آینده نگری امیرمؤمنان در ارتباط با بی توجهی مردم به قرآن

اِنَّهُ سَیَأْتی عَلَیْکُمْ مِنْ بَعْدی زَمانٌ لَیْسَ فیهِ شَیْ ءٌ اَخْفی مِنَ الْحَقِّ ، وَ لا اَظْهَرَ مِنَ الْباطِلِ ، وَ لا اَکْثَرَ مِنَ الْکَذِبِ عَلَی اللّهِ وَ رَسُولِه ؛ وَ لَیْسَ عِنْدَ اَهْلِ الزَّمانِ سِلْعَهٌ أَبْوَرَ مِنَ الْکِتابِ اِذا تُلِیَ حَقَّ تِلاوَتِه ، وَ لا اَنْفَقَ مِنْهُ اِذا حُرِّفَ عَنْ مَواضِعِه . وَ لا فِی الْبِلادِ شَیْ ءٌ اَنْکَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ ، وَ لا اَعْرَفَ مِنَ الْمُنْکَرِ ! فَقَدْ نَبَذَ الْکِتابَ حَمَلَتُهُ ، وَ تَناساهُ حَفَظَتُهُ :

فَالْکِتابُ یَوْمَئِذٍ وَ اَهْلُهُ طَریدانِ مَنْفِیّانِ ، وَ صاحِبانِ مُصْطَحِبانِ فی طَریقٍ واحِدٍ لا یُؤْویهِما مُؤْوٍ . فَالْکِتابُ وَ اَهْلُهُ فی ذلِکَ الزَّمانِ فِی النّاسِ وَ لَیْسَا فیهِمْ ، وَ مَعَهُمْ وَ لَیْسَا مَعَهُمْ ! لِاَنَّ الضَّلالَهَ لاتُوافِقُ الْهُدی، وَ اِنِ اجْتَمَعا . فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَی الْفُرْقَهِ ، وَ افْتَرَقُوا عَلَی الْجَماعَهِ، کَاَنَّهُمْ اَئِمَّهُ الْکِتابِ وَ لَیْسَ الْکِتابُ اِمامَهُمْ ، فَلَمْ یَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ اِلَّا اسْمُهُ ، وَ لا یَعْرِفُونَ اِلّا خَطَّهُ وَ زَبْرَهُ . وَ مِنْ قَبْلُ ما مَثَّلُوا

قرآن شناسی (۷)

ص:۷

بِالصّالِحينَ كُلَّ مُثْلَهٍ ، وَ سَمُّوا صِدْقَهُمْ عَلَى اللّهِ فِرْيَهً ، وَ جَعَلُوا فِی الْحَسَنَهِ عُقُوبَهَ السَّیِّئَهِ . وَ اِنَّما هَلَکَ مَنْ کانَ قَبْلَکُمْ بِطُولِ آمالِهِمْ وَ تَغَیُّبِ آجالِهِمْ ، حَتّی نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ الَّذی تُرَدُّ عَنْهُ الْمَعْذِرَهُ ، وَ تُرْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَهُ ، وَ تَحُلُّ مَعَهُ الْقارِعَهُ وَ النِّقْمَهُ .(۱)

همانـا پس از من روزگـاری بر شـما فراخواهـد رسـید که چیزی پنهان تر از حق ، و آشـکارتر از باطل ، و فراوان تر از دروغ به خـدا و پیامبرش نباشد . و نزد مردم آن زمان کالایی زیانمندتر از قرآن نیست اگر آن را درست بخوانند و تفسـیر کنند و متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی شود آنگاه که آن را تحریف کنند و معانی دلخواه خود را رواج دهند .

در شهرها چیزی ناشناخته تر از معروف و شناخته تر از منکر نیست ، حاملان قرآن ، آن را

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۷ .

واگذاشته و حافظان قرآن ، آن را فراموش می کنند ، پس در آن روز قرآن و پیروانش از میان مردم رانده و مهجور می گردند و هر دو غریبانه در یک راه ناشناخته سرگردانند و پناهگاهی میان مردم ندارند .

پس قرآن و پیروانش در میان مردمند اما گویا حضور ندارند ؛ با مردمند ولی از آنهابریده اند، زیرا گمراهی و هدایت هرگز هماهنگ نشوند گرچه کنار یکدیگر قرار گیرند .

مردم در آن روز ، در جدایی و تفرقه هم داستان ، و در اتّحاد و یگانگی پراکنده اند ، گویی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست ، پس از قرآن جز نامی نزدشان باقی نماند و آنان جز خطی را از قرآن نشناسند و در گذشته نیکوکاران را کیفر داده و سخن راست آنان را بر خدا دروغ پنداشتند و کار نیکشان را پاداش بد دادند .

و همانا آنان که پیش از شما زندگی می کردند ، به خاطر آرزوهای دراز و پنهان بودن زمان اَجَل ها، نابود گردیدند، تا ناگهان مرگِ وعده داده شده بر سرشان فرود آمد، مرگی که عذرها را

نپذیرد و درهای باز توبه راببندد و حوادث سخت و مجازات های پس ازمردن رابه همراه آورد.(۱)

ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن

اَرْسَلَهُ عَلی حینِ فَتْرَهٍ مِنَ الرُّسُلِ ، وَ طُولِ هَجْعَهٍ مِنَ الاُْمَمِ ، وَ انْتِقاضٍ مِنَ الْمُبْرَمِ ؛ فَجاءَهُمْ بِتَصْدیقِ الَّذی بَیْنَ یَدَیْهِ ، وَ النُّورِ الْمُقْتَدی بِه . ذلِکَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ ، وَ لَنْ یَنْطِقَ ، وَ لکِنْ اُخْبِرُکُمْ عَنْهُ : اَلا اِنَّ فیهِ عِلْمَ ما یَأْتی ، وَ الْحَدیثَ عَنِ الْماضی ، وَ دَواءَ دائِکُمْ ، وَ نَظْمَ ما بَیْنَکُمْ.

خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را هنگامی فرستاد که پیامبران حضور نداشتند و امّت ها در خواب غفلت بودند و رشته های دوستی و انسانیّت از هم گسسته بود . پس پیامبر صلی الله علیه و آله به میان خلق آمد در حالی که کتاب های پیامبرانِ پیشین را تصدیق

۱- «نهج البلاغه» ، خطبه ۱۴۷ .

کرد و با «نوری» هدایتگر انسان ها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند و آن ، نور قرآن کریم است .

از قرآن بخواهید تا سخن گوید ، که هرگز سخن نمی گوید ، امّا من شما را از معارف آن خبر می دهم ، بدانید که در قرآن علم آینده و حدیث روزگاران گذشته است ، شفادهنده دردهای شما و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است . (۱)

اِنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ اَنْزَلَ کِتابا هادِیا بَیَّنَ فیهِ الْخَیْرَ وَ الشَّرَّ ؛ فَخُذُوا نَهْجَ الْخَیْرِ تَهْتَدُوا ، وَاصْدِفُوا عَنْ سَمْتِ الشَّرِّ تَقْصِدُوا .

همانا خداوند بزرگ کتابی هدایتگر فرستاد ، نیکی و بدی ، خیر و شر را آشکارا در آن

۱- «نهج البلاغه» ، خطبه ۱۵۸ .

بیان فرمود . پس راه نیکی در پیش گیرید ، که هدایت شوید و از شرّ و بدی پرهیز کنید تا در راه راست قرار گیرید . (۱)

درمان خود را از قرآن بخواهید

وَاعْلَمُوا اَنَّ هذَا الْقُرْآنَ هُوَ النّاصِحُ الَّذی لا یَغُشُّ ، وَ الْهادِی الَّذی لا یُضِلُّ ، وَ الْمُحَدِّثُ الَّذی لا یَکْذِبُ . وَ ما جالَسَ هذَا الْقُرْآنَ اَحَدٌ اِلاّ قامَ عَنْهُ بِزِیادَهٍ اَوْ نُقْصانٍ : زِیادَهٍ فیهُدًی، اَوْنُقْصانٍ مِنْ عَمًی. وَاعْلَمُوااَنَّهُ لَیْسَ عَلیاَحَدٍبَعْدَالْقُرْآنِ مِنْ فاقَهٍ، وَ لا لِاَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنًی؛

فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ اَدْوائِکُمْ ، وَاسْتَعینُوا بِه عَلی لاءْوائِکُمْ ، فَاِنَّ فیهِ شِفاءً مِنْ اَکْبَرِ الدّاءِ : وَ هُوَ الْکُفْرُ وَ النِّفاقُ ، وَ الْغَیُّ وَ الضَّلالُ ، فَاسْأَلُوا اللّهَ بِه ، وَ تَوَجَّهُوا اِلَیْهِ

(۱۲) قرآن شناسی

۱- «نهج البلاغه» ، خطبه ۱۶۷ .

بِحُبِّهِ ، وَ لا ـ تَسْأَلُوا بِه خَلْقَهُ ، اِنَّهُ ما تَوَجَّهَ الْعِبادُ اِلَی اللّهِ تَعالی بِمِثْلِه . وَ اعْلَمُوا اَنَّهُ شافِعٌ مُشَفَّعٌ ، وَ قائِلٌ مُصَدَّقٌ ، وَ اَنَّهُ مَنْ شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ یَوْمَ الْقِیامَهِ شُفِّعَ فیهِ، وَ مَنْ مَحَلَ بِهِ الْقُرْآنُ یَوْمَ الْقِیامَهِ صُدِّقَ عَلَیْهِ،فَاِنَّهُ یُنادی مُنادٍ یَوْمَ الْقِیامَهِ؛

«اَلا ـ اِنَّ کُلَّ حارِثٍ مُبْتَلی فی حَرْثِهِ وَ عاقِبَهِ عَمَلِهِ ، غَیْرَ حَرَثَهِ الْقُرْآنِ» . فَکُونُوا مِنْ حَرَثَتِهِ وَاَتْباعِه، وَ اسْتَدِلُّوهُ عَلی رَبِّکُمْ ، وَاسْتَنْصِحُوهُ عَلی اَنْفُسِکُمْ ، وَ اتَّهِمُوا عَلَیْهِ آراءَکُمْ ، وَاسْتَغِشُّوا فیهِ اَهْواءَکُمْ .

آگاه باشید ! همانا این قرآن پند دهنده ای است که نمی فریبد و هدایت کننده ای است که گمراه نمی سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی گوید . کسی با قرآن همنشین نشد مگر آن که بر او افزود یا از او کاست ، در هدایت او افزود و از و از کوردلی و گمراهی اش کاست .

آگاه باشید کسی با داشتن قرآن ، نیازی ندارد و بدون قرآن بی نیاز نخواهدبود.

پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی ها از قرآن یاری بطلبید ، که در قرآن

درمان بزرگ ترین بیماری ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است ، پس به وسیله قرآن خواسته های خود را از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید و به وسیله قرآن از خلق خدا چیزی نخواهید، زیرا وسیله ای برای تقرّب بندگان به خدا ، بهتر از قرآن وجودندارد.

آگاه باشید ، که شفاعت قرآن پذیرفته و سخنش تصدیق می گردد ، آن کس که در قیامت ، قرآن شفاعتش کند بخشوده می شود و آن کس که قرآن از او شکایت کند محکوم است، در روز قیامت ندادهنده ای بانگ می زند که: (۱)«آگاه باشید امروز هرکس گرفتار بذری است که کاشته و عملی است که انجام داده ، جز اعمال منطبق با قرآن» .

پس شما در شمار عمل کنندگان به قرآن باشید ، از قرآن پیروی کنید ، با قرآن خدا را بشناسید و خویشتن را با قرآن اندرز دهید و رأی و نظر خود را برابر قرآن متّهم کنید و

۱. اشاره به علم : اِسکاتولوژی Eschatology (واپسین شناسی ، معادشناسی) .

(۱۴) قرآن شناسی

خواسته های خود را با قرآن نادرست بشمارید . (۲)

۱- اشاره به علم : اِسکاتولوژی Eschatology (واپسین شناسی ، معادشناسی)

۲- «نهج البلاغه» ، خطبه ۱۷۶ .

قرآن بهار دل ها و سرچشمه علم است

اِنَّ اللّهَ سُبْحانَهُ لَمْ یَعِظْ اَحَدا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ ، فَاِنَّهُ «حَبْلُ اللّهِ الْمَتینُ» ، وَ سَبَبُهُ الْاَمینُ ، وَ فیهِ رَبیعُ الْقَلْبِ ، وَ یَنابیعُ الْعِلْمِ ، وَ ما لِلْقَلْبِ جَلاءٌ غَیْرُهُ ، مَعَ اَنَّهُ قَدْ ذَهَبَ الْمُتَذَکِّرُونَ ، وَ بَقِیَ النّاسُونَ اَوِ الْمُتَناسُونَ .

همانا خداوند سبحان کسی را به چیزی چون قرآن پند نداده است ، که قرآن ریسمان استوار خدا و وسیله ایمنی بخش است .

در قرآن بهار دل و چشمه های دانش است ، برای قلب جلایی جز قرآن نتوان یافت ، به

قرآن شناسی (۱۵)

ص:۱۵

خصوص در جامعه ای که بیداردلان درگذشته و غافلان و تغافل کنندگان حضور دارند . (۱)

قرآن حجّت خدا بر مردم است

فَالْقُرْآنُ آمِرٌ زاجِرٌ ، وَ صامِتٌ ناطِقٌ . حُجَّهُ اللّهِ عَلی خَلْقِه .

اَخَذَعَلَیْهِ میثاقَهُمْ، وَارْتَهَنَ عَلَیْهِمْ اَنْفُسَهُمْ. اَتَمَّ نُورَهُ وَ اَکْمَلَ بِهِ دینَهُ ، وَ قَبَضَ نَبِیَّهُ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ فَرَغَ اِلَی الْخَلْقِ مِنْ اَحْکامِ الْهُدی بِه . فَعَظِّمُوا مِنْهُ سُبْحانَهُ ما عَظَّمَ مِنْ نَفْسِه

قرآن فرماندهی بازدارنده و ساکتی گویا و حجّت خدا بر مخلوقات است . خداوند پیمان

۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۱۷۶ .

عمل کردن به قرآن را از بندگان گرفته و آنان را در گرو دستوراتش قرار داده است .

نورانیّت قرآن را تمام و دین خود را به وسیله آن کامل فرمود و پیامبرش را هنگامی از

۱- «نهج البلاغه»، خطبه ۱۷۶ .

جهان برد که از تبلیغ احکام قرآن فراغت یافته بود ، پس خدا را آنگونه بزرگ بشمارید که خود بیان داشته است . (۱)

قرآن ، برترین نعمت خداوند

خدای سبحان در سوره مبارکه «الرّحمن» فهرستی از موجودات جهان آفرینش و مجموعه ای از نعمت های مادی و معنوی خود را بیان می فرماید ؛ از دنیا و آخرت ، از انسان و فرشته و جنّ ، از آفرینش انسان و سیر کمالی او ، از بهشت و سعادت های ابدی و از نعمت های ظاهری و باطنی و ... .

در صدر این سوره و پس از ذکر صفت «رحمانیّت» خداوند ، سخن از تعلیم قرآن به انسان در میان آمده است . «اَلرَّحْمنُ . عَلَّمَ الْقُرْاآنَ. خَلَقَ الْاِنْسانَ . عَلَّمَهُ

۱- «نهج البلاغه» ، خطبه ۱۸۳ .

الْبَیانَ.»(۱) این آیات نورانی نشانگر این نکته است که قرآن کریم، اولین و مهم ترین و پربارترین نعمت الهی است ؛ زیراانسان، تنها در سایه تعلیم خداوند و دریافت و تلقّی قرآن ، به کمال نهایی خویش می رسد و تا قرآن نباشد ، کسی به مقام انسانیّت راه نمی یابد .

هدف قرآن ، عاقل ساختن انسان

این نکته را نیک باید دانست که تعالیم قرآن برای عالم نمودنِ تنها نیست ، بلکه برای عاقل ساختن انسان هاست . قرآن کریم می فرماید : «وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ وَ ما یَعْقِلُها اِلَّا الْعالِمُونَ» (۲)یعنی ما این مثل های حکیمانه و دقیق را برای مردم می آوریم ولی غیر از افراد عالم کسی این مثل ها را تعقل نمی کند . این بیان

۱- ۱ تا ۴ / رحمن.

۲- ۴۳ / عنکبوت.

نورانی نشان می دهد که علم ، سرمایه و فکر ، ابزار کار و عاقل شدن ، هدف است .

عالم شـدن سـخت نیست ولی عاقل شـدن دشوار است و تمام تلاش دین برای این است که انسان را پس از عالم شـدن ، عاقل کنـد و «عاقل» کسـی است که معارف الهی را خوب بفهمـد و آن فهمیده ها را نیز خوب معتقد شود و در مقام عمل هم خوب عمل کنـد . اگر قرآن کریم مَثَلی می زنـد و نکته ای می گوید تنها برای اندیشـیدن و عالم شدن نیست بلکه برای آن است که انسان را در عمل هدایت کند ، امراض او را شـفا دهد و او را تا دروازه بهشت برساند و به سـلامت و سرور و بهجت همیشگی نایل کند.

قرآن شناسی (۱۹)

ص:۱۹

اُنس با قرآن و مقام صالحین

خدای سبحان رسول اللّه صلی الله علیه و آله را مستقیما تحت ولایت خود معرفی کرده ، می فرماید : «اِنَّ وَلِیِیَ اللّهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتبَ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصّلِحینَ» (۱) این آیه کریمه حاوی چند مطلب است : اول آنکه می فرماید : خدا ولی رسول اللّه است «اِنَّ وَلِیِیَ اللّهُ» دوم آنکه همان خدایی ولیّ رسول اللّه است که قرآن را نازل فرموده «الَّذی نَزَّلَ الْکِتبَ» و سوم آنکه خداوند متولّی صالحین است «وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصّلِحینَ» . با توجه به این سه نکته می فهمیم که راه اینکه خدا ولی انسان باشد ، آن است که انسان ، صالح بشود و تا صالح نگردیم تحت ولایت اللّه نخواهیم بود و خدا هم تولّی ما را نخواهد پذیرفت و بهترین راه صلاح هم اُنس با قرآن است. این

۱- ۱۹۶ / اعراف.

جمله که می فرماید : ولیّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، خدایی است که قرآن را نازل کرده ، از باب تعلیق حکم بر وصف می باشد که مشعر به علیّت است ؛ یعنی اگر کسی به قرآن عمل کند صالح می شود و اگر خداوند بخواهد ولی کسی بشود ، از راه قرآن ولایت و تدبیر او را اعمال می کند .

به همین دلیل می فرماید : «فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (1)آن مقدار که برای شما میسّر است قرآن تلاوت کنید و با این کتاب الهی مأنوس باشید . حتی اگر معنای بعضی از آیات و سور برای شما روشن نشد ، نگویید خواندن بدون ادراک چه اثری دارد. چون قرآن، کلام آدمی نیست که اگرکسی معنایش را نداند خواندنیش بی ثمر باشد؛ بلکه نوری الهی است که خواندن آن به تنهایی عبادت است گرچه

1- 20 / مزمّل.

به معنایش آگاهی نداشته باشیم .

۱. ۲۰ / مزمّل.

قرآن شناسی (۲۱)

قرآن حبـل الهی است که اُنس بـا آن و تـدبّر در آن و ایمان و عمل به آن ، انسان را بالا می برد و به مقام صالحین ، ملحق می سـازد تـا مسـتقیما تحت ولایت اللّه قرار گیرد . اگر انسان مشـمول ولایت اللّه بود تمام امورش را خـدا اداره می کنـد و در آن مقـام ، دیگر هیـچ راهی برای وسوسه و رخنه اهریمن نیست . خـدا او را از تمام تیرگی ها و تاریکی ها نجات می دهـد و او را نورانی می سـازد «اَللّهُ وَلِیُّ الَّذینَ امَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمـاتِ اِلَی النُّورِ» . (۱)چنین شخصـی در بین امّت با نور حرکت می کند یعنی در حالی که حرکت و بصیرت و سیره اش روشن و روشنگر است «وَ جَعَلْنا لَهُ نُورا یَمْشی بِه فِی النّاسِ» . (۲)

(۲۲) قرآن شناسی

ص:۲۲

۱- ۲۵۷ / بقره.

۲- ۱۲۲ / انعام.

قرآن، پایان بخش اختلاف مذموم

قرآن کریم برای از بین بردن اختلاف های مذموم و ایجاد جامعه ای مترقی و متکامل و متعالی ، علاوه بر ارائه جهان بینی و هدف و اصول مشترک و تأکید بر پیروی مردم از رهبری واحد ، در آیات فراوانی همگان را بشارت و انذار می دهد تا دست از اختلاف های عملی که نشأت گرفته از هواهای نفسانی است ، بردارند . قرآن کریم می کوشد تا با تقویت بعد معنوی و انسانی افراد بشر ، آنان را از حیوانیّت دور سازد و خواسته های نفسانی آنان را که منشأ اختلاف و نزاع و تزاحم است ، تعدیل و کنترل کند .

اولین شعار رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ورود به مدینه و پیش از ساختن مسجد و پرداختن به امور عمرانی ، درباره اخوّت دینی بود که فرمود : «تآخُوا فِی اللّهِ

اَخْوَیْنِ اَخَوَیْنِ» (۱) یعنی همه شما دو به دو در راه خدا برادر یکدیگر شوید . آن حضرت صلی الله علیه و آله با ایجاد عقد اخوّت بین مؤمنین و بین خود و حضرت امیرالمؤمنین (سلام اللّه علیه) و نیز بین دو قبیله «اوس» و «خزرج» اتحاد و هماهنگی را تحقق بخشید . این شعار ، در آغاز تأسیس حکومت مطرح شد و زمانی که حکومت اسلامی در سال های هشتم و نهم در مدینه مستحکم گردید و جریان فتح مکّه پیش آمد و مسلمانان توانستند بر شبه جزیره عربستان فایق آیند ، آن حضرت در حجّه الوداع و در آخر عمر شریف خویش نیز سخن از حفظ وحدت را به میان

آورد و آن خطبه معروف و وحدت آموز را ایراد فرمودند : «اَلْمُسْلِمُونَ اِخْوَهٌ

۱- آخَی النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله بَیْنَ اَصْحابِهِمِنَ الْمُهاجِرینَ وَالْاَنْصارِاَخَوَیْنِ اَخَوَیْنِ(بحار،جلد۳۸،صفحه ۳۶۶).

تَتَکافَئُ دِماءُهُم وَ هُم یَدٌ عَلی مَن سِواهُم یَسْعی بِذِمَّتِهِم اَدناهُم»(1) یعنی مسلمانان با هم برادرند ، خونهایشان همسان یکدیگراست . و خون هیچ کس ارزشمندتر از خون دیگری نیست . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله براساس همین اخوت ایمانی ، خود و حضرت علی علیه السلام را دو پدر مؤمنان و امت اسلامی معرفی می کند که «انا و علی ابوا هذه الأُمّه»(2) چه اینکه قرآن نیز همه مؤمنان را فرزندان حضرت خلیل الرحمن علیه السلام می داند «مِلَّهَ اَبیکُمْ اِبْراهیمَ هُوَ سَمّیکُمُ الْمُسْلِمینَ مِنْ قَبْلُ». (3)

قرآن شناسی (۲۵)

قرآن کریم همه مؤمنان را برادران ایمانی یکدیگر می داند و دستور می دهد که

ص:۲۵

۱- بحار ، جلد ۷۰ ، صفحه ۲۴۲ .

۲- همان ، جلد ۱۶ ، صفحه ۹۵ ، ح ۲۹ .

۳- ۱۰ / حجرات .

برای حفظ این وحدت ایمانی ، هرکسی در اصلاح میان برادران دینی بکوشد و کدورت ها و اختلافات را بزداید «اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوا بَیْنَ اَخَوَیْکُمْ» (۱). نظارت عمومی و ولایت مشترک در حدّ امر به معروف و نهی از منکر ، یکی از اصولی است که قرآن بر آن تأکید می ورزد تا در پرتو آن اختلافات و انحرافات مؤمنان پیش از آنکه به مسأله قضا و داوری در محاکم رسمی برسد و به اجرای حدود یا تعزیرات منتهی گردد ، با وساطت و دخالت مؤمنان دیگر حلّ شود .

قرآن در یکی از آیات نورانی خود در این زمینه ، از شدیدترین لحن گفتاری برای هشدار نسبت به خطر اختلاف و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر استفاده می کند : «وَلْتَکُنْ مِنْکُمْ اُمَّةٌ یَدْعُونَ اِلَی الْخَیْرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

۱- ۱۰ / حجرات .

يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اُولآئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ . وَ لا تَکُونُوا کَالَّذینَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَیِّناتُ وَ اُولآئِکَ لَهُمْ عَذابٌ عَظیمٌ» (۱) در آیه اول می فرماید : برای رستگاری جامعه اسلامی لازم است فریضه دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود و در آیه دوم می فرماید : و شما مانند کسانی نباشید که حق برای آنان آشکار شد ولی باز هم تفرقه و اختلاف کردند که برای آنان عذاب بزرگی مهیّا شده است . خدای سبحان در چند آیه پس از این دوباره بر ضرورت امر به معروف و نهی از منکر برای حفظ وحدت و انسجام مطلوب جامعه می فرماید : «کُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ» (۲). شما نیکوترین امتی هستید که برای اصلاح جامعه

۱- ۱۰۴ و ۱۰۵ / آل عمران .

۲- ۱۱۰ / آل عمران .

بشری قیام کردند ؛ مردم را به نیکوکاری وادار می سازید و از بدکاری بازمی دارید و به خداوند ایمان می آورید .

قرآن، کتاب حکیم

خـدای سـبحان قرآن را «کتاب حکیم» می نامـد و به آن سوگند یاد می کند «یآس وَ الْقُرآن الحَکیم»(۱) کلمه حکمت با همه صورت های گوناگونش ، بیانگر معنای استواری و استحکام است . مثلاً در یک «قضیّه» مادامی که محمول برای موضوع ثابت نشـده باشـد ، حکمی صورت نگرفته و ذهن انسان در نوسان و اضـطراب است ؛ نمی دانـد آیا این محمول به این موضوع ربط دارد یا نه و از این جهت محکم

۱. ۱ و ۲ / یس .

(۲۸) قرآن شناسی

نیست . ولی پس از حکم و قضا ، «قضیه» می شود و پیوند مزبور در آن هنگام

۱- ۱ و ۲ / یس .

محکم خواهد بود . یک نظام اجتماعی ، سیاسی زمانی که برنامه اساسی ندارد ، دچار هرج و مرج است ولی وقتی که دارای برنامه درست و نظم و حساب و کتابی باشد ، می گویند در اینجا برنامه حق حکومت می کند . کلمه «محکمه» ، «حکمت» و مانند آن ، نشانگر معنای استواری و غیرقابل زوال است .

خدای متعال که قرآن را کتاب حکیم می نامد ، برای آن است که قرآن به موقع سخن می گوید، خوب سخن می گوید ، سخن خوب می گوید و در کنارش برهان و دلیل می آورد . سخنی که برهان ندارد محکم نیست ، متزلزل و فروریختنی است . قرآن چنان از استحکام برخوردار است که به هیچ وجه نمی توان آن را از پای درآورد ؛ هم با علم حصولی و برهانی و هم با علم شهودی و حضور مشاهدات صحیح همراه است و چون دربردارنده حکمت نظری مانند الهیات و حکمت عملی مانند فقه ، اخلاق و حقوق است ، به عنوان حکمت معرفی شده است : «ذٰلِکَ مِمّا

اَوْحی اِلَیْکَ رَبُّکَ مِنَ الْحِکْمَهِ» (۱)

در چهارمین سوره از سور حوامیم درباره منشأ نزول قرآن چنین آمده : «حمآ . وَ الْکِتابِ الْمُبینِ . اِنّا جَعَلْناهُ قُرْآآنا عَرَبیّا لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ. وَ اِنَّهُ فی اُمِّ الْکِتابِ لَدَیْنا لَعَلِیٌّ حَکیمٌ» . (۲)خدای سبحان سوگند می خورد به کتاب مبین که خود روشن است و روشنگر همه حقایق . وقتی این کتاب تنزل یافت ، به کسوت لفظ درآمد و جامه لغت را دربر کرد ، عربی مبین است ولی در مقام بالاـ و «لدن» و «ام الکتاب» که صحبت از لفظ نیست ، آنجا حکیم است ، کتابی است علیّ و بلند . علوّ قرآن در کنار حکمت آن و حکمت قرآن در کنار اعتلای آن ظهور کرده و به صورت قرآن درآمده و هر انسانی که با قرآن علیّ حکیم مأنوس شود به مقدار

۱- ۳۹ / اسراء .

۲- ۴ ۱ / زخرف .

اُنس با آن، از علوّ و حکمت برخوردار می شود و با روحی بلند و جانی حکیم ، به اندازه خود مظهر خدای علیّ حکیم خواهد شـد و می توانـد روح اعتلا و حکمت را در جامعه احیا کند و روحیه ذلّت پذیری ، حضـیض گرایی ، سـفاهت پروری و اشاعه جهل را مرتفع سازد .

قرآن، همیشه تازه جاودان

قرآن کریم که به گفته خود ، کتابی جهان شمول است و اختصاصی به زمان و مکان ، نژاد، آداب و سنن خاص ندارد «ذِکْری لِلْعلَمینَ»(۱) و «نَذیرا لِلْبَشر»(۲) است لازمه این کلیت و دوام و نیز نیازمندی همیشـگی بشـر به آن ، این است که هیچ گاه گرد کهنگی بر آن ننشیند و همیشه تازه باشد .

۱- ۹۰ / انعام.

۲- ۳۶ / مدثّر.

از آنجـا که قرآن برای تـبیین حقـایق عـالم آمـده و حقـایق حـاکم بر آن ، ثـابت و غیر متغیّر است و از سـوی دیگر چـون برای هـدایت فطرت انسـان هـا آمـده و این فطرت تبـدیل و دگرگونی نمی پـذیرد . «فِطْرَتَ اللّهِ الَّتی فَطَرَالنّاسَ عَلَیْهـا لاتَبْـدیلَ لِخَلْقِ اللّهِ»(۱)، پس قرآن هیـچ گاه کهنه و منـدرس نمی گردد . معنای ثبات جهان از آغاز تا انجام و معنای ثبات فطرت انسان ها در هر عصـر و نسـلی آن است که قوانین جهـان تغییرپـذیر نیست یعنی طبیعت و مـادّه به سوی کمال خویش در حرکتنـد و فطرت انسان ، همواره خواهان کمال و نیازمند رهبری است و قرآن کریم در این میان ، رابط علمی و فرهنگی فطرت انسان با حقیقت جهان خارج و با خالق هستی بخش جهان است .

۱- ۳۰ / روم.

خدای سبحان محتوا و شکل و قالب معجزه ختمیّه خود ، قرآن را به گونه ای تنظیم کرده که همیشه سفره و مأدبه ای باشد تا همگان در هر عصری بر سر آن بنشینند و از نعمت های معرفتی آن استفاده برند . تاریخ قرآن و تفسیر و معارف اسلامی نشان می دهد که به برکت قرآن کریم در هر زمانی ، معارف جدیدی به روی متفکّران گشوده شده و میوه های بهشتی معرفتش در هر عصری پرسش های فراوانی را پاسخ داده است و صاحب نظران مستعدّ را تغذیه می کند .

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا قرآن با تکرار و درس و نشر جز تازگی اثر دیگری نمی پذیرد ؟ آن حضرت فرمود : «لِاءَنَّ اللّهَ تَبارَکَ و تَعالی لَم یَجعَلْهُ لِزمانٍ دونَ زَمانٍ و لا لِناسٍ دونَ ناسٍ فَهُوفیکلِّ زَمانٍ جَدیدٌ و عِندکُلِّ قَومِ غَضٌّ

إلی یَومِ القِیامَهِ» (۱)یعنی تازگی قرآن برای آن است که خدای تبارک و تعالی آن را برای زمان موقت یا مردم خاصّی نفرستاده و چون همیشگی و همگانی است ، در هر زمان، جدید است و در نزد هر مردمی تا روز قیامت شیرین و پرجذبه است.

امام باقر علیه السلام نیز از باب تشبیه معقول به محسوس ، همیشگی بودن قرآن را به همواره بودن دو اختر فروزان آفتاب و ماه تشبیه می سازد: «یَجْریکَما یَجْرِی الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ»(۲) یعنی قرآن همانند دو اختر پرفروغ خورشید و ماه ، همیشه در جریان است و زندگی انسان ها را تا پایان دنیا روشن می سازد .

۱- بحار ، جلد ۸۹، صفحه ۱۵ .

۲- بحار ، جلد ۸۹، صفحه ۹۴ و ۹۷ .

فهم قرآن

چون قرآن مجید به منظور هدایت همگان تنزّل یافته است ، همه انسان هایی که در پهنه زمین و گستره زمان بسر می برند ، از نور رهنمود آن برخوردار خواهند شد و در فهم معارف قرآن، نه فرهنگ خاصّی معتبر است که بدون آن ، نیل به اسرار قرآن میسور نباشد و نه تمدّن مخصوصی مانع است ، که با وجود آن ، بهره مندی از الطاف قرآن میسر نگردد ؛ نه عربیّت شرط راهیابی به حقایق قرآن است و نه عجمیت مانع رسیدن به ذخایر معرفتی آن . قرآن ، نذیر عالمین و هادی همه انسان هاست از این رو زبان آن نیز آشنای فطرت همگان است .

اگر کتابی جهان شمول و جاودانه باشد ، باید به گونه ای با جهانیان سخن بگوید که همگان از فهم آن نصیبی داشته باشند و هیچ کس بهانه نارسایی زبان یا ناآشنایی آن را خار راه سلوک و صعود خود نبیند و از پیمودن مسیر سعادت

قرآن شناسی (۳۵)

ص:۳۵

ناامید نشود . تنها زبانی که جهان گسترده بشریت را هماهنگ می کند ، زبان فطرت است که فرهنگ مشترک انسان ها است ؛ فطرتی خداآشنا که آفریدگار جهان ، ثبات و صیانت آن را برای همگان در همیشه تاریخ تأمین فرموده است : «فَاَقِمْ وَجْهَکَ لِلدّینِ حَنیفا فِطْرَتَ اللّهِ الَّتی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللّهِ ذلِکَ الدّینُ الْقَیِّمُ» . (۱)

نشانه فطری بودن زبان قرآن و مشترک بودن فرهنگ جهان شمول آن را می توان در گردهمایی دلپذیر سلمان فارسی و صهیب رومی و بلال حبشی و اویس قرنی وعمّارعربی،درساحت قدس پیامبرجهانی،حضرت محمّدبن عبداللّه صلی الله علیه و آله مشاهده کرد. آن حضرت صلی الله علیه و آله با شعار «بُعِثْتُ اِلَی الْاَحْمَرِ وَ الْاَسْوَدِ وَ الْاَبْیَضِ» (۲)

۱- ۳۰ / روم .

۲- بحار ، جلد ۱۶ ، صفحه ۳۷۷ .

شهره و مقتـدای همگـان شـد و این نبـود مگر آنکه در پیشـگاه وحی ، که ظهور تـام وحـدت حقّ است ، کـثرت صورت هـا ، محکوم وحـدت سـیرت است و تعـدّد زبـان هـا و نژادها و اقالیم و عادات و رسوم و ... مقهور اتحاد درونی است که : «متّحـد ، جان های مردان خداست» .

آنـان که برای رنگ و نژاد و لهجه و دیگر عوارض زوال پـذیر ، اصالت قایل می شونـد ، خود هماننـد جماد و گیاه و جانورند که جز عوارض ظاهری و صوری ، تفاوتی اساسـی با اجرام مادی یا احشام دامی ندارند و در این میان ، تنها عالمان خدا ترسند که فطرتِ پذیرش سـروش وحی الهی را پاس نهاده اند و در راه آن گام برداشته و به هدف خود رسیده اند . چنین وارستگانی ، دارای فصل ممیّز انسانی هستند و با خشیت عالمانه برخاسته از فطرتشان ، عامل وحدت دیگرانند وگرنه

دلباختگـان به مظاهر رنگارنگ طبیعت دنیا که «لَیِّنٌ مَسُّهَا و قاتِلٌ سَـمُّها»(۱) است ، از یکـدیگر پراکنده اند که : «جان شـیران و سگان از هم جداست» .

علومی کـه اکنـون در دنیـا هسـت ، چـه علـوم عقلی و چـه علـوم نقلی ، هریـک در رشــته خاصـی تـدوین شـده و برای گروه مخصوصـی سودمنـد است همه کس زبان این علوم را نمی فهمـد و از آن بهره منـد نمی شود مخاطبان هر رشـته از رشته های صنعت و کشاورزی و ... و فقه و اصول و ... افراد محدودی هسـتند که اصـطلاحات و زبان آن رشته را می دانند و عموم مردم از آنها بهره مند نیست ولی کتابی که

۱. نهج البلاغه ، نامه ۶۸ .

برای بشریت است ، باید دو خصوصیّت داشته باشد : اوّل آنکه برای همه قابل فهم باشد و دوم اینکه برای همه سودمند باشد .

۱- نهج البلاغه ، نامه ۶۸ .

علوم مختلف بشری مانند میوه های متنوّعی هستند که هرکس تمایل به برخی از آنها دارد ولی قرآن کریم چنین نیست بلکه مانند آب است . آب چیزی نیست که موجود زنده ای بگوید من به آب نیاز ندارم . آب ، عامل حیات بشر است و همگی آن را خوب می شناسند و به سادگی از آن بهره مند می شوند .

قرآن که مدّعی است من برای بشریت آمده ام ، باید به گونه ای باشد که همگان آن را بفهمند و برای همگان سودمند باشد به طوری که هیچ بشری بی نیاز از آن نباشد . خواه کسانی که تفاوت در جنس داشته باشند مثل زن و مرد و خواه آنان که تفاوت در سنّ دارند ، مانند جوان و پیر و خواه افرادی که تفاوت های حرفه ای بر آنان سایه افکنده باشد ، چون طبیب و کاسب و کشاورز و یا تفاوت های نژادی و اقلیمی ، مانند سیاه ، سفید ، سرخ ، شرقی ،غربی، شمالی و جنوبی ؛ آنها را ظاهرا از یکدیگر جدا کرده است . قرآن کریم اگرچه برای تنزّل در این عالم نیاز به

زبـان خاص دارد که همان عربی فصـیح و مبین است ولی زبان و فرهنگ آن ، همان زبان و فرهنگ فطرت است و همگان آن را می فهمنـد و تنهـا در این صورت می توانـد جهانی باشـد . اگر فرهنگ قرآن ، فرهنگ یک نژاد و گروه خاص می بود هیچ گاه نمی توانست بشری و جهانی باشد .

خـدای سـبحان ، قرآن کریم را به عنوان یادآوری آسان معرفی می کنـد : «وَ لَقَـدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّکِرٍ»(۱) یعنی این کتاب را برای یاد حقّ ، آسان قرار دادیم پس آیا کسـی هست که بدان متذکر شود ؟ قرآن آسان ترین و بهترین و نزدیک ترین راه برای اُنس بـا خـدا در دل و نـام خـدا بر لب است . آسـانی قرآن به دلیـل آشـنایی پیام آن با دل و جان انسان است نه آنکه کتابی سَبُک و بی مغز باشد

(۴۰) قرآن شناسی

۱- ۱۷ / قمر .

چنانکه فرمود : «اِنّا سَنُلْقی عَلَیْکَ قَوْلاً ثَقیلًا»(۱) قرآن کریم قولی ثقیل و سنگین و پرمغز است ولی در عین حال ، به دلیل هماهنگی و آشنایی با فطرت انسان فهمیدن آن و بهره مندی از آن برای همگان آسان است .

جمع بین این دو خصوصیّت که هم ثقیل و سنگین و پرمحتوا باشد و هم آسان و روان و همه فهم ، از ویژگی های اعجاز قرآن است ، وزین بودن مستلزم دشوار بودن نیست چنانکه آسان بودن مستلزم سبک سری و تهی مغزی نخواهد بود و سِرّ اجتماع دو صفت آسانی و وزین بودن آن است که این دو صفت متقابل هم نیستند تا جمع آنها ممکن نباشد .

۱- ۵ / مُزَّمِّل .

فضیلت قرآن از دیدگاه عترت

اهمیت قرآن از دیدگاه پیامبر رحمت و آزادی صلی الله علیه و آله

در فضیلت قرآن احادیث فراوانی از آنان نقل گردیده ، علامه مجلسی آن ها را در جلد ۱۹ بحارالانوار (۱) جمع آوری نموده است که ما قسمتی از آن احادیث را در اینجا می آوریم :

رجوع به قرآن راه رهایی از فتنه هاست

حارث همدانی می گوید : وارد مسجد شدم ، گروهی را دیدم که دور هم نشسته در پاره ای از احادیث به بحث، مجادله و گفت وگوهای بی فایده پرداخته اند.سپس به حضور امیرمؤمنان علیه السلام بار یافتم و جریان را به سمع وی رسانیدم و آن حضرت

۱- طبع قدیم مطابق جلدهای ۸۹، ۹۰ طبع جدید .

فرمود : واقعا چنین روشی را اتخاذ نموده اند ؟ گفتم : آری . آن گاه علی علیه السلام گفت :

حارث ! من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود : دیری نپاید که فتنه ها برپا گردد . عرضه داشتم یا رسول اللّه ! راه رهایی از این فتنه ها چیست ؟ فرمود : قرآن کتاب خدا ، کتابی که راه حل اختلاف و کشمکش های شما در آن است ، کتابی که می تواند حق و باطل را به آسانی از هم جدا و روشن سازد ، حقیقتی که هزل و شوخی به آن راه ندارد ، کتابی که هر جبار و ستمگری آن را به دور اندازد ؛ خداوند کمر او را می شکند و بر خاک مذلت و هلاکتش می نشاند و هرکس هدایت را در غیر آن بجوید به ضلالت و گمراهی می افتد . آن همان ریسمان محکم الهی است که ارتباط انسان با خدایش بدان بسته است و آن همان کتاب حکمت آمیز و راه مستقیم است و آن همان کتابی است که امیال و هوس های بشری و دست اهریمنان ، نمی تواند او را تغییر دهد .

قرآن شناسی (۴۳)

ص:۴۳

در اثر همان کتاب است که زبان ها از اشتباه مصون مانـده ، گفت وگوهای باطل و بی فایـده پایان می پـذیرد . دانشـمندان از خوانـدن و تفکر در آن سیر نمی شونـد . با گـذشت اعصار و قرون ، کهنه و فرسوده نخواهد شد ، کتابی که عجایب و مزایای آن بی پایـان است . این قرآن همـان گفتـار است که وقتی جنیان آن را شـنیدند دلباخته آن گردیدنـد و بی اختیار گفتنـد : «اِنّا سَمِعْنا قُرْانا عَجَبا ، یَهْدی اِلَی الرُّشْدِ فَآمَنّابِه»؛یعنی ماقرآن اعجاب انگیزی می شنویم که به سوی سعادت رهبری می کند.

هرکس بـا قرآن سـخن بگویـد گفتـارش درست خواهـد بود و هرکس طبق آن حکومت و قضـاوت کنـد ، به عـدالت قضاوت نموده است و هرکس عمل خود را با آن تطبیق کنـد به اجر و پاداش نیک خواهـد رسـید ، هرکس مردم را به سوی آن دعوت نماید . به راه راست و مستقیمی هدایت نموده است .

آن گاه علی علیه السلام خطاب به حارث همدانی فرمود :

(۴۴) قرآن شناسی

ص:۴۴

«خَذْها یا اَعْوَر» ؛ یعنی ، ای اعور این حدیث را از من به یادگار بگیر ! (۱)

از امام باقر علیه السلام نقل گردیده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هرکس در هر شب ده آیه از قرآن بخواند ، در آن شب از غافلان و آنان که از پروردگارشان بی خبرند ، نوشته نمی شود و هرکس پنجاه آیه از قرآن بخواند در آن شب در لیست آشنایان و یادکنندگان خدا ثبت می گردد . هرکس صد آیه تلاوت نماید از عبادت کنندگان و هرکس دویست آیه بخواند نام وی در صف خاشعین و افرادی که در پیشگاه پروردگارشان اظهار بندگی و تواضع کنند ، خواهد آمد و هرکس

۱. «کِتابُ اللّه ِ فیهِ نَبَأٌ ما قَبْلَکُم وَ خَبَرُ ما بَعْدَکُم وَ حُکْمُ ما بَیْنَکُم وَ هُوَ الْفَصْلُ وَ لَیْسَ بِالْهَزْلِ...» سنن دارمی ، ۲/۴۳۵ ؛ صحیح ترمذی ، ۱۱/۳۰ با مختصر تفاوت در الفاظ ؛ بحارالانوار ، ۹/۷ نقل از تفسیر عیاشی .

۱- «کِتابُ اللّه ِ فیهِ نَبَأٌ ما قَبْلَکُم وَ خَبَرُ ما بَعْدَکُم وَ حُکْمُ ما بَیْنَکُم وَ هُوَ الْفَصْلُ وَ لَیْسَ بِالْهَزْلِ...» سنن دارمی ، ۲/۴۳۵ ؛ صحیح ترمذی ، ۱۱/۳۰ با مختصر تفاوت در الفاظ ؛ بحارالانوار ، ۹/۷ نقل از تفسیر عیاشی .

سیصد آیه از قرآن بخواند از سعادتمندان و هرکس پانصد آیه تلاوت کند از کوشش کنندگان در عبادت و پرستش خدا نوشته خواهد شد . و اگر کسی هزار آیه از قرآن بخواند به مانند کسی خواهد بود که طلای ناب و خالص فراوان و بی شماری در راه خدا بذل و احسان نموده است . (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود : قرآن برنامه سعادت و زندگی انسان هاست که از طرف پروردگارشان برای آنان تنظیم شده است ، مرد مسلمان کسی است که برنامه خود را مورددقت قرار دهد و هر روز حداقل پنجاه آیه از آن تلاوت کند . (۲)

باز فرمود : چه مانعی دارد ، تاجری که در بازار به داد و ستد مشغول و

۱- اصول کافی ، کتاب فضیلت قرآن ؛ وسائل الشیعه ، چاپ جدید ۴/۸۳۹ .

۲- همان .

سرگرم است ، آن گاه که به خانه اش برمی گردد قبل از آنکه به خواب و استراحت بپردازد ؛ سوره ای از قرآن تلاوت نماید تا در برابر هر آیه که می خواند ، ده حسنه و پاداش برای او نوشته شود و ده گناه از گناهانش محو گردد . (۱)

باز فرمود: بر شما باد قرائت و خواندن زیرا مراتب و درجات کاخ های بهشتی به عدد آیات قرآن است و در روز قیامت به خوانندگان قرآن گفته می شود که قرآن بخوانید و به مرتبه بالاتری اوج بگیرید و قرآن خوان هر آیه ای را که تلاوت می کند به مرتبه بالاتری اوج می گیرد . (۲)

۱. همان .

۲. همان .

۱- همان .

۲- همان .

انس بن مالك از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

۱. «اَهْلُ الْقُرْآنِ هُمْ اَهْلُ اللّه ِ وَ خاصَّتُهُ.»(۱)

قرآن پژوهان و عمل کنندگان به قرآن، بندگان خاصّ بارگاه خدایند.

۲. «اَفْضَلُ الْعِبادَهِ قِراءَهُ الْقُرْآنِ.»

برترین عبادت و پرستش خداوند، خواندن قرآن و تدبّر و خردورزیدن در آن است.

۳. «اَلْقُرْآنُ غِنًی لا غِنًی دُونَهُ وَ لافَقْرَبَعْدَهُ.»

قرآن، سرمایه پایان ناپذیر و بی نیازی پیوسته ای است که با آن نیازمندی

۱- کنز العُمّال : ۲۹۸۹۰ ، ۲۳۱۸ ، ۲۲۷۸ ، ۲۳۴۴ ، ۲۳۴۵.

نخواهد بود و بدون آن ثروت و بی نیازی نشاید.

۴. «حَمَلَهُ الْقُرْآنِ الْمَخْصُوصُونَ بِرَحْمَهِ اللّه ِ، الْمُعَلِّمُونَ کَلامَ اللّه ِ،الْمُقَرَّبُونَ اِلَی اللّه ِ، مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللّه ِ، وَ مَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَاللّه ِ...»

مهر و بخشایش خدا، خاصّ قرآن پژوهان و عمل کنندگان به دستورات آن است؛ آنان که آیات خدا را به بندگانش می آموزند و مقرّبان بارگاه اویند. کسی که آنان را دوست بدارد، خدای را دوست داشته و کسی که با آنان دشمنی ورزد، با خدا دشمنی ورزیده است. خدای پرمهر، گرفتاریهای این جهان را از شنونده آیات قرآن و گرفتاریهای آن جهان را از تلاوت کننده پراخلاص قرآن برطرف می سازد. هان ای بدوش کشندگان پرچم قرآن! و عمل کنندگان به دستورات آن! خویشتن را دوست خدا سازید و با گرامی داشتن کتاب او، مهر وی را به خود جلب کنید و به قرآن احترام بگذارید تا خدا مهرشمارا در دلهای شایستگان بیفزاید.

۵. همچنین «مکحول» آورده است که :

ابوذر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «هان ای پیام آور خدا! می ترسم قرآن را فراگیرم؛ آنگاه بدان عمل نکنم. چه کنم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ او فرمود: «خدای پرمهر، قلبی راکه قرآن در آن جای گیرد، گرفتار عذاب و کیفر نمی کند»:

جاءَ اَبُوذَرٍّ اِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ «یا رَسُولَ اللّه ِ! إنّی اَخافُ اَنْ اَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ لا اَعْمَلُ بِه».فَقالَ صلی الله علیه و آله : «لا یُعَذِّبُ اللّه ُ قَلْباً اَسْکَنَهُ الْقُرْآنُ».

۶. و نیز آورده است که فرمود:

«لایَنْبَغی لِحامِلِ الْقُرْآنِ اَنْ یَری اَنَّ اَحداً مِنْ اَهْلِ الاْءَرْضِ اَغْنی مِنْهُ وَ لَوْ مَلِکَ الدُّنْیا بِرُحْبِها».

قرآن پژوه و عمل کننده به قرآن نباید چنین پندارد که در سراسر گیتی کسی هست که از وی بی نیازتر و ثروتمندتر است؛ گرچه آن سرمایه دار، دنیا را با تمامی گستردگی اش همه را به کف آورد و بدان فرمانروا شود.

(۵۰) قرآن شناسی

۷. و نیز عبداللّه بن عبّاس آورده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«اَشْرافُ اُمَّتی حَمَلَهُ الْقُرْآنِ وَ اَصْحابُ اللَّیْلِ.(۱)

شرافتمندترین چهره های امت من، عمل کنندگان به قرآن و شب زنده داران اند.

۸. همچنین ابن مسعود آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«اِنَّ هذَاالْقُرْآنَ مَأْدُبَهُ اللّه ِ، فَتَعَلَّمُوا مِنْ مَأْدُبَتِهِ مَااسْتَطَعْتُمْ ...»(۲)

این قرآن، خوان رنگین و لبریز از نعمتهای خداست؛ پس آنچه می توانید از آن فراگیرید. این کتاب پرشکوه ریسمان خدا، نور آشکار و روشنگر او، و شفابخش و سودرسان ازجانب اوست. قرآن نگاهدارنده کسی است که براستی به آن چنگ زند. قرآن نجات بخش خود و جامعه ای است که از آن پیروی کند. قرآن برنامه ای درست و بحق است؛ و هیچگاه انحراف

۱- اَلْخِصال : ۷/۲۱ .

۲- کنز العُمّال ۲۳۵۶ .

نمی جوید تا نیاز به راه آوردن داشته باشد. شگفتیهای آن پایان نمی پذیرد و با نگرش متفکّرانه بسیار بر آن، از طراوت و تازگی آن کاسته نمی شود. از این رو آن را بسیار و با تدبّر فراوان تلاوت کنید؛ چرا که خدای پرمهربر تلاوت هرحرفی ازآن، ده پاداش بسیار ارزشمند به شما خواهد داد ...

۹. و نیز حارث بن اعور از امیر مؤمنان علیه السلام در این مورد آورده است که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «سَتَکُونُ فِتَنٌ ...»

هان! بهوش باشید که تاریکیها و فتنه هایی سر راه شما خواهد بود.

به او گفتم : «راه نجات و وسیله رهایی چیست؟» فرمود:

«کِتابُ اللّه ِ فیهِ خَبَرُ ما قَبْلَکُمْ وَ نَبَاءُ مابَعْدَکُمْ وَ حُکْمُ ما بَیْنَکُمْ...»

کتاب پرشکوه خدا، تنها وسیله نجات است؛ همان کتابی که سرگذشت پیشینیان و سرنوشت آیندگان و مقرّرات شایسته برای زندگی شما در آن است.

(۵۲) قرآن شناسی

ص:۵۲

هان! بدانیـد که این قرآن، جداسازنـده حق از باطل است و بسـیار جدّی است، اندیشه ها با آن هدایت می شود؛ و دانشوران از آن سـیراب و بی نیاز نمی شوند. از بسیاری نگرش بر آن و مطالعه فراوان، طراوتش به کهنگی نمی گراید و شگفتیهایش پایان نمی پـذیرد. کتابی است که هر زورگویی آن را کنار نهـد، خدای سـرنگونش سازد، و هر کس که رشد و هدایت را از کتابی جز آن بجوید، گمراهش کند.

قرآن، ریسـمان اسـتوار و راه درسـت و بی انحراف خـداست؛ از این رو هرکس به آن عمـل کنـد، پاداشـی شـکوهمند خـواهد داشت؛ هر که مطابق مقرّرات آن داوری کنـد، به عدالت داوری کرده است؛و هرکس مردم رابه سوی آن فراخواند،درحقیقت آنهارابه راه نجات ونیک بختی و راه درست خدا فراخوانده است.

۱۰. همچنین عاصم بن حمزه از امیر مؤمنان علیه السـلام و آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ حَتّی یَسْتَظْهِرَهُ وَ یَحْفَظَهُ اَدْخَلَهُ اللّه»

قرآن شناسی (۵۳)

الْجَنَّهَ وَ شَفَّعَهُ فی عَشَرَهٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِه ...»

هر کس قرآن را به گونه ای با تدبّر بخواند که آن را حفظ شود، خداوند او را به بهشت پرطراوت زیبا درخواهد آورد و شفاعت او را در مورد ده تن از خاندانش که سزاوار کیفر باشند، خواهد پذیرفت.

۱۱. از رسول اکرم علیه السلام نقل کرده اند که فرمود :

«یُقالُ لِصاحِبِ الْقُرْآنِ إِقْرَءْ وَارْقَ وَ رَتِّلْ کَما کُنْتَ تُرَتِّلُ فِی الدُّنْیا فَاِنَّ مَنْزِلَکَ عِنْدَ آخِرِ آیَهٍ تَقْرَأُها.»(۱)

در روز رستاخیز، به تلاوت کننده و همنشین و عمل کننده به قرآن ندا می دهند که آیات قرآن را بخوان و اوج بگیر؛ و آن را به آرامی تلاوت کن، همانگونه که در دنیا تلاوت

۱- کنز العُمّال : ۲۳۳۰ ، ۲۳۳۱ ، ۲۳۶۸ .

می کردی؛ چرا که مقام شکوهمند تو در آخرین آیه ای است که تلاوت می کنی.

۱۲. و نیز از آن قرآن شناس بزرگ آورده اند که فرمود:

«مَنْ قَرَأَالْقُرْآنَ فَرای اَنَّ اَحَداً اُعْطِیَ اَفْضَلَ مِمّا اُعْطِیَ فَقَدْ حَقَّرَ ما عَظَّمَهُ اللّه...»

هر که قرآن را بخواند و به آن عمل کند و با داشتن چنین نعمت گرانی پندارد که به کسی نعمتی برتر از او ارزانی شده است، چنین کسی نعمت گرانی را که خدا شکوهمند ساخته، کوچک پنداشته و آنچه را خدا کوچک شمرده، بزرگ و ارزشمند پنداشته است.

۱۳. همچنین از آن گرانمایه عصرها نقل کرده اند که فرمود:

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَکَاَنَّمَا اسْتُدرِجَتِ النُّبُوَّهُ بَیْنَ جَنْبَیْهِ اِلاّ اَنَّهُ لایُوحی اِلَیْهِ.»(۱)

آن کس که قرآن را بدرستی قرائت و تلاوت و بدان عمل می کند، چنان است که گویی

۱- کنز العُمّال : ۲۲۸۴ ، ۴۰۳۲ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

مقام والای رسالت در سینه و دو سوی پهلویش قرار گرفته است و فقط به او وحی نمی شود.

۱۴. و نیز فرمود:

«حَمَلَهُ الْقُرْآنِ فِی الدُّنْیا عُرَفاءُ اَهْلِ الْجَنَّهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ.»(۱)

در روزرستاخیز، عمل کنندگان به قرآن وقرآن پژوهان،دانایان وعارفان اهل بهشت خواهندبود.

آنچه آمد، روایاتی چند بعنوان نمونه و بسان قطره ای از دریای موّاج و بیکرانه بود که بدانها بسنده شد.

شَهربن حَوْشَب روایت کند از رسول صلی الله علیه و آله که او گفت : فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلی سائِرِ الْکَلامِ کَفَضْلِ اللّهِ عَلی خَلْقِه ،(۲)گفت : فضل قرآن بر دیگر کلام ها چنان است که فضل خدای تعالی بر خلقانش . دیگر اَنَس بن مالک روایت کند از رسول صلَّی اللّه

۱- کنز العُمّال : ۲۲۸۹ ، ۲۲۸۸ ، ۲۲۹ .

۲- البحار : ۷۷/۱۱۴/۸ و ۹۲/۱۹/۱۸ .

علیه و آله و سلَّم که گفت : اَلْقُرْآنُ غِنًی لا ـ غِنًی دُونَهُ وَ لا ـ فَقْرَ بَعْدَهُ (۱) گفت : قرآن توانگری است که بالای آن توانگری نیست و پس از آن درویشی نیست .

عبداللّه مسعود روایت کند از رسول صلَّی اللّه علیه و آله و سلَّم که گفت : اِنَّ هـذَا الْقُرْآنَ هُوَ مَأْدَبَهُ اللّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدَبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ(۲)، اِنَّ هـذَا الْقُرْآنَ هُوَ حَبْلُ اللّهِ الْمَتینُ وَ هُوَ النُّورُ الْمُبینُ وَ الشِّفاءُ النّافِعُ ، فَاقْرَؤُهُ فَاِنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ یَأْجُرُکُمْ عَلی تِلاوَتِه بِکُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَناتٍ اَما اِنّی لا ـ اَقُولُ «الم» حَرْفٌ وَ لکِن «الف» و «لام» و «میم» ثَلاثُونَ حَسَنَهً ، گفت : این قرآن مهمانی خداست ، بیاموزید از مهمانی خدای تعالی چندان که توانی ، این قرآن حبل خداست و نوری روشن است و شفای سودمند ، بخوانید که خدای تعالی شما را مزد دهد بر هر حرفی ده

قرآن شناسی (۵۷)

ص:۵۷

۱- البحار : ۹۲/۱۹/۱۸ .

۲- البحار : ۹۲/۱۹/۱۸ .

حسنه نمی گویم «الم» یک حرف است و لکن سه حرف است ، تا ثوابش سی حسنه بود .

ابوالـدَّرداء ، روایت می کند از رسول صـلَّی اللّه علیه و آله و سـلَّم که گفت : اَلْقُرْآنُ اَفْضَلُ کُلِّ شَیْ ءٍ دُونَ اللّهِ تَعالی فَمَنْ وَقَّرَ الْقُرْآنَ فَقَدْ وَقَّرَ اللّه وَ مَنْ لَمْ یُوَقِّرِ الْقُرآنَ فَقَدِ اسْتَخَفَّ بِحُرْمَهِ اللّه تَعالی ، حُرْمَهُ الْقُرآنِ عَلَی اللّهِ تَعالی کَحُرْمَهِ الْوالِدِ عَلی وَلَدِه ، گفت : قرآن فاضل ترین همه چیز است فرود خدای تعالی ، هر که قرآن را حرمت دارد ، خدای عزّوجلّ را حرمت داشته باشد و هرکه حرمت قرآن نـدارد ، اسـتخفاف کرده باشـد به حرمت خـدای تعالی . حرمت قرآن بر خـدای تعالی ، چون حرمت پدر است بر فرزند .

خبری دیگر ، بعضی زنان رسول صلی الله علیه و آله روایت کنند که گفت : حَمَلَهُ الْقُرْآنِ هُمُ

(۵۸) قرآن شناسی

ص:۵۸

الْمَحْفُوفُونَ بِرَحْمَهِ اللّه تَعالی اَلْمُلْبَسُونَ بِنُورِ اللّهِ (۱)الْمُعَلَّمُونَ كَلامَ اللّهِ مَنْ عاداهُم فَقَدْ عادَى اللّهَ وَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللّهَ . يَقُولَ اللّهُ تَعالى: يا حَمَلَهَ الْقُرْآن تَحَبَّبُوا اِلَی اللّهِ تَعالی بِتَوْقيرِ كِتابِه يَزِدْكم حُبّا وَ يُحَبِّبْكُمْ اِلى خَلْقِهِ ، يُدْفَعُ عَنْ مُسْتَمِعِ الْقُرْآنِ شَرُّ الدُّنْيا وَ يُدْفَعُ عَنْ تالِى الْقُرْآنِ بَلْوَى الْاخِرَهِ وَ لِمُستَمِعِ آيَهٍ مِنْ كِتابِ اللّهِ تَعالى خَيْرٌ مِنْ ثَبيرٍ ذَهَبا وَ لِتالى آيَهٍ مِنْ كِتابِ اللّهِ تَعالى خَيْرٌ مِمّا تَحْتَ الْعَرْشِ اِلى تُخُومِ الْاَرْضِ السُّفْلى ، گفت : رسول صلّى اللّه عليه و آله و سلّم : حاملان قرآن گرد بر گرد ايشان رحمت خداى تعالى گرفته بود و لباس ايشان نور خداى تعالى بود و آموختگانِ كلام خداى تعالى باشند ، دشمن

ايشان دشمن خداى بود و دوست ايشان دوست خداى بود . خداى تعالى ايشان را

۱- جامع الأخبار : ۱۱۵/۲۰۲ .

گوید : ای حاملان قرآن ! دوستی کنی با من به حرمت داشتِ شـما کتاب مرا ، من دوستی شـما بیفزایم و شما را دوست داشته گردانم به خلقان خود .

آنگاه گفت : از شـنونده قرآن شـرِّ دنیا بگرداننـد و از خواننده قرآن بلای آخرت بگردانند و شـنونده آیتی را از قرآن به قیامت ثواب بیشتر از کوه ثَبیر و بهتر زر بدهند و خواننده آیتی ازقرآن ثواب بیشتر بود که از زیر عرش تا به هفتم زمین.(۱)

از امام صادق او از رسول خدا «قالَ : اَلْقُرْآنُ هُدًی مِنَ الضَّلالِ وَ تِبْیانٌ مِنَ الْعَمی وَ اسْتِقالَهٌ مِنَ الْعَثْرَهِ ، وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَهِ ، وَ ضِیاءٌ مِنَ الْأَحْداثِ ، وَ عِصْمَهٌ مِنَ الْهَلَکَهِ ، وَ رُشْدٌ مِنَ الْغَوایَهِ ، وَ بَیانٌ مِنَ الْفِتَنِ ، وَ بَلاغٌ مِنَ الدُّنْیا اِلَی الْاخِرَهِ وَ فیهِ کَمالُ دینِکُمْ وَ ما عَدَلَ اَحَدٌ مِنَ الْقُرْآنِ اِلاّ اِلَی النّارِ.

۱- . رَوْضُ الجِنان و رَوْحُ الجَنان فی تفسیر القرآن ، ابوالفتح رازی ، جلد ۱ و ۲ ، صفحه ۱۷ .

فرمود : قرآن هدایتی است که از گمراهی و بیان ، روشنی است که از کوره راهی ، میرهاند موجب رهائی از لغزش است ، نوری است که تاریکی ، پرتوی است که از پیش آمدها نجات می بخشد . دستگیر از هلاکت است ، رشدی است که از حیرت زدگی و بیانی است که از فتنه ها بیرون می برد . رساننده از دنیا به سوی آخرت است . در قرآن تمام و کمال آئین شماست . احدی از قرآن سرنپیچد مگر آنکه بسوی آتش بپیچد (1)

قالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اَیُّهَا النّاسُ اِنَّکُمْ فی دارِ هُدْنَهٍ وَ اَنْتُمْ عَلی ظَهْرِ سَفَرٍ وَ السَّیْرُ بِکُم سَریعٌ وَ قَدْ رَأَیْتُمُ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ وَالشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ یُبْلِیانِ کُلَّ جَدیدٍ وَ یُقَرِّبانِ کُلَّ بَعیدٍ وَ یَأْتِیانِ بِکُلِّ مَوْعُودٍ ، فَأَعِدُّوا الْجِهازَ لِبُعْدِالْمَجازِ . قالَ فَقامَ

۱. رَوْضُ الجِنان و رَوْحُ الجَنان فی تفسیر القرآن ، ابوالفتح رازی ، جلد ۱ و ۲ ، صفحه ۱۷ .

۱- . رَوْضُ الجِنان و رَوْحُ الجَنان فی تفسیر القرآن ، ابوالفتح رازی ، جلد ۱ و ۲ ، صفحه ۱۷ .

الْمِقدادُبْنُ الْاَسْوَدِ فَقالَ یا رَسُولَ اللّهِ : وَ ما دارُالْهُدْنَهِ ؟ قالَ دارُ بَلاءٌ وَ انْقِطاعٌ فَاِذَا التَبَسَتِ عَلَیْکَمُ الْفِتَنُ کَقِطَعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَیْکَمْ بِالْقُرْآنِ فَاِنَّهُ شافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ ماحِلٌ مُصَدَّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ اَمامَهُ قادَهُ اِلَی الْجَنَّهِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ ساقَهُ اِلَی النّارِ وَ هُوَ الدَّلیلُ یَدُلُّ عَلی خَیْرِ سَبیلٍ وَ هُوَ کِتابٌ فیهِ تَفْصیلٌ وَ بَیانٌ وَ تَحْصیلٌ ، وَ هُوَ الْفَصْلُ لَیْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ ، فَظاهِرُهُ حُکْمٌ وَ باطِنُهُ عِلْمٌ ، ظاهِرُهُ اَنیقٌ وَ باطِنُهُ عَمیقٌ: لَهُ نُجُومٌ وَ عَلی نُجُومِهِ نُجُومٌ لا تُحْصی عَجائِبُهُ وَ لا تُبْلی غَرائِبُهُ فیهِ مَصابیحُ الْهُدی وَ مَنارُ الْحِکْمَهِ وَ دَلیلٌ عَلَی الْمَعْرِفَهِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَه فَلْیَجْلُ جالٍ بَصَرَهُ وَلْیُبْلِغِ الصِّفَهَ نَظَرَهُ ، یَنْجُ مِنْ عَطَبٍ وَ یَتَخَلَّصْ مِنْ نَشَبٍ فَاِنَّ التَّفَکُّرَ حَیاهُ قَلْبِ الْبَصیرِ ، کَما یَمْشِی الْمُسْتَنیرُ فِی الظُّلُماتِ بِالنُّورِ ، فَعَلَیْکُمْ بِحُسْنِ

التَّخَلُّصِ وَ قِلَّهِ التَّرَبُّصِ .(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : ای مردم شما اکنون در دنیا و خانه سازش و صلح هستید و شما در سر راه سفر هستید بشتاب شما را خواهند برد و شما می نگرید که شب و روز و خورشید و ماه هر تازه ای را کهنه کنند هر دوری را نزدیک سازند و هر وعده ای را بسر رسانند ، پس اسباب و وسائل زیادی فراهم کنید برای اینکه گذرگاه درازی در پیش است . فرمود : پس مقدادبن اسود برخاست و عرض کرد : ای رسول خدا خانه سازش یعنی چه ؟ فرمود : خانه ای که رساننده

است (انسانی را به گور رساند ، یا در آن خانه کردار نیک ذخیره شود برای رسیدن به منزل های آخرت) و جداکننده (یعنی انسان را از علائق دنیا جدا کند)

۱- کشف الغمّه : ۲/۱۹۹ .

پس هرگاه آشوب ها چون شب تار شما را فراگرفت به قرآن روآورید (و بدان چنگ زنید) زیرا آن است شفیعی که شفاعتش پذیرفته است (درباره کسی که بدان عمل کند) و گزارش دهنده است از بدی ها که گفته اش (درباره آن کس که بدان عمل نکرده) تصدیق شده است ، هرکه آن را پیشوای خود کرد به بهشتش رهبری کند و هرکه (از آن پیش افتد) و آن را پشت سر خود قرار دهد به دوزخش کشاند و قرآن راهنمائی است که به بهترین راه ها راهنمایی کند و کتابی است که در آن است تفصیل و بیان و تحصیل (به دست آوردن حقایق) و آن است جداکننده (میان حق و باطل) شوخی و سرسری نیست برای آن ظاهری است و باطنی ، پس ظاهرش حکم و دستور است و باطنش علم و دانش ، ظاهرش جلوه و زیبائی دارد و باطنش ژرف و عمیق است ، ستارگانی دارد و ستارگانش هم ستارگانی دارد (آنچه ترجمه شده بنا بر نسخه ای «نجوم» است و در برخی از نسخه ها «تخوم»

(۶۴) قرآن شناسی

ص:۶۴

است و آن به معنـای پایان هر چیزی است) شـگفتی هایش به شـماره درنیایـد و عجائبش کهنه نگردد ، در آن است چراغ های هدایت و جایگاه نور حکمت و راهنمای معرفت است برای آنکس که بشناسـید صـفات را (مجلسی "ره" گوید : یعنی صفاتی که مـوجب مغفرت است یـا صـفت شـناسائی و اسـتنباط را) پس بایـد شـخص تیزبین دقت نظر کنـد و دقت نظر را تـا به درک صفت آن ادامه دهد که نجات بخشد آنکس را که به هلاکت افتاده و رهائی بخشد آن را که راه رهائی ندارد ، زیرا اندیشیدن است که زنـدگانی دل بینا است ، چنانچه آنکه جویای روشـنی است در تاریکی ها به وسـیله نور راه را پیماید ، بر شـما باد که نیکو برهید و کم انتظار برید .

رَسُولُ اللّه ِ صـلی الله علیه و آله : اَیُّهَـا النّاسُ اِنَّکُم فی زَمانِ هُـدْنَهٍ و أَنْتُم علی ظَهرِ سَـفَرٍ وَ السَّیرُ بِکُم سَـریعٌ و فقَـدْ رَأَیْتُمُ اللَّیْلَ و النَّهارَ وَالشَّمْسَ و الْقَمَرَ یُبْلِیانِ کُلَّ جَدیدٍ وَ

قرآن شناسی (۶۵)

ص:۶۵

يُقَرِّبنَ كُلَّ بَعيدٍ و يَأْتِيانِ بِكَلِّ مَوعِدٍ وَ وَعيدٍ، فَأَعِدُّوا الْجِهازَ لِبُعدِ الْمَفازِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت : ای مردم ، شما در زمان صلح و آرامش هستید و بر مرکب سفر سوارید و شتابان شما را به پیش می برد . شاهد بوده اید که شب و روز و خورشید و ماه ، هر نوی را کهنه می کنند و هر دوری را نزدیک می گردانند و هر وعده و وعیدی را به انجام می رسانند . پس ، برای پیمودن این صحرای دور و دراز زاد و توشه فراهم آورید .

فَقامَ المِقـدادُبنُ الْاَسْوَدِ الكنِدیُّ رضـی اللّه عنه فقالَ : یا رَسُولَ اللّهِ ، فَما تَأْمُرُنا نَعْمَلُ ؟ فَقالَ أِنّها دارُ بَلاءٍ و ابتِلاءٍ و انقِطاعٍ و فَناءٍ فَاِذا التَبَسَت عَلَیکُمُ الاُمُورُ کَقِطَعِ اللَّیلِ المُظلِم فَعَلَیْکُم بِالْقُرآنِ فَاِنَّهُ شافِعٌ مُشَـفَّعٌ وَ ماحِلٌ مُصَدَّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمامَهُ قادَهُ اِلَی الجَنَّهِ و مَن جَعَلَهُ خَلفَهُ ساقَهُ اِلَی النّارِ وَ هُوَ الدَّلیلُ یَدُلُّ عَلَی السَّبیلِ و هُوَ کِتابٌ فیهِ تَفصـیلٌ و بَیانٌ و تَحصیلٌ، وَ هُو الْفَصلُ لَیسَ بِالْهَزلِ و لَهُ

(۶۶) قرآن شناسی

ص:۶۶

ظَهْرٌ و بَطنٌ ، فَظاهِرُهُ حُكْمٌ و باطِنُهُ عِلمٌ، فظاهِرُهُ وَثيقٌ وَ باطِنُهُ لَهُ تُخومٌ و على تُخومِه تُخومٌ ، لا تُحصى عَجائِبُهُ وَ لا تُبلى غرائبُهُ فيهِ مَصابيحُ الهُدى و مَنارُالحِكمَهِ و دليلٌ المَعرِفَهِ لِمَن عَرَفَ النَّصِفَهَ ، فَلْيوغِ رجُلٌ بَصَرُهُ، ولْيَبلُغِ النَّصِفهَ نَظرُهُ ، يَنجُ مِن عَطَبٍ وَ يَتَخَلَّص مِن نَشَبٍ فأنّ التَّفكُّرَ حَياهُ قَلبِ البَصيرِ ، كما يَمشى المُستَنيرُ ، والنورُ يُحسنُ التَّخلُّصَ وَ يُقِلُّ التَّربُّصَ . (۱)

مقدادبن اسود کندی برخاست و عرض کرد : ای رسول خدا ! می فرمایید چه کنیم ؟ فرمود : دنیا سرای بلا و ابتلا و به سر آمدن و نیست شدن است . پس ، هرگاه کارها همچون پاره های شب تار بر شما تاریک و شبهه ناک شد ، به قرآن روی آورید ؛ زیرا قرآن شفیعی است که شفاعتش پذیرفته است و شاکی و

۱- نوادرُ الرّاوندی : ۲۱ ، ۲۲ و کَشْفُ الغُمَّه : ۲/۱۹۹.

خصـمی است که شـکایتش قبول می شود . هرکه قرآن را فراپیشِ خود قرار دهـد ، او را به سوی بهشت کشانـد و هرکه آن را پشـت سـر خـویش نهـد ، به سـوی دوزخش کشانـد . قرآن راهنمـایی است که راه را نشـان می دهـد ، قرآن کتـاب تفصـیل و روشـنگری و تحصـیل (حقایق) است . جداکننده میان حق و باطل است و شوخی بردار نیست . ظاهری دارد و باطنی ، ظاهرش حکم و دسـتور خـداست و باطنش علم خـدای متعال . پس ، ظاهر آن محکم و اسـتوار است و باطنش مرزها دارد و مرزهایش مرزهـا دارد . شـگفتی هـایش بی شـمار است و عجـایب و غرایبش کهنه و تمـام نمی شود . چراغ های هـدایت و پرتوگاه های حکمت در قرآن است . برای کسـی که انصاف داشـته باشد راهنمای به سوی معرفت و شـناخت است . پس ، باید آدمی دقت نظر کنـد و انصاف را پیش چشـمش آرد ، تا از هلاکت رهایی یابـد و از تنگنا به درآیـد ؛ زیرا که اندیشـیدن ، مایه حیات دل شخص بینا و با

بصـیرت است،همچنان که آدمی به نور چراغ درتاریکی هاراه می پیمایـدونیکومی رهد و کم (در شـبهات و تاریکی ها) منتظر می ماند .

(۶۸) قرآن شناسی

قالَ رَسُولُ اللّه ِ صـلی الله علیه و آله : اَنَا اَوَّلُ وافِـدٍ عَلَی الْعَزیزِ الْجَبّارِ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ کِتابُهُ وَ اَهْلُ بَیْتی ثُمَّ اُمَّتی ، ثُمَّ اَسْأَلُهُمْ ما فَعَلْتُمْ بِکِتابِ اللّهِ وَ بِاَهْلِ بَیْتی .

رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود : من نخستین کسـی هستم که روز قیامت بر خدای عزیز جبار وارد شوم با کتابش و اهل بیتم ، سپس امتم (وارد شوند) پس از ایشان بپرسم چه کردید با کتاب خدا و اهل بیت من ؟

قـالَ رَسُـولُ اللّـه ِ صـلی الله علیـه و آله : یـا مَعاشِـرَ قُرّاءِ الْقُرْآنِ اتَّقُـوا اللّه ـ عَزَّوَجَـلَّ فیمـا حَمَّلَکُمْ مِنْ کِتـابِه فَـاِنّی مَسْـؤُولٌ وَ اِنَّکُمْ مَسْؤُولُونَ اِنّی مَسْؤُولٌ عَنْ تَبْلیغِ الرِّسالَهِ وَ اَمّا اَنْتُمْ فَتُسْأَلُونَ عَمّا حُمِّلْتُمْ مِنْ کِتابِ اللّهِ وَ سُنَّتی .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : ای گروه قرآن خوانان از خدای عزوجل بپرهیزید در

قرآن شناسی (۶۹)

ص:۶۹

آنچه از کتاب خود به شما داده است زیرا که من مسئولم و شما هم مسئول هستید ، من از رساندن و تبلیغ رسالت مسئولم و شما از آنچه از قرآن و سنت من دربردارید مسئول هستید .

قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله : نُوِّرُوا بُیُوتَکُمْ بِتِلاوَهِ الْقُرْآنِ وَ لا تَتَّخِذُوها قُبُورا کَما فَعَلَتِ الْیَهُودُ وَ النَّصاری، صَلَّوْا فِی الْکَنائِسِ وَ الْبِیَعِ وَ عَطَّلُوا بُیُوتَهُمْ فَاِنَّ الْبَیْتَ اِذا کَثُرَ فیهِ تِلاوَهُ الْقُرْآنِ کَثُرَ خَیْرُهُ وَ اتَّسَعَ اَهْلُهُ وَ اَضاءَ لاَِهْلِ السَّماءِ کَما تُضیی ءُ نُجُومُ السَّماءِ لاَِهْلِ الدُّنْیا .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود : خانه های خود را به تلاوت قرآن روشن کنید و آنها را گورستان نکنید چنانچه یهود و نصاری کردند ، در کلیساها و عبادتگاه های خود نماز کنند ، ولی خانه های خویش را معطل گذارده اند (و در آنها عبادتی انجام ندهند) زیراکه هرگاه در خانه بسیار تلاوت قرآن شد خبر و برکتش

(۷۰) قرآن شناسی

ص:۷۰

زیاد شود و اهل آن به وسعت رسند و آن خانه برای اهل آسمان درخشندگی دارد چنانچه ستارگان آسمان برای اهل زمین می درخشند .

قالَ رَسُولُ اللّه ِصلی الله علیه و آله : مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آیاتٍ فی لَیْلَهٍ لَمْ یُکْتَبْ مِنَ الْغافِلینَ وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسینَ آیَهً کُتِبَ مِنَ الذّاکِرینَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَهَ آیَهٍ کُتِبَ مِنَ الْقانِتینَ وَ مَنْ قَرَأَ مِائَتَیْ آیَهٍ کُتِبَ مِنَ الْخاشِعینَ وَ مَنْ قَرَأَ ثلاثَ مِائَه آیَهٍ کُتِبَ مِنَ الْفائِزینَ وَ مَنْ قَرَأَ خَمْسَمِائَه آیَهٍ کُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدینَ وَ مَنْ قَرَأَ أَلْفَ آیَهٍ کُتِبَ لَهُ قِنْطارٌ مِنْ تِبْرٍ الْقِنْطارُ خَمْسَهُ عَشَرَ اَلْفِ مِثْقالٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ الْمِثْقالُ اَرْبَعَهٌ عِشْرُونَ قیراطا اَصْغَرُها مِثْلُ جَبَلِ اُحُدٍ وَ اَکْبَرُها ما بَیْنَ السَّماءِ اِلَی الاَْرْضِ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : هرکس در یک شب ده آیه از قرآن بخواند از غافلین نوشته نشود و هرکس پنجاه آیه بخواند در زمره ذاکرین نوشته شود و هرکس صد آیه بخواند در زمره قانتین نوشته شود و هرکه دویست آیه بخواند از

قرآن شناسی (۷۱)

ص:۷۱

خاشعین نوشته شود و هرکه سیصد آیه بخواند از فائزین نوشته شود و هرکه پانصد آیه بخواند از جمله مجتهدین نوشته شود و هرکه هزار آیه بخواند برای او (ثواب انفاق) یک قنطار از طلا نوشته شود و قنطار پانزده هزار مثقال طلا است ، که هر مثقالی بیست و چهار قیراط است که کوچک ترین آنها به اندازه کوه احد و بزرگ ترین آنها به اندازه آنچه میان زمین و آسمان است .

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لا خَیرَ فِی الْعَیْشِ اِلاّ لِمُستَمِعٍ واعٍ اَو عالِمٍ ناطِقٍ . اَیُّها الناسُ ، اِنّکُم فی زَمانِ هُدنَهٍ ، وَ اِنّ السَّیْرَ بِکُم سَریعٌ ، وَ قد رَأیتُمُ اللَّیلَ وَ النَّهارَ یُبلِیانِ کُلَّ جَدیدٍ ، و یُقَرِّبانِ کُلَّ بَعیدٍ ، وَ یَأتِیانِ بکُلِّ مَوعودٍ ، فَاَعِدُّوا الجِهادَ لِبُعدِ المِضمارِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در زیستن خیری نیست ، مگر برای شنونده فهمیده یا دانای گویا . ای مردم ! شما در زمان آرامش و صلح هستید و شما را به شتاب می برند . شاهدید که (گذر) شب و روز ، هر نوی را کهنه می کند و هر دوری را نزدیک

می گردانـد و هر وعـده ای را به سـر می آورد . پس ، برای میـدان مسـابقه دور و درازی که در پیش داریـد ، آمـاده کوشـش گردید .

فقـالَ المِقـدادُ : یـا نَبیَّ اللّه ِ ، ماالْهُـدْنَه ؟ قـالَ : بَلاـءٌ وَ انْقِطـاعٌ فَاِذَا التَبَسَتِ الاُمورُ عَلَیْکُمُ کَقِطَعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِم فَعَلَیْکُمْ بِالْقُرْآنِ فَاِنَّهُ شـافِعٌ مُشَـفَّعٌ وَ ماحِـلٌ مُصَـدَّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ اَمـامَهُ قـادَهُ اِلَی الْجَنَّهِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ قـادَهُ اِلَی النّارِ وَ هُوَ الـدَّلیلُ اِلی خَیْرِ سَبیلٍ وَ هُوَ الْفَصْلُ لَیْسَ بِالْهَزْلِ ، لَهُ ظَهرٌ و بَطنٌ ، فَظاهِرُهُ حِکَمٌ وَ باطِنُهُ عِلْمٌ، عَمیقٌ بَحرُهُ لا تُحصـی عَجائِبُهُ ، و لا یَشـبَعُ مِنهُ عُلَماؤهُ و هو حَبلُ اللّهِ الْمَتینُ ، و هُوالصِّراطُ الْمُستَقیمُ ... فیهِ مَصابیحُ الْهُدی و مَنارُ الْحِکْمَهِ وَ دالُّ عَلَی الحُجَّهِ.(۱)

مقداد عرض کرد : ای پیامبر خدا ! آرامش و صلح یعنی چه ؟ فرمود :

قرآن شناسی (۷۳)

ص:۷۳

۱- کنزالعُمّال : ۴۰۲۷ ، راجع البحار : ۹۲/۱۷/۱۶ و ۷۷/۱۳۴/۴۶ .

(دنیاسـرای) آزمایش و سپری شدن است . پس ، هرگاه کارها همچون پاره های شب تار بر شما مشتبه و مبهم گشت ، به قرآن روی آورید . که آن شـفیعی است که شـفاعتش پذیرفته است و شاکی و خصـمی است که شکایتش قبول می شود . هرکه آن را فراپیش خـود قرار دهـد ، او را بـه سـوی بهشت کشانـد و هرکه پشت سـر خـود قرارش دهـد ، او را به دوزخ کشانـد . قرآن راهنمای به سوی بهترین راه راست . جداکننده (میان حق و باطل) است و شوخی نیست . ظاهری دارد و باطنی ، ظاهرش حکم و دسـتور است و باطنش دانشـی ژرف . شـگفتی های دریایش بی شمار است و دانایانش از آن سیر نمی شوند . قرآن ریسمان محکم خـداست ، قرآن راه راست است ... در قرآن است چراغ های هدایت و پرتوگاههای حکمت و قرآن راهنمای به حجت و برهان است .

الحارثُ الأعوَرُ : دَخَلتُ علی امیرِالمؤمنینَ علیِ بنِ ابی طالبٍ علیه السلام ، فقلتُ : یا

(۷۴) قرآن شناسی

ص:۷۴

اميرَالمؤمنينَ، إنّا إذاكُنّا عِنـدَكَ سَـمِعَناالذى نَسُدُّ (نَشُدُّ) بِه دينَنا ، و إذا خَرَجنا مِن عِنْدِكَ سَـمِعْنا أشـياءَمُخْتَلِفَةً مَغموسَةً، لانَدرى ماهى؟ قالَ:أوَقَدفَعَلوها؟قلتُ: نَعَم.

قالَ : سَـمِعتُ رسولَ اللّه ِ صـلى الله عليه و آله يقولُ : أتانى جَبرَئيلُ فقالَ : يا محمّدُ ؛ سَـيَكُونُ فى اُمَّتِكَ فِتنَةٌ . قلتُ : فَمَا الْمَخْرَجُ مِنها ؟ فقالَ : كتابُ اللّهِ ، فيهِ بَيانُ ما قَبلَكُم مِن خَبرٍ وَ خَبرُ مابَعدَكُم، و حُكمُ مابَينَكُم .(۱)

حـارث اعور : خـدمت اميرالمؤمنين على بن ابى طـالب عليه السـلام رسـيدم و عرض كردم: يا اميرالمؤمنين ، ما وقتى در حضور شمـا هسـتيم ، سـخنانى مى شـنويم كه بـا آنهـا دين خود را اسـتوار مى گردانيم . امـا وقتى از خـدمت شـما مى رويم ، مطـالب گوناگون تاريكى مى شنويم كه نمى دانيم چيستند (با سخنان شبهه انگيزى رو به

۱- تفسير العيّاشىّ : ۱/۳/۲ و (ص ۶/۱۱ ، انظر تمام الحديث).

رو می شویم) . حضرت فرمود : این حرف ها را می زنند ؟ عرض کردم : آری .

فرمود:شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:جبرئیل نزدمن آمد وگفت:ای محمد! به زودی درمیان امّتت فتنه ای پدیـد خواهدآمد. من گفتم:راه نجات ازآن،چیست؟گفت: کتاب خدا ، که در آن خبرهای پیش از شـما و بعد از شـما و حکم آنچه میان شماست ، بیان شده است .

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله لَمّا قیلَ لَهُ : اُمَّتُکَ سَتُفتَتَنُ ، فَسُئِلَ : مَا الْمَخْرَجُ مِن ذلکَ ؟ : کتابُ اللّهِ العَزیزُ ، اَلَّذی لا یَأتیهِ الْباطِلُ مِن بَینِ یَدَیْهِ وَ لا مِن خَلفِه ، تَنزیلٌ مِن حَکیمٍ حَمیدٍ ، مَنِ ابتَغَی الْعِلمَ فی غَیرِه اَضَلَّهُ اللّه .(1)

چون به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد : به زودی امّت تو گرفتار فتنه خواهد شد ،

۱- تفسیر العیّاشیّ : ۱/۳/۲ و (ص ۶/۱۱ ، انظر تمام الحدیث).

(پس پرسیدند) راه خلاص از آن چیست ؟ فرمود : کتاب گرامی خدا ، همان که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سرش بدو راه نیابد ، فرود آمده ، از سوی حکیمی ستوده است . هرکه علم را در جز قرآن بجوید ، خداوند گمراهش کند .

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : کَلامی لا یَنسَخُ کلامَ اللّه ِ ، و کلامُ اللّه ِ یَنسَخُ کلامی ، و کلامُ اللّه ِ یَنسَخُ بَعضُهُ بَعضا . (۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخن من ، سخن خدا را نسخ نمی کند . اما سخن خدا ، سخن مرا نسخ می کند و سخن خدا بعضی از آن ، بعضی دیگر را نسخ می کند.

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : أنّ القرآنَ لَیُصَدِّقُ بَعضُهُ بَعضا، فلاتُکذِّبوا بَعضَهُ بِبَعضٍ .(۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قرآن ، قسمتی از آن قسمت دیگرش را تصدیق می کند . پس ، .

قرآن شناسی (۷۷)

ص:۷۷

۱- کنزالعُمّال : ۲۹۶۱ .

۲- کنز العُمّال : ۲۸۶۱ .

شما برخی از آن را به وسیله برخی دیگرش ، تکذیب نکنید (نگویید این آیه با فلان آیه نمی خواند و ناسازگار است) .

قرآن پیشوا و رحمت است

اَفَمَنْ کانَ عَلَی بَیِّنَهٍ مِنْ رَّبِّهِ وَ یَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِه کِتبُ مُوسیآ اِماماوَ رَحْمَهً : آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از (خویشان) او پیرو آن است و پیش از وی (نیز) کتاب موسی پیشوا و رحمت بوده است (دروغ می بافد) ؟» (۱)

رسولُ اللّه ِصلی الله علیه و آله : علَیکُم بِالْقرآنِ ، فاتَّخِذُوهُ أِماما و قائدا . (۲)

بر شما باد به قرآن ، آن را پیشوا و فرمانده خود کنید .

(۷۸) قرآن شناسی

ص:۷۸

۱- ۱۷ / هود .

۲- کنز العُمّال : ۴۰۲۹ .

قرآن ثروتی است که بدون آن توانگری نباشد

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اَلْقُرْآنُ غِنًی ، لا فَقْرَ بَعْدَهُ ، و لا غِنًی دُونَهُ .(۱)

قرآن ثروتی است که با وجود آن فقری نیست و بدون آن توانگری نه .

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله :مَن اُعطِیَ الْقرآنَ فَظَنَ أنّ أحَداًاُعطِیَ أکثَرَمِمّااُعْطِیَ فَقَدْعَظَّمَ صَغیرا و صَغَّرَ کبیرا. (۲)

به هرکس (نعمت دانستن) قرآن داده شود و با این حال گمان کنـد که به دیگری نعمتی بالاتر و بیشترازاین نعمت اوداده شده است،بی گمان کوچکی را بزرگ شمرده و بزرگی را کوچک .

قرآن شناسی (۷۹)

ص:۷۹

۱- کنزالعُمّال : ۲۳۰۷ .

۲- معانی الأخبار:۲۷۹.

قرآن نیکوترین سخن است

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : أنَّ أحسَنَ الحَدیثِ کتابُ اللّهِ ، و خَیرُ الهُدی هُدی محمّدٍ صلی الله علیه و آله ، و شَرَّ الاُمورِ مُحدَثاتُها . (1)

نیکوترین سخن ، کتاب خداست و بهترین روش ، روش محمد صلی الله علیه و آله است و بدترین امور(در دین)، بدعتهاست .

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : أصدَقُ القَولِ و أبلَغُ المَوعِظَهِ و أحسَنُ القَصصِ کتابُ اللّهِ .(2)

راست ترین سخن و رساترین اندرز و بهترین داستان ،

۱- البحار : ۷/۱۲۲/۲۳ .

۲- الفقیه : ۴/۴۰۲/۵۸۶۸ .

کتاب خداست.

رسول اللّه صلی الله علیه و آله : فَضلُ القرآنِ علی سائِرِ الْکلامِ کَفَضلِ اللّهِ علی خَلقِهِ .

برتری قرآن بر دیگر سخنان ، همچون برتری خدا بر خلق خود است.

قرآن شفادهنده بزرگترین بیماری هاست

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : القرآنُ هُو الدَّواءُ . (۱)

ص:۸۱

۱- کنز العُمّال : ۲۳۱۰ .

علوم و اخبار موجود در قرآن

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن أرادَ عِلمَ الأوَّلینَ و الآخِرینَ فَلْیُثَوِّرِ القرآنَ.(1)

(2)

هرکه خواهان علم پیشینیان و آیندگان ، از اول تا به آخر دنیا است ، در قرآن کاوش و تأمل کند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إن أرَدتُم عَیشَ السُّعَداءِ و مَوتَ الشُّهَداءِ و النَّجاةَ یَومَ الحَسرَهِ و الظِّلَّ یَومَ الحَرورِ و الهُدی یَومَ الضَّلالَهِ فَادرُسُوا القرآنَ ؛ فإنّهُ کلامُ الرَّحمنِ و حِرزٌ مِن الشَّیطانِ و رُجحانٌ فی المیزانِ . (3)

اگر زندگی نیک بختان و مردن شهیدان و نجات در روز حسرت و داشتن سایه

١. فلیثور القرآن : أی لینقّر عنه و یفکّر فی معانیه و تفسیره و قراءته . (النهایه : ١/٢٢٩) .

(٨٢) قرآن شناسی

ص:٨٢

١- کنز العُمّال : ٢۴۵۴ .

٢- کنز العُمّال : ٢۴۵۴ .

٣- البحار : ٩٢/١٩/١٨ .

در روز سوزان و هدایت در روز گمراهی را می خواهید ، قرآن را یاد بگیرید ؛ زیراکه قرآن ، سخن خدای مهربان و مایه حفظ از شیطان و سنگینی ترازو(ی اعمال) است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : یا مُعاذُ ، إن أرَدتُم عَیشَ السُّعَداءِ و مِیتَهَ الشُّهَداءِ و النَّجاهَ یَومَ الحَشرِ و الأمنَ یَومَ الخَوفِ و النُّورَ یَومَ الظُّلُماتِ و الظِّلَّ یَومَ الحَرُورِ و الرِّیَّ یَومَ العَطَشِ و الوَزنَ یَومَ الخِفَّهِ و الهُدی یَومَ الضَّلالَهِ فَادرُسِ القرآنَ ؛ فأنّهُ ذِکرُ الرَّحمنِ و حِرزٌ مِن الشَّیطانِ و رُجحانٌ فی المیزانِ . (1)

ای معاذ ! اگر زندگی سعادتمندان را می خواهی و مردن شهیدان را و نجات در روز محشر را و امنیت در روز ترس را و روشنایی در روز تاریکی ها را و سایه

۱- کنز العُمّال : ۲۴۹۳ .

در روز سوزان را و سیرابی در روز تشنگی را و سنگینی در روز سبکی (ترازوی اعمال) را و هدایت در روز گمراهی را ، پس قرآن را نیک بیاموز ؛ زیراکه آن یاد خدای رحمان است و نگهدارنده از شیطان و مایه سنگینی میزان (اعمال) .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : خِیارُکُم مَن تَعَلَّمَ القرآنَ و عَلَّمَهُ. (۱)

بهترین شما ، کسی است که قرآن را بیاموزد و (به دیگران) آموزش دهد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : خَیرُکُم مَن قَرَأ القرآنَ و أقرَأهُ. (۲)

بهترین شما، کسی است که قرآن را بخواند و خواندن آن را به دیگران یاد دهد.

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : یقالُ لِصاحِبِ الْقرآنِ إذا دَخَلَ الْجَنّهَ ؛ اِقرَأْ وَاصْعَدْ ، فَیَقرَأُ و

۱- البحار : ۹۲/۱۸۶/۲ .

۲- کنز العُمّال :۲۳۵۱ ، ۲۳۵۴ .

يَصعَدُ بكَلِّ آيَهٍ دَرَجهً حتّی يَقرَأَ آخِرَ شی ءٍ مَعهُ مِنهُ . (۱)

کسی که قرآن می دانـد ، چون وارد بهشت شود به او می گویند : «بخوان و بالا رو» و او می خواند و با هر آیه ای یک درجه (در بهشت) صعود می کند ، تا آنکه آخرین آیه ای را که از قرآن می داند می خواند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : علَیکُم بتَعَلُّمِ القرآنِ و کَثرَهِ تِلاوَتِه .(۲)

بر شما باد، آموختن قرآن و بسیار خواندن آن .

۱- کنز العُمّال : ۲۳۳۰ ، ۲۳۳۱ ، ۲۳۶۸ .

۲- کنز العُمّال : ۲۳۳۰ ، ۲۳۳۱ ، ۲۳۶۸ .

ثواب آموزش دادن قرآن

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن عَلَّمَ رجُلًا القرآنَ فهُو مَولاهُ، لايَخذُلُهُ و لا يَستأثِرُ علَيهِ.(۱)

هرکس به مردی قرآن بیاموزد، مولای اوست و آن مرد نباید او را تنها و بی یار گذارد و خود را بر وی ترجیح دهد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن عَلَّمَ عَبدا آيَةً مِن كتابِ اللّهِ فهُو مَولاهُ ، لا يَنبَغی لَهُ أن يَخذُلَهُ و لا يَستَأثِرَ علَيهِ ، فإن هُو فَعَلَهُ قَصَمَ عُروَةً مِن عُرَى الإسلامِ .(۲)

هرکس آیه ای از کتاب خدا به بنده ای بیاموزد ، مولای اوست و شایسته نیست که آن بنده ، او را تنها و بی یاور گذارد و خود را بر او ترجیح دهد ؛ که اگر چنین

۱- ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

۲- ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

کند ، حلقه ای از حلقه های اسلام را پاره کرده است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : ما اِجْتَمَعَ قَومٌ فی بَیتٍ مِن بُیوتِ اللّهِ یَتلُونَ کتابَ اللّهِ و یَتَدارَسُونَهُ بینَهُم إلاّ نَزَلَت علَیهِمُ السَّکینَهُ ، و غَشِیَتهُمُ الرَّحمَهُ ، و حَفَّتهُمُ الْمَلائکهُ ، و ذَکَرَ هُمُ اللّهُ فیمَن عِندَهُ . (۱)

هیـچ گروهی در خانه ای از خانه های خـدا برای تلاوت کتاب خدا و مباحثه آن جمع نشدند ، مگر اینکه آرامش بر آنان فرود آمد و رحمت فرایشان گرفت و فرشتگان آنان را در میان گرفتند و خداوند در میان کسانی که نزدش هستند ، از آنان یاد کرد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : ألا مَن تَعَلَّمَ القرآنَ و عَلَّمَهُ و عَمِلَ بما فیهِ فأنا لَهُ سائقٌ إلَی

قرآن شناسی (۸۷)

ص:۸۷

۱- کنز العُمّال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

الجَنَّهِ و دَليلٌ إلَى الجنّهِ(1)

بدانیـد که هرکس قرآن را بیـاموزد و به دیگران آموزش دهـد و به آنچه در آن است عمـل کنـد ، من جلودار و راهنمای او به سوی بهشت هستم .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن عَلَّمَ وَلَدا لَهُ القرآنَ قَلَّدَهُ اللّهُ قِلادَهً یُعجَبُ مِنها الأوَّلونَ و الآخِرونَ یَومَ القِیامَهِ. (2)

هرکس به فرزنـد خود قرآن را آموزش دهـد ، خداونـد گردنبندی به گردن او آویزد که در روز قیامت همگان از آن شـگفت زده شوند .

1- کنز العُمّال : 4025 ، 2382 ، 2384 ، 2320 ، 2375 ، 2386 .

2- کنز العُمّال : 4025 ، 2382 ، 2384 ، 2320 ، 2375 ، 2386 .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن قَرَأ القرآنَ قَبلَ أن یَحتَلِمَ فَقَد اُوتِیَ الحُکمَ صَبیّا. (۱)

هرکس پیش از بلوغ قرآن بخواند ، در کودکی به او حکمت داده شده است .

ترغیب به حفظ کردن قرآن

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن أعطاهُ اللّه ُ حِفظَ کتابِهِ فَظَنَّ أنَّ أحَدا اُعطِیَ أفضَلَ مِمّا اُعطِیَ فقد غَمَطَ أفضَلَ النِّعمَهِ . (۲)

هرکس که خدا نعمت حفظ کتاب خود را به او عطا کند و آن کس گمان کند که به دیگران نعمتی بزرگ تر از این نعمت او داده شده است ، بی گمان

۱- کنز العُمّال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

۲- کنز العُمّال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

نسبت به بزرگ ترین نعمت تحقیر و ناسپاسی روا داشته است .

رَسُولُ اللّه ِصلی الله علیه و آله : لا تَغُرَّنَّکُم هذهِ الْمَصاحِفُ الْمُعَلَّقَهُ ، أِنّ اللّهَ تعالی لا یُعَذِّبُ قَلبا وَعَی الْقُرْآنَ . (۱)

این مصحف های آویزان ، شما را گول نزد . خدای متعال قلبی را که جایگاه قرآن باشد ، عذاب نمی کند .

رَسُولُ اللّه ِصلی الله علیه و آله : أِنّ الذی لَیْسَ فی جَوفِه شی ءٌ مِنَ الْقُرآنِ کَالْبَیتِ الْخَرِبِ .(۲)

کسی که در اندرونش چیزی از قرآن نیست ، همانند خانه ای ویران است .

رَسُولُ اللّه ِصلی الله علیه و آله : لعلیٍّ علیه السلام : اُعَلِّمُکَ دُعاءً لا تَنسَی الْقرآنَ ، قُلْ :

اَللّهُمَّ ارحَمْنی بِتَرکِ مَعاصِیکَ أبدا ما أبقَیتَنی ، وَ ارْحَمْنی مِن تَکَلُّفِ ما لا

۱- کنز العُمّال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

۲- کنز العُمّال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

يَعنِينى ، وارزُقْنى حُسنَ النَّظَرِ فيما يُرضِيکَ ، و ألزِمْ قَلبى حِفظَ کتابِکَ کما عَلَّمتَنى ، وارزُقْنى أن أتلُوَهُ علَى النَّحوِ الذى يُرضيکَ عَنِّى . اللّهُمّ نَوِّرْ بكتابِکَ بَصَرِى ، واشرَحْ به صَدرى ، و أطلِقْ بِه لِسانى ، واستَعمِلْ بِه بَدَنى ، و قَوِّنى بِه على ذلكَ ، و أعِنِّى علَيهِ ، أنّهُ لا يُعينُ علَيهِ ألاّ أنتَ ، لا إله اِلاّ أنتَ .(۱)

به على عليه السلام فرمود : دعـايى به تو مى آموزم كه قرآن را فراموش نكنى ، بگو : بارخـدايا! به من رحمت آر كه تـا زنـده هسـتم ، هيچ گاه نافرمانى تو نكنم و به من رحمت آر كه در چيزهاى بيهوده ، به زحمت نيفتم و نيك انديشـى در آنچه كه تو را خشنود مى كند ، روزيم فرما و حفظ كردن كتابت را آن گونه كه به من آموختى با قلبم ملازم و همراه گردان و تلاوت آن را به گونه اى كه تو را از من خشنودگرداند،

۱- البحار : ۹۲/۲۰۸/۵ .

روزیم فرما . بارخدایا! به وسیله کتابت دیده (بصیرت) مرا روشن گردان و سینه ام را فراخ ساز و زبانم را باز و گویا کن و پیکرم را در راه آن به کار گیر و در این باره با قرآن نیرویم بخش و بر آن کمکم فرما ، که در این زمینه جز تو کسی کمک نکند . معبودی جز تو نیست .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله مِن دعائِه : اللّهُمّ ارحَمْنی بتَركِ مَعاصِيكَ أبَدا ما أبقَيتَنی ، وارزُقْنی حُسنَ النَّظرِ فيما يُرضِيكَ عَنّی ، و ألزِمْ قَلبی حِفظَ كتابِكَ كما عَلَّمتَنی ، واجعَلْنی أتلُوهُ عَلَی النَّحوِ الذی يُرضِيكَ عَنّی . اللّهُمّ نَوِّرْ بكتابِكَ بَصَری ، و اشرَحْ بِه صَدری، و فَرِّحْ بِه قَلبی، و أطلِقْ بِه لِسانی، واستَعمِلْ بِه بَدَنی، و قَوِّنی علی ذلكَ ، فأنّهُ لا حَولَ و لا قُوّةَ ألاّ بكَ . (1)

۱- قرب الإسناد : ۵/۱۶ .

از دعـای پیـامبر خـدا صـلی الله علیه و آله : بارخـدایا! به من رحمت آر که تـا زنـده هسـتم ، هیچگـاه نافرمانی تو نکنم و نیک اندیشـی در هر آنچه که تو را خشـنود می سـازد ، روزیم فرمـا و حفـظ کردن کتابت را بـدان گونه که به من آموختی ، با دلم ملازم و همراه گردان و چنـان کن که قرآن را آن گـونه که تو را از من خشـنود می گردانـد ، تلاوت کنم . بارخـدایا! دیـده (بصیرت) مرا به کتابت روشن نما و به وسیله آن سینه ام را فراخ گردان و دلم را با آن شاد ساز و زبانم را به آن باز و گویا کن ، بدنم را در راه آن به کار گیر و در این زمینه نیرویم بخش ؛ زیراکه هیچ حرکت و قدرتی جز به وسیله تو نیست .

تشویق به مرور کردن قرآن در ذهن

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : تَعاهَدُوا هذا القرآنَ ؛ فأنّهُ وَحشِیٌّ فلَهُ أسرَعُ تَفَصِّیا مِن صُدورِ الرِّجالِ مِنَ الإبلِ مِن عُقُلِها ، و لا یَقولَنَّ أحَدُکُم : نَسِیتُ آیهَ کَیتَ و کَیتَ ، بل نُسِّیَ . (۱)

از این قرآن نگهداری کنید ؛ زیراکه قرآن رمنده است و از این رو از سینه های مردان زودتر می گریزد ، تا شتر از زانو بندش و هیچ گاه فردی از شما نگوید ، فلان و بهمان آیه را از یاد برده ام ، بلکه از یاد(ش) برده شده است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : بِئسَما لاِءحدِکُم ان یَقولَ نَسِیتُ آیَهً کَیتَ و کَیتَ ، بَل هو نُسِّیَ . اِستَذْکِرُوا القرآنَ ، فَوَالَّذی نَفسی بیَدِه لَهُو أشَدُّ تَفَصِّیا مِن صُدورِ

۱- کنز العُمّال : ۲۸۵۰ .

الرِّجالِ مِن النَّعَمِ مِن عُقُلِها . (۱)

خوب نیست ، که فردی از شـما بگویـد فلان و بهمان آیه را از یاد بردم ، (چنین نیست) بلکه از یاد(ش) برده شده است . قرآن را (در ذهن خود مرور و) یـادآوری کنیـد؛ زیرا سوگنـد به آن که جـانم در دست اوست ، قرآن از سـینه های مردان زودتر می رهد ، تا شتر از زانوبندش .

رَسُولُ اللّه ِ صـلی الله علیه و آله : مَثَلُ القرآنِ إذا عاهَـدَ علَیهِ صاحِبُهُ فَقَرَأهُ باللیلِ والنهارِ کَمَثَلِ رجُلٍ لَهُ إبلٌ فإن عَقَلَها حَفِظَها ، و إن أطلَقَ عِقالَها ذَهَبَت فکذلکَ القرآنُ. (۲)

حکایت قرآن ، هرگاه که حافظ آن شب و روز قرآن را بخوانـد و بدین وسـیله آن را (در ذهن خود) نگه دارد، حکایت مردی است که شتری دارد ؛ اگر زانوی آن را

۱- کنز العُمّال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

۲- کنز العُمّال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

ببندد نگهش می دارد و اگر زانوبندش را باز کند، شتر می رود. قرآن نیزچنین است.

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : فی دَفنِ شُهَداءِ غَزوَهِ اُحُدٍ : انظُرُوا أكثَرَهُم جَمعا للقرآنِ فَاجْعَلُوهُ أمامَ صاحِبِه فِی الْقَبرِ .

در هنگام خاکسپاری شهدای احد ، فرمود : ببینید ، کدام یک از آنها قرآن را بیشتر جمع آوری کرده است ، آن را در قبرش پیش روی او قرار دهید .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن جَمَعَ القرآنَ مَتَّعَهُ اللّهُ بعَقلِه حتّی یَموتَ(۱)

هرکه قرآن را جمع آوری کند ، خداوند او را تا زمانی که بمیرد از خردش بهره مند سازد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : حامِلُ القرآنِ حامِلُ رایَهِ الإسلامِ ، مَن أكرَمَهُ فقد أكرَمَ اللّهَ ، و

۱- کنز العُمّال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

مَن أهانَهُ فعلَيهِ لَعنَهُ اللّهِ عَزَّوجلَّ. (۱)

قرآن دان ، پرچمدار اسلام است . هرکه او را گرامی دارد ، بی گمان خدا را گرامی داشته است و هرکه او را خوار شمارد ، لعنت خدای عزوجل بر او باد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : حَمَلهُ القرآنِ هُمُ المُعلِّمونَ کلامَ اللّهِ ، و المُتَلَبِّسونَ بنورِ اللّهِ ، مَن والاهُم فقد والَی اللّهَ ، و مَن عاداهُم فَقد عادَی اللّهَ . (۲)

قرآن دانان ، آموزگاران کلام خدا و پوشیده در نور خدا هستند . هرکه با آنان دوستی کند ، بی گمان با خدا دوستی کرده است و هرکه با آنان دشمنی ورزد ، هر آینه با خدا دشمنی ورزیده است .

قرآن شناسی (۹۷)

ص:۹۷

۱- کنز العُمّال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

۲- کنز العُمّال : ۲۸۵۰ ، ۲۸۴۹ ، ۲۸۵۴ .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : وَفدا إلَی الیَمَنِ ، فَأَمَّرَ علَیهِم أمیرا مِنهُم و هُو أصغَرُهُم ، فَمَکَثَ أیّاما لم یَسِرْ ... فقالَ لَهُ رجُلٌ:یارسولَ اللّه ِ، أتُؤَمِّرُهُ علَیناو هُو أصغَرُنا؟ فَذَکَرَ النبیُّ صلی الله علیه و آله قِراءَتَهُ القرآنَ . (1)

هیأتی را به یمن فرستاد و از میان آنها ، کم سال ترین فرد را به ریاستشان برگزید . چند روزی گذشت و آن هیأت راهی نشد ... مردی به پیامبر عرض کرد : ای رسول خدا ! او را که از همه ما سنّش کمتر است ، رئیس ما کرده ای ؟ پیامبر (در بیان علت این کار) قاری قرآن بودن او را یادآور شد .

1- کنز العُمّال : 4020 .

آن چه که زیبنده قرآن دان است

رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : إذ خَرَجَ ذاتَ یَومٍ و هو یُنادی بِأعلی صَوتِه : یا حامِلَ القرآنِ ، اُکحُلْ عَینَیکَ بالبُکاءِ إذا ضَحِکَ البَطّالونَ ، و قُمْ بِاللیلِ إذا نامَ النائمونَ ، و صُم إذا أکَلَ الآکِلُونَ، واعفُ عَمَّن ظَلَمَکَ، و لاتَحقِدْ فیمَن یَحقِدُ، و لاتجهَلْ فیمَن یَجهَلُ .(۱)

روزی پیامبرخدا صلی الله علیه و آله به میان مردم آمد و با صدای بلند فریاد زد: ای قرآن دان! آن گاه که هرزگان می خندند ، تو با گریه دیدگان خویش را سرمه کن و شبها که خفتگان در خوابند ، تو (برای عبادت) برخیز و آن گاه که خورندگان می خورند، تو روزه بدار و از کسی که به تو ستم کرده است ، در گذر و با کسی که به تو دشمنی و کینه می ورزد ، کینه مَورز و با کسی که نسبت به تو جاهلانه رفتار

قرآن شناسی (۹۹)

ص:۹۹

۱- کنزالعُمّال : ۴۱۹۸ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

می کند ، جاهلانه رفتار مکن .

آنچه که زیبنده قرآن دان نیست

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لا يَنبغى لِصاحِبِ القرآنِ أن يَحِدَّ مَع مَن حَدَّ ، و لا يَجهَلَ مَع مَن يَجهَلُ و فى جَوفِهِ كلامُ اللّه ِ. (۱)

برای ملازم قرآن شایسته نیست باکسی که نسبت به او تندی کرده است، تندی کند و کسی که دراندرونش کلام خداست،باکسی که(نسبت به وی)رفتارجهالت آمیز می کند ، جاهلانه رفتار نمی کند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : ليسَ يَنبغى لِحامِلِ القرآنِ أن يَسفَهَ فِيمَن يَسفَهَ أو يَغْضَبَ فيمَن يَغضَبُ ، أو يَحتَدُّ فيمن يَحتَدُّ وَ لكنْ يَعفُو و يَصفَحُ لِفَضلِ القرآنِ . (۲)

۱- کنزالعُمّال : ۴۱۹۸ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

۲- کنزالعُمّال : ۴۱۹۸ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

برای قرآن دان ، شایسته نیست که در مقابل رفتار سفاهت آمیز دیگران با خود ، سفیهانه رفتار کند، یا بر کسی که بر او خشم می گیرد ، خشم گیرد ، یا بر کسی که به او پرخاش می کند، پرخاش نماید . بلکه از برکت (وجود) قرآن (در خود) گذشت می کند و می بخشد .

تشویق به تلاوت قرآن

اِنَّ الَّذینَ یَتْلُونَ کِتابَ اللّهِ وَ اَقامُوا الصَّلوهَ وَ اَنْفَقُوا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِرّا وَ عَلانِیَهً یَرْجُونَ تِجارَهً لَنْ تَبُورَ : همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می کنند و نماز را به پای می دارند و از آنچه روزیشان کرده ایم ، در نهان و آشکار ، انفاق می کنند ، امید به تجارتی بسته اند که هرگز کساد نمی شود» (۱)

۱. ۲۹ / فاطر .

ص:۱۰۱

۱- ۲۹ / فاطر .

قرآن شناسی (۱۰۱)

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إذا أحَبَّ أحدُکُم أن یُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْیَقرَأ القرآنَ.(۱)

هرگاه فردی از شما دوست داشته باشد که با پروردگارش سخن بگوید ، قرآن بخواند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إنّ هذهِ القُلوبَ تَصدَأُکما یَصدَأُالحَدیدُ. قیلَ: یا رسولَ اللّه ِ صلی الله علیه و آله ، فما جَلاؤها؟ قالَ : تِلاوَةُ القرآنِ . (۲)

این دل ها نیزهمانند آهن زنگارمی بندد. عرض شد: ای رسول خدا، صیقل دهنده دل ها چیست ؟ فرمود: تلاوت قرآن .

(۱۰۲) قرآن شناسی

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : علَیکَ بقِراءهِ القرآنِ ؛ فأنّ قِراءتَهُ کَفّارةٌ للذُّنوبِ ، و سَترٌ فی

۱- کنز العُمّال : ۲۲۵۷ ، ۲۴۴۱ .

۲- کنز العُمّال : ۲۲۵۷ ، ۲۴۴۱ .

النارِ ، و أمانٌ مِن العذابِ .(۱)

بر تو باد ، خواندن قرآن ؛ زیرا خواندن آن کفّاره گناهان است و پرده ای در برابر آتش و موجب ایمنی از عذاب .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إذا قَرَأ القارئُ القرآنَ فَأخطَأَ أو لَحَنَ أو كانَ أعجَميّا كَتَبَهُ المَلَكُ كما اُنزِلَ.(۲)

هرگاه قاری ، قرآن بخواند و دچار خطا یا لحن (اشتباه اِعرابی) شود و یا قاری غیرعرب باشد ، فرشته برای او به همان صورتی که نازل شده است بنویسد .

قرآن شناسی (۱۰۳)

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : يا بُنَيَّ ، لا تَغفُلْ عَن قِراءِهِ القرآنِ ؛ فإنَّ القرآنَ يُحيِي القَلبَ ، و

۱- البحار : ۹۲/۱۷/۱۸ .

۲- كنز العُمّال : ۲۲۸۴ ، ۴۰۳۲ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

يَنهى عنِ الفحشاءِ والمُنكَرِ و البَغيِ .(۱)

فرزندم ! از خواندن قرآن غافل مباش ؛ زیراکه قرآن دل را زنده می کند و از فحشا و زشتکاری و ستم و گناه بازمی دارد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَنْ قَرَأَ القرآنَ فَقدِ استُدرِجَ النُّبوَّةُ مِن جَنبَيهِ ، غيرَ أنّهُ لا يُوحى إلَيهِ .(۲)

کسی که قرآن بخواند ، پیامبری از دو پهلویش بالا رود ، منتها به او وحی نمی شود .

۱- کنز العُمّال : ۲۲۸۴ ، ۴۰۳۲ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

۲- کنز العُمّال : ۲۲۸۴ ، ۴۰۳۲ ، ۲۳۴۷ ، ۲۳۴۹ .

خواندن قرآن با صدای خوش

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إنّ حُسنَ الصَّوتِ زينَةٌ للقرآنِ . (۱)

صدای خوش ، زیور قرآن است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لِكلِّ شیءٍ حِليَةٌ و حِليَةُ القرآنِ الصَّوتُ الحَسَنُ . (۲)

هر چیزی زیوری دارد و زیور قرآن صدای خوش است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : زَيِّنُوا القرآنَ بِأصواتِكُم . (۳)

قرآن را با صداهای (خوش) خود ، زینت بخشید .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لمّا سُئلَ عن أحسَنِ الناسِ صَوتا بالقرآنِ : مَن إذا

۱- البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ .

۲- كنز العُمّال : ۲۷۶۸ .

۳- البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ و ص ۱۹۵/۱۰ .

سَمِعتَ قِراءَتَهُ رَأيتَ أنّهُ يَخشَى اللّهَ .(۱)

در پاسـخ به این سؤال که چه کسـی قرآن را از همه خوشتر می خواند ، فرمود : کسـی که هرگاه قرآن خواندن او را بشـنوی ، ترس و خشیت از خدا را در او ببینی .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إنَّ مِن أحسَنِ الناسِ صَوتا بالقرآنِ الذی إذا سَمِعتُمُوهُ یَقرَأُ حَسِبتُموهُ یَخشَی اللّهَ.(۲)

از جمله خوش صداترین مردم در قرائت قرآن ، کسی است که وقتی بشنوی قرآن می خواند گمان بری که از خدا می ترسد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : حَسِّنُوا القرآنَ بأصواتِكُم ؛ فإنّ الصَّوتَ الحَسَنَ یَزیدُ

۱- البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ و ص ۱۹۵/۱۰ .

۲- الترغیب و الترهیب : ۲/۳۶۴/۹ .

القرآنَ حُسنا . (۱)

قرآن را با صدای خوش بخوانید ؛ زیرا صدای زیبا ، بر زیبایی قرآن می افزاید .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : فی قولِه تعالی: يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِه : يَتَّبِعُونَهُ حَقَّ اتِّباعِه.(۲)

درباره آیه «آن را تلاوت می کنند آن گونه که حق تلاوت آن است» ، فرمود : (یعنی) از آن چنان که باید و شاید ، پیروی می کنند .

۱- کنز العُمّال : ۲۷۶۵ .

۲- . الدّر المثنور : ۱/۲۷۲ .

آداب قرائت قرآن

۱ تمیز کردن دهان

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : نَظِّفُوا طَریقَ القرآنِ ، قیلَ : یا رسولَ اللّه ِ ، و ما طَریقُ القرآنِ ؟ قالَ : أفواهُکُم ، قیلَ : بماذا ؟ قالَ : بالسِّواکِ ؟(۱)

گذرگاه قرآن را نظافت کنید . عرض شد : ای رسول خدا ، گذرگاه قرآن چیست؟ فرمود: دهانهایتان؛ عرض شد: باچه تمیزش کنیم؟ فرمود:بامسواک زدن.

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إنّ أفواهَکُم طُرُقُ القرآنِ ، فَطَیِّبُوها بالسِّواکِ ؟ (۲)

همانها دهان های شما گذرگاه های قرآن است . پس آنها را با مسواک زدن ، خوشبو کنید .

۱- البحار : ۹۲/۲۱۳/۱۱ .

۲- کنزالعُمّال : ۲۷۵۱ ، ۲۷۵۲ .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : طَیِّبُوا أفواهَکَم ؛ فإنَّ أفواهَکَم طَریقُ القرآنِ . (۱)

دهانهایتان را ، خوشبو کنید ؛ زیراکه دهان های شما ، گذرگاه قرآن است .

۲ ترتیل (روشن و شمرده خواندن)

ترتیل (روشن و شمرده خواندن)

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : فی قولِه تعالی : «وَ رَتِّلِ القُرآنَ تَرتیلاً» : بَیِّنْهُ تِبیانا ، وَ لاتَنثُرْهُ نَثرَ البَقْلِ ، و لا تَهُذَّهُ هَذَّ الشِّعرَ ، قِفُوا عندَ عَجائبِهِ ، حَرِّکُوا بِه القُلوبَ ، وَ لایَکُنْ هَمُّ أحَدِکُم آخِرَ السُّورَهِ .(۲)

درباره آیه «و رتل القرآن ترتیلاً» فرمود : قرآن را روشن و شمرده بخوان و آن را مانند تخم علف پاش مده و همچون شعر به شتاب و بریده و بریده مخوان . در شگفتیهایش درنگ کنید ، دل ها را با آن به تپش و حرکت درآورید و همه

قرآن شناسی (۱۰۹)

ص:۱۰۹

۱- کنزالعُمّال : ۲۷۵۱ ، ۲۷۵۲ .

۲- نوادرُ الرّاوندی : ۳۰ .

کوشش شما این نباشد که سوره را به آخر برسانید .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله ایضا : بَیِّنْهُ تَبیینا ، و لا تَهُذَّهُ هَذَّ الشِّعرِ ، قِفُوا عندَ عَجائبِهِ، جَرِّحُوا بِهِ القُلوبَ ، و لا یَکُن هَمُّ أحدِکُم آخِرَ السُّورَهِ .(۱)

نیز درباره همین آیه ، فرمود : قرآن را روشن و شمرده بخوانید و مانند شعر تند و بریده بریده مخوانید ، در مطالب شگفت انگیزش تأمل کنید و دل ها را با آن نیشتر زنید و تمام سعی شما این نباشد که سوره را به آخر رسانید .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : أنّی لَأعْجَبُ کَیْفَ لا أشیبُ إذا قَرَأتُ القرآنَ ! (۲)

من در شگفتم که وقتی قرآن می خوانم ، چگونه مویم سفید نمی شود .

(۱۱۰) قرآن شناسی

ص:۱۱۰

۱- کنزالعُمّال : ۴۱۱۷ .

۲- البَحار : ۱۶/۲۵۸/۴۲ .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اِقرَؤوا الْقُرآنَ بِالْحُزنِ ؛ فإنّهُ نَزَلَ بِالْحُزنِ . (۱)

قرآن را با آواز حزین بخوانید ؛ زیراکه آن با صوت حزین نازل شده است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اِقْرَؤوا الْقُرْآنَ وَابْكُوا ، فَإن لَم تَبكُوا فَتَباكَوا ، لَيس مِنّا مَن لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرآنِ . (۲)

قرآن را بخوانیـد و گریه کنید و اگر گریه تان نمی آید ، خود را به گریه بزنید . از ما نیست کسـی که قرآن را با صوت خوب نخواند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : ما مِن عَينٍ فاضَت مِن قِراءهِ القرآنِ إلاّ قَرَّتْ يَومَ القِيامَهِ(۳)

قرآن شناسی (۱۱۱)

ص:۱۱۱

۱- کنزالعُمّال : ۲۷۷۷ ، ۲۷۹۴ ، ۲۸۲۴ ، ۴۱۴۳ .

۲- کنزالعُمّال : ۲۷۷۷ ، ۲۷۹۴ ، ۲۸۲۴ ، ۴۱۴۳ .

۳- کنز العُمّال : ۲۸۲۸ .

هیچ دیده ای نیست که از خواندن قرآن اشکش سرازیر نشود ، مگر اینکه روز قیامت روشن شود .

رسول اللّه صلی الله علیه و آله لَمّا سُئِلَ عَنْ أحْسَنِ النّاسِ قِراءةً : إذا سَمِعْتَ قِراءَتَهُ رَأیتَ أنّهُ یَخشَی اللّهَ . (۱)

در پاسخ به این سؤال که خوش خوان ترین قرآن چه کسی است ، فرمود : کسی که هرگاه قرآن خواندنش را بشنوی ، فکر کنی که از خدا می ترسد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لا یَفقَهُ مَن قَرَأَ القرآنَ فی أقَلَّ مِن ثلاثٍ. (۲)

کسی که قرآن را در کمتر از سه (روز) بخواند ، (در آن) فقیه و دانا نمی شود .

(۱۱۲) قرآن شناسی

ص:۱۱۲

۱- کنزالعُمّال : ۲۷۷۷ ، ۲۷۹۴ ، ۲۸۲۴ ، ۴۱۴۳ .

۲- کنزالعُمّال : ۲۷۷۷ ، ۲۷۹۴ ، ۲۸۲۴ ، ۴۱۴۳ .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : فیما قالَ لِابْنِ عُمَرَ : اِقرَأِ الْقرآنَ فی کُلِّ شَهرٍ ، قالَ : قُلْتُ : إنّی أجِدُ قُوَّهً ، قالَ : اِقرَأْهُ فی عِشرِینَ لَیلهً ، قالَ : قُلْتُ : أنّی أجِدُ قُوّهً ، قالَ : فَاقْرَأْهُ فی عَشرِ لَیالٍ ، قالَ : إنّی أجِدُ قوّهً ، قالَ : فاقرَأْهُ فی سَبعٍ و لا تَزِدْ علی ذلکَ(۱)

در سخنانی به پسر عمر فرمود : قرآن را در یک ماه بخوان . ابن عمر می گوید : عرض کردم : من می توانم در کمتر از این مدت بخوانم . فرمود : در بیست شب بخوان . می گوید : عرض کردم : می توانم در کمتر از این مدت هم بخوانم . فرمود : در ده شب بخوان . عرض کرد: می توانم در کمتر از این هم بخوانم . فرمود : در هفت شب بخوان و از این جلوتر مرو .

۱- کَنْزُالْعُمّال : ۲۸۱۵ .

تلاوت های ممنوع

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إنّی أخافُ علَیکُمُ اسْتِخفافا بالدّینِ ... و أنْ تَتَّخِذُوا الْقرآنَ مَزامیرَ.(۱)

نگرانی من برای شما این است که دین را سبک شمارید ... و قرآن را با ساز و آواز بخوانید .

عبدُاللّه بِنُ رَواحَهَ : نَهانا رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله أن یَقرَأَ أحَدُنا القرآنَ و هُو جُنُبٌ.(۲)

عبداللّه بن رواحه : رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را نهی فرمود ، از اینکه فردی از ما در حال جنابت قرآن بخواند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن قَرَأَ الْقرآنَ یَتَأَكَّلُ بِه الناسَ جاءَ یَومَ القِیامَهِ

۱- البحار : ۹۲/۱۹۴/۸ .

۲- کنزالعُمّال : ۴۲۰۱ .

و وَجهُهُ عَظمٌ لیسَ علَیهِ لَحمٌ .(۱)

کسی که قرآن خواندن را وسیله امرار معاش خود از مردم قرار دهد ، روز قیامت در حالی بیاید که چهره اش اسکلتی بدون گوشت است .

کسی که قرآن لعنتش می کند

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : رُبَّ تالِ القرآنِ والقرآنُ یَلعَنُهُ.(۲)

ای بسا قرآن خوانی ، که قرآن لعنتش می کند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لیسَ القرآنُ بالتَّلاوَهِ و لا العِلمِ بالرِّوایَهِ ، و لکنِ القرآنُ بالهِدایَهِ و العِلمَ بالدِّرایَهِ . (۳)

۱- کنزالعُمّال : ۲۸۴۳ .

۲- البحار : ۹۲/۱۸۴/۱۹ .

۳- کنزالعُمّال : ۲۴۶۲ .

قرآن نه به تلاوت کردن است و نه به دانستن روایت آن ، بلکه قرآن به هدایت است و فهمیدن آن .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اقرَأِ القرآنَ ما نَهاكَ ، فَإنْ (فَإذا) لَمْ يَنهَكَ فلَستَ تَقرَؤهُ . (۱)

تا زمانی که قرآن تو را (از گناهان) بازمی دارد ، قرآن بخوان ، زیرا اگر تو را بازنداشت (در حقیقت) آن را نخوانده ای .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اَلْغُرَباءُ فِی الدّنیا أربَعهٌ : قرآنٌ فی جَوفِ ظالِمٍ ، و مَسجِدٌ فی نادی قَومٍ لا یُصَلّی فیهِ ، و مُصحَفٌ فی بَیتٍ لا یُقرَأُ فیهِ ، و رَجُلٌ صالِحٌ مَع قَومِ سوءٍ . (۲)

(۱۱۶) قرآن شناسی

غریبان دنیا چهارنفرند : قرآنی که در اندرون ستمگر است ، مسجدی که در

۱- کنز العُمّال : ۲۷۷۶ ، ۲۸۴۵ .

۲- کنز العُمّال : ۲۷۷۶ ، ۲۸۴۵ .

محلّه ای باشد و مردم در آن نماز نخوانند ، مصحفی که در خانه ای باشد و خوانده نشود و مرد پرهیزگاری که در میان مردمانی بد به سر می برد .

قاریان نابکار

مصباحُ الشَّریعهِ : قالَ النبیُّ صلی الله علیه و آله : أكثَرُ مُنافِقی اُمَّتی قُرّاؤها . (۱)

مصباح الشریعه : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : بیشتر منافقان امّت من ، قاریان آن هستند (منظور کسانی هستند که قرآن می خوانند ولی برخلاف آن رفتار می کنند) .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إنّ فی جَهنَّمَ رَحاءً مِن حَدیدٍ تُطحَنُ بها رُؤوسُ القُرّاءِ ، و العُلَماءِالمُجرمینَ . (۲)

قرآن شناسی (۱۱۷)

ص:۱۱۷

۱- کنزالعُمّال : ۲۷۷۶ ، ۲۸۴۵ .

۲- مصباح الشریعه : ۳۷۳ .

در دوزخ آسیابی آهنی است ، که با آن سرهای قاریان و علمای گنهکار آرد می شود .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن تَعَلَّمَ القرآنَ لِلدّنیا و زینَتِها حَرَّمَ اللّهُ علَیهِ الْجَنّةَ.(۱)

هرکس قرآن را برای دنیا و زیور آن فراگیرد ، خداوند بهشت را بر او حرام گرداند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : قُرّاءُ الْقرآنِ ثَلاثةٌ : رجُلٌ قَرَأَ الْقرآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضاعَةً فَاسْتَحْرَمَهُ(۲) الْمُلوکَ وَ اسْتَمالَ بِهِ النّاسَ ، و رَجُلٌ قَرَأَ الْقرآنَ فَأقامَ حُروفَهُ و ضَيَّعَ حُدودَهُ ، كَثُرَ هؤلاءِ مِن قُرّاءِ الْقرآنِ لاكَثَّرَهُمُ اللّهُ تعالی ! و رجُلٌ قَرَأَ الْقرآنَ

۱- . البحار : ۷۷/۱۰۰/۱ .

۲- فی لسان المیزان : «فَاسْتَجَرَ بِهِ الْمُلوکَ» . (کما فی هامش المصدر).

فَوَضَعَ دَواءَ الْقرآنِ على داءِ قلبِه فَأسْهَرَ بِه لَيلَهُ و أظْمَأَ بِه نَهارَهُ ، فهؤلاءِ يَدفَعُ اللّهُ بِهِمُ الْبَلاءَ و يُزيلُ (۱) مِنَ الاْعْداءِ و يُنزِلُ غَيْثَ السّماءِ، فَوَاللّهِ لَهؤلاءِ مِنَ الْقُرّاءِ أعَزُّ مِن الْكِبريتِ الأحمَرِ . (۲)

قاریان قرآن سه گونه اند : مردی که قرآن می خواند و آن را وسیله ای برای تقرّب به شاهان و جلب توجه مردم قرار می دهد و مردی کـه قرآن می خوانـد و الفـاظ و کلمـاتش را برپـا می دارد و معـانیش را فرو می گـذارد . ایـن دسـته از قاریـان قرآن تعـدادشان زیـاد اسـت و خـدا امثـال آنهـا را زیـاد نکنـاد و مردی کـه قرآن می خوانـد و دارو و مرهم قرآن را بر روی درد دل خویش می نهد . شبش را

قرآن شناسی (۱۱۹)

ص:۱۱۹

۱- فی المنتخب : «یدیل» . (کما فی هامش المصدر ، و هو الاظهر).

۲- کنزالعُمّال : ۲۸۸۲ .

با آن به بیداری می گذراند و روزش را با آن به تشنگی سپری می کند . ایناننـد که خداوند به برکت وجودشان ، بلا را می گردانـد و دشمنان را از میان می برد و باران آسـمان را فرو می فرسـتد ؛ به خدا سوگند که این قاریان از کبریت احمر کمیاب ترند .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن قَرَأَ الْقرآنَ يُريدُ بِه السُّمعَةَ و الْتِماسَ شـی ءٍ لَقِیَ اللّهَ عَزَّوَجلَّ یومَ الْقِیامَهِ و وَجْهُهُ عَظْمٌ لَیْسَ عَلَیْهِ لَحْمٌ ... و مَن قَرَأَ الْقرآنَ و لَمْ یَعْمَلْ بِه حَشَرَهُ اللّهُ یَومَ الْقِیامَهِ أعْمی فَیَقولُ : «رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنی أعْمی...» . (1)

هرکه برای شهرت طلبی و رسیدن به چیزی قرآن بخواند ، در روز قیامت با چهره ای استخوانی و بی گوشت ، خدای عزوجل را دیدار کند ... و هرکه

۱- ثواب الأعمال : ۳۳۷/۱ .

قرآن بخوانـد و به آن عمل نکنـد ، خداونـد در روز قیامت او را کور محشور گرداند ، پس بگوید : «پروردگارا ! چرا مرا کور محشور کردی ...» .

گوش دادن به قرآن

رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله : ألا مَنِ اشْتاقَ إلَی اللّهِ فَلیَستَمِعْ کَلامَ اللّهِ .(۱)

هان ! هرکه مشتاق خداست ، پس ، به کلام خدا گوش دهد .

رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَنِ اسْتَمَعَ آیَةً مِن الْقرآنِ خَیرٌ لَهُ مِن ثَبیرٍ ذَهَبا ، وَ الثَّبیرُ اسْمُ جَبَلٍ عَظیمٍ بِالْیَمَنِ . (۲)

هرکه یک آیه از قرآن گوش کند ، برایش بهتر از ثبیری از طلاست ؛ ثبیر نام

۱- کنزالعُمّال : ۲۴۷۲ .

۲- البحار : ۹۲/۲۰/۱۸ .

کوه بزرگی در یمن است .

رَسُولُ اللّه ِصلی الله علیه و آله : یُدفَعُ عن قارِئِ القرآنِ بَلاءُ الدنیا و یُدفَعُ عن مُستَمِعِ الْقرآنِ بَلاءُ الْآخِرَهِ . (1)

از قاری قرآن ، بلای دنیا دور می شود و از شنونده قرآن ، بلای آخرت .

رَسُولُ اللّه ِصلی الله علیه و آله : مَنِ اسْتَمَعَ إلی آیَهٍ مِن کِتابِ اللّهِ کُتِبَت لَهُ حَسَنهً مُضاعَفهً ، و مَن تَلا آیَهً مِن کتابِ اللّهِ کانَت لَهُ نورا یَومَ القِیامَهِ.(2)

هرکه به یک آیه از کتاب خدا گوش دهد ، برایش ثوابی دو چندان نوشته شود و هرکه یک آیه از کتاب خدا تلاوت کند ، روز قیامت آن آیه نوری برای او باشد .

۱- کنزالعُمّال : ۴۰۳۱ ، ۲۳۱۶ .

۲- کنزالعُمّال : ۴۰۳۱ ، ۲۳۱۶ .

قرآن ظاهری دارد و باطنی

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : ما أنزَلَ اللّه ُعَزَّوجلَّ آیَةً إلاّ لَها ظَهرٌ و بَطنٌ ، و کلُّ حَرفٍ حَدٌّ ، و کُلُّ حَدٍّ مُطَّلَعٌ .(1)

خدای عزوجل هیچ آیه ای نازل نکرد ، مگر اینکه آن را ظاهری است و باطنی و هر حرفی حدّی است و هر حدّی مقطعی .

قرآن شناسی (۱۲۳)

ص:۱۲۳

۱- کنزالعُمّال : ۲۴۶۱ .

پرهیز از تفسیر به رأی

رَسُولُ اللّهِ ِ صلی الله علیه و آله : قالَ اللّه ُجلَّ جلالُه : ما آمَنَ بی مَن فَسَّرَ بِرَأیِه کَلامی.(۱)

به من ایمان نیاورده است، کسی که سخن مرا براساس رأی خودش تفسیر کند.

رَسُولُ اللّهِ ِ صلی الله علیه و آله : مَن قالَ فی القرآنِ بغَیرِ عِلمٍ فَلْیَتَبَوَّأْ مَقعَدَهُ مِن النارِ.(۲)

هر که ندانسته درباره قرآن سخن بگوید ، جایگاهش آتش است .

رَسُولُ اللّهِ ِ صلی الله علیه و آله : مَن تَکَلَّمَ فی القرآنِ بِرَأیِه فَأصابَ فَقَد أخطَأَ.(۳)

هر که در قرآن مطابق نظر خود سخن بگوید و سخنش درست هم باشد ، باز خطا کرده است .

۱- البحار : ۹۲/۱۰۷/۱ و ص ۱۱۰/۱۱ .

۲- کنزالعُمّال : ۲۹۵۸ .

۳- البحار : ۹۲/۱۱۱/۲۰ .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن قالَ فی القرآنِ بغَیرِ ما عِلمٍ جاءَ یَومَ القِیامَهِ مُلجَما بلِجامٍ مِن نارٍ .(۱)

هرکه در باب قرآن ندانسته چیزی بگوید ، روز قیامت در حالی آورده شود که لگامی از آتش بر او زده شده است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : أکثَرُ ما أخافُ علی اُمَّتی مِن بَعدی رجُلٌ یَتَأوَّلُ القرآنَ یَضَعُهُ علی غیرِ مَواضِعِه . (۲)

بیشترین چیزی که بعد از خود برای امتم از آن می ترسم ، مردی است که قرآن راتأویل نابجاکند .

۱- البحار : ۹۲/۱۱۱/۲۰ .

۲- منیه المرید : ۳۶۹ .

انواع آیات قرآن

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : إنّ القرآنَ نَزَلَ علی خَمسهِ وُجوهٍ : حَلالٍ ، و حَرامٍ ، و مُحكَمٍ ، و مُتَشابِهٍ،و أمثالٍ.فَاعْمَلُوا بِالْحَلالِ،ودَعُوا الْحَرامَ واعْمَلُوا بِالْمُحكَمِ،ودَعُوا الْمُتَشابِهَ، واعْتَبِرُوا بالأمثالِ.(۱)

قرآن ، بر پنج وجه نازل شده است : حلال و حرام و محكم و متشابه و مثل ها . پس به حلال عمل كنيد و از حرام باز ايستيد و محكم را به كار بنديد و با متشابه كارى نداشته باشيد و از مثل ها عبرت گيريد .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اُنزِلَ القرآنُ علی سَبعَهِ أحرُفٍ : آمِرٍ ، و زاجِرٍ ، و تَرغيبٍ ، و تَرهيبٍ، و جَدَلٍ ، و قَصصٍ ، و مَثَلٍ .(۲)

۱- البحار : ۹۲/۱۸۶/۳ .

۲- كنز العُمّال : ۳۰۹۶

قرآن ، بر هفت حرف نازل شده است : امر و نهی و ترغیب کردن و ترساندن و جدل و داستان و مَثَل .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : القرآنُ ذو وُجوهٍ ، فَاحمِلُوهُ على أحسَنِ وُجوهِه.(1)

قرآن ، وجوه گوناگون دارد. پس آن را بر بهترین وجوهش حمل (و معنا) کنید .

امّ القرآن

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : «اَلحَمدُلِلّهِ رَبِّ العالَمینَ» اُمُّ القرآنِ و اُمُّ الكتابِ والسَّبعُ المَثانی . (2)

سوره حمد ، ام القرآن و ام الکتاب و سبع المثانی است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : «اَلحَمدُلِلّهِ رَبِّ العالَمینَ» سَبعُ آیاتٍ ، «بسمِ اللّه ِ الرَّحمنِ ا

۱- کنزالعُمّال : ۲۴۶۹ .

۲- الدّر المنثور : ۱/۱۲ .

لرَّحيمِ» إحداهُنَّ و هِی السَّبعُ المَثانی و القرآنُ العَظیمُ ، و هِی اُمُّ القرآنِ.(۱)

سوره حمد ، هفت آیه است ، «بسم اللّه الرحمن الرحیم» یکی از آن هفت آیه می باشد . سوره حمد ، سبع المثانی و قرآن عظیم و امّ القرآن است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : لِسَعیدِبنِ المُعلّی إذا دَعاهُ و هُو فی الصلاهِ فلَم یُجِبْهُ : ألَم یَقُلِ اللّه ُ: «اسْتَجیبُوا لِلّهِ و لِلرَّسولِ إذا دَعاکُم» ؟!

سعیدبن معلّی را که در حال نماز بود صدازد اما او جواب نداد . رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: مگر خداوند نفرموده است: «هرگاه خدا و رسول شما را صدا زدند ، جواب بدهید» ؟

ثُمّ قالَ : لَاُعَلِّمَنَّکَ أعظَمَ سُورَهٍ فی الْقرآنِ قَبلَ أنْ تَخرُجَ مِن الْمَسجِدِ ، فَأخَذَ

۱- الدّر المنثور : ۱/۱۲ .

بیَدی ، فلَمّـا أرَدنـا أنْ نَخرُجَ قُلْتُ : یا رسولَ اللّه ِ، إنّکَ قُلْتَ : لاَعَلِّمَنَّکَ سُورَةً فی الْقرآنِ ؟ قال : «اَلحَمـدُلِلّهِ رَبِّ العالَمینَ» هی سَبعُ المَثانی و القرآنُ العَظیمُ الذی اُوتیتُهُ . (۱)

سپس فرمود : پیش از آنکه مسجد را ترک کنی، بـا عظمت ترین سوره قرآن را به تو می آموزم. پس ، دسـتم را رفت و چون نزدیک در مسـجد رسـیدیم ، عرض کردم : ای رسول خدا ، شـما فرمودید که : باعظمت ترین سوره قرآن را به تو می آموزم . حضرت فرمود : «الحمدللّه رب العالمین» (سوره حمد) همان سبع المثانی و قرآن عظیمی است ، که به من داده شده است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : ما أنزَلَ اللّه ُفِی التَّوراهِ وَ لا فِی الاْءِنجیلِ وَ لا فِی الزَّبورِ وَ لا

۱- الدّر المنثور : ۱/۱۳ .

فِی الْفُرقانِ مِثلَ اُمِّ القرآنِ(۱)

خداوند نه در تورات و نه در انجیل و نه در زبور و نه در فرقان ، همانند امّ القرآن نازل نکرده است .

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : مَن قَرَأَ فاتِحَهَ الکتابِ فَکأنَّما قَرَأَ التَّوراهَ و الإنجیلَ و الزَّبورَ و الفُرقانَ . (۲)

هرکه فاتحه الکتاب را بخواند، چنان است که تورات و انجیل و زبور و فرقان را.

۱- الدّر المنثور : ۱/۱۳ .

۲- الدّر المنثور : ۱/۱۶

عظیم ترین ، عدالت خواهانه ترین ، ترس آورترین و امیدبخش ترین آیه

رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : أعظَمُ آیَهٍ فی القرآنِ آیَهُ الکُرسِیِّ و أعدَلُ آیَهٍ فی القرآنِ «إنَّ اللّهَ یَأْمُرُ بِالعَدلِ و الإحسانِ» إلی آخِرِها

و أخوَفُ آیَهٍ فی القرآنِ «فَمَنْ یَعمَلْ مِثْقالَ ذَرَّهٍ خَیرا یَرَهُ . و مَنْ یَعمَلْ مِثْقالَ ذَرَّهٍ شَرّا یَرَهُ» .

و أرجی آیَهٍ فی القرآنِ «قُلْ یا عِبادِیَ الَّذینَ أسْرَفُوا علی أنفُسِهِم لا تَقْنَطُوا مِن رَحمَهِ اللّهِ»(۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با عظمت ترین آیه قرآن ، آیه الکرسی است . عدالتخواهانه ترین آیه قرآن آیه «همانا خداوند به عدل و احسان

۱- کنزالعُمّال : ۲۵۳۹ .

فرمان می دهد ...» ، است .

ترس آورترین آیه قرآن ، این آیه است : «پس هر کس همسن ذره ای خوبی کند ، آن را می بیند و هرکس همسن ذره ای بدی کند ، آن را می بیند» . و امیدبخش ترین آیه قرآن ، این آیه است : «بگو : ای بندگان من که بر خویشتن ستم کردید ، از رحمت خدا نومید نشوید» .

قرآن از دیدگاه فاطمه زهرا علیهاالسلام

اَنْتُمْ عِبادُاللّه ِ نُصُبُ اَمْرِه وَ نَهْيِه ، وَ حَمَلَةُ دينِه وَ وَحْيِه ، وَ اُمَناءُ اللّه ِ عَلى اَنْفُسِكُمْ ، وَ بُلَغاؤُهُ اِلَى الاُمَم ، زَعيمُ حَقٍّ لَهُ فيكُمْ ، وَ عَهْدٍ قَدَّمَهُ اِلَيْكُمْ ، وَ بَقِيَّةٍ اسْتَخْلَفَها عَلَيْكُمْ ، كِتابُ اللّهِ النّاطِقُ ، وَ الْقُرْآنُ الصّادِقُ ، وَ النُّورُ السّاطِعُ ، وَ الضِّياءُ اللاّمِعُ ، بَيِّنَةٌ بَصائِرُهُ ، مُنْكَشِفَةٌ سَرائِرُهُ ، مُتَجَلِّيَةٌ ظَواهِرُهُ ، مُغْتَبِطٌ بِه اَشْياعُهُ ، قائِدٌ اِلَى الرِّضْوانِ اتِّباعُهُ ، مُؤَدٍّ اِلَى النَّجاةِ اسْتِماعُهُ ، بِه تُنالُ حُجَجُ

اللّهِ الْمُنَوَّرَهُ ، وَ عَزائِمُهُ المُفَسَّرَهُ ، وَ مَحارِمُهُ الْمُحَـذَّرَهُ ، وَ بَيِّناتُهُ الْجالِيَهُ ، وَ بَراهينُهُ الكافِيَهُ ، وَ فَضائِلُهُ المَنْدُوبَهُ ، وَ رُخَصُهُ المَوْهُوبَهُ ، وَ شَرائِعُهُ المَكْتُوبَهُ .

شما ای مردم ، مخاطبین خداوند در امر و نهی او و نیز حمل کنندگان دین و وحی الهی و معتمدین او در میان خودتان و همچنین رساننده پیام او به امّت ها هستید .

آنکه به حق رهبری می کند بسوی خدا در میان شما است .

و این عهدی است که از پیش با شما بسته شده و باقی مانده ای است (از حجج الهی) که جانشین قرار داد بر شما و آن کتابِ گویای خداوند است ، قرآنی که راست می گوید و نوری که روشنی می بخشد و شعاعی درخشان دارد ، آن هم با دلیل ها و برهان های واضح و محتوا و باطنی آشکار ، بطوری که ظهور آن

قرآن شناسی (۱۳۳)

جلوه گر است و پیروی از آن انسان را به رضوان خداوند هدایت می کند و شنوائی از آن انسان را به سرمنزل نجات می رساند .

آری ، به قرآن دستیابی به حجت های نورانی الهی و واجباتِ بیان شـده و محرماتِ نهی شده و ادلّه روشن و برهان های رسا و مستحبات فضیلت بخش و نیز مباحات (که در عمل به آنها انسان مختار است) و (بالاخره) شریعت الهی که بصورت کتاب (در اختیار بندگانش قرار گرفته) میسّر می شود .

کِتابُ اللّهِ بَیْنَ اَظْهُرِکُمْ ، اُمُورُهُ ظاهِرَهٌ ، وَاَحْکامُهُ زاهِرَهٌ ، وَ اَعْلامُهُ باهِرَهٌ ، وَ زَواجِرُهُ لائِحَهٌ ، وَ اَوامِرُهُ واضِحَهٌ ، وَ قَدْ خَلَّفْتُمُوهُ وَراءَ ظُهُورِکُمْ ، اَرَغْبَهً عَنْهُ تُریدُونَ ؟ اَمْ بِغَیْرِه تَحْکُمُونَ ؟ بِئْسَ لِلظّالِمینَ بَدَلاً ، وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْاِسْلامِ دینا فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْاخِرَهِ مِنَ الْخاسِرینَ .

کتاب خدا پیش روی شما است و ابعاد آن ظاهر و گویا است و احکامش (چون

نور) می درخشـد و شـعارهایش چشم را خیره می کنـد و نهیب های پرهیزدهنـده آن مرتبا هشـدار می دهنـد و اوامر قرآن همه واضح و روشن است ، اما شما جای او را پشت سر خود قرار دادید (در حالی که قرآن امام شما بود) .

آیا اراده بی مهری و بی رغبتی به قرآن را دارید و حکومت غیر او را پذیرفتید .

ظالمینی که جز قرآن را امام خود قرار دهند بد جانشینی انتخاب کردند و هرکس دینی جز اسلام انتخاب کند از او قبول نشده و در آخرت از زیانکاران است .

ازحضـرت فـاطمه زهرا علیهاالسـلام در خطبه فـدکیه ، می فرماینـد : «کِتابُ اللّهِ بَیِّنَهٌ بَصائِرُه : روشـنگریهای کتاب خـدا آشـکار است» ، «آیـاتٌ مُنْکَشِـ‌فَهٌ سَـرائِرُها : آیـات و نشانه هایی است که درونشان آشـکار است» ، «مُتَجَلِّیَهٌ ظَواهِره : ظواهر قرآن دارای جلوه است» ، «مُدِیما لِلْبَرِیَّهِ اسْتِماعُه: بر خلق شنیدن و استماع آن بادوام است» ؛ یعنی دائم

باید در این فعل باشند ؛ «قائِدا اِلَی الرِّضْوانِ اَتْباعَه : پیروی کنندگان از این قرآن را به رضوان ، رضایت حق و به بهشت می کشد» ، «مُؤَدِّیا اِلَی النَّجاهِ اَشْیاعَهُ : پیروان خود را به نجات و فوز هدایت می کند» ، «فیهِ تِبْیانُ حُجَجِ اللّهِ الْمُنیرهِ : در قرآن روشنگری است برای حجت ها و براهین الهی» ، «وَ مَحارِمِهِ الْمُحَرَّمَهِ : در قرآن روشنگری شده است که چه چیزهایی حرام است»، «وَ فَضائِلِهِ الْمُدَوَّنَهِ : فضیلت های مدون الهی در قرآن مستتراست»، «وَ جُمَلِهِ الْکافِیَهِ : جملات و عباراتی که بشر را کفایت کند ، در قرآن هست» ، «وَ رُخَصِهِ الْموعُودَهِ : آن مواردی که خدای تعالی به بشر رخصت داده است ، در قرآن مستتر است» ، «وَ شَرائِعِهِ الْمَکْتُوبَهِ : شرایع و عباداتی که فرض و واجب شده ، در قرآن است» ، «وَ بَیِّناتِهِ الطّالِبَهِ» .

(۱۳۶) قرآن شناسی

ص:۱۳۶

قرآن از دیدگاه امام علی علیه السلام

الإمامُ عليٌّ علیه السلام : اَفضَلُ الذِّكرِ القرآنُ، بِه تُشرَحُ الصُّدورُ و تَستَنيرُالسَّرائرُ.(۱)

بهترین ذکر (و سخن) قرآن است ؛ با قرآن است ، که سینه ها فراخ می شود و درون ها روشن می گردد .

الإمامُ عليٌّ علیه السلام : فَتَجلّى لَهُم سبحانَهُ فى كتابِه مِن غَيرِ ان يَكُونوا رَأوهُ بما أراهُم مِن قُدرَتِه . (۲)

خداوند سبحان ، قدرت خویش را در کتابش نمایان ساخت و بدین سان خویشتن را به بندگانش ، بی آنکه او را ببینند ، نشان داد .

۱- غررالحکم .

۲- نهج البلاغه : خطبه ۱۴۷ ، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید : ۹/۱۰۳ .

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : القرآنُ أفضَلُ الهِدايَتَينِ .(۱)

قرآن ، برترین دو هدایت (کننده) است

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : كتابُ اللّه ِ تُبصِرُونَ به ، و تَنطِقُونَ بِه ، و تَسمَعُونَ بِه ، و يَنطِقُ بَعضُهُ بِبَعضٍ، و يَشهَدُ بَعضُهُ عليبَعضٍ، و لا يَختَلِفُ فى اللّهِ، و لا يُخالِفُ بِصاحِبِه عنِ اللّهِ . (۲)

امام علی علیه السلام این کتاب خداست که با آن (حق را) می بینید و می گویید و می شنوید و قسمتی از آن قسمت دیگرش را ، گویا می سازد و برخی از آن ، بر برخی دیگر گواهی می دهد و درباره خدا (حق و احکام او یا جذب خلق به سوی خدا) اختلافی ندارد و پیرو خود را از خدا ، جدا نمی سازد .

۱- غررالحکم : ۱۶۶۴ .

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۱۳۳ .

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : إِنَّ أحسَنَ الْقَصصِ و أبْلَغَ الْمَوعِظَهِ و أنفَعَ التَّذكّرِ كِتابُ اللّهِ جَلَّ و عَزَّ (۱)

بهترین داستان و رساترین اندرز و سودمندترین پند ، کتاب خدای عزّوجلّ است .

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : تَعَلَّمُوا كتابَ اللّهِ تباركَ و تعالى ؛ فَإِنّهُ أحسَنُ الحَديثِ و أبلَغُ المَوعِظَهِ ، و تَفَقَّهُوا فيه فَإِنّهُ رَبيعُ القُلوبِ ، وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِه فَإِنَّه شِفاءٌ لِما فِى الصُّدورِ ، و أحسِنُوا تِلاوَتَهُ فَإِنّهُ أحْسَنُ الْقَصصِ . (۲)

کتاب خـدای تبارک و تعالی را بیاموزیـد ؛ زیرا که آن نیکوترین سـخن و رساترین اندرز است و قرآن را بفهمید ؛ زیرا که آن بهار دلهاست و از

قرآن شناسی (۱۳۹)

ص:۱۳۹

۱- الكافى : ۸/۱۷۵/۱۹۴ .

۲- تحف العقول : ۱۵۰ .

نور آن شفا جویید ؛ زیراکه آن شفابخش بیماری های سینه هاست و آن را نیکو تلاوت کنید ؛ زیرا که آن بهترین ، داستان است .

قرآن همیشه نو است

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : لَمّا سَمِعَ ضَجَّةَ أصحابِهِ فِي الْمَسجِد وَ هُم يَقرَؤونَ الْقرآنَ : طوبى لِهؤلاءِ ، كانوا أحَبَّ الناسِ إلى رسولِ اللّهِ ِصلى الله عليه و آله . (1)

هنگامی که صدای یاران خود را در مسجد که به خواندن قرآن بلند بود شنید ، فرمود : خوشا به حالشان ، اینان ، محبوب ترین مردم نزد رسول خدا صلى الله عليه و آله بودند

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : حَقُّ الوَلَدِ عَلَى الْوالِدِ أن يُحَسِّنَ اسْمَهُ ، و يُحسِّنَ أدَبَهُ ، و

يُعَلِّمَهُ القرآنَ.(2)

۱- كنز العُمّال : ۴۰۲۵ ، ۲۳۸۲ ، ۲۳۸۴ ، ۲۳۲۰ ، ۲۳۷۵ ، ۲۳۸۶ .

۲- نهج البلاغه : الحكمه ۳۹۹ .

ازجمله حقوق فرزند بر پدر، این است که نامی نیکو براوبنهد و به خوبی تربیتش کند و قرآن را به اوبیاموزد.

پاداش قرآن دانان

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : اِقرَؤوا القرآنَ واستَظهِرُوهُ ، فإنّ اللّهَ تعالى لا يُعَذِّبُ قَلبا وِعاءَ القرآنِ.(۱)

قرآن را بخوانید و آن را حفظ کنید ؛ زیرا خدای متعال دلی را که ظرف قرآن است ، عذاب نمی کند .

۱- جامع الأخبار : ۱۱۵/۲۰۵ .

الإمامُ علیٌّ علیه السلام : لِقاحُ الإیمانِ تِلاوَهُ القرآنِ.(۱)

بارور شدن ایمان به تلاوت قرآن است .

الإمامُ علیٌّ علیه السلام : مَن أنِسَ بِتِلاوَهِ القرآنِ لم تُوحِشْهُ مُفارَقَهُ الإخوانِ.(۲)

هرکه به تلاوت قرآن انس گیرد ، جدایی برادران او را به وحشت تنهایی نیندازد .

الإمامُ علیٌّ علیه السلام عندَ خَتمِهِ القرآنَ : اللّهُمّ اشرَحْ بالقرآنِ صَدری ، واستعمِلْ بالقرآنِ بَدَنی ، و نَوِّرْ بالقرآنِ بَصَری ، و أطلِقْ بالقرآنِ لِسانی ، و أعِنِّی علَیهِ ما أبقَیتَنِی ، فإنّهُ لا حَولَ و لا قُوّهَ إلاّ بکَ .

پس از ختم قرآن ، این دعا را می خواند : بارخدایا! سینه ام را با قرآن فراخ

۱- غررالحکم: ۷۶۳۳ .

۲- غررالحکم : ۸۷۹ .

گردان و بـدنم را با (احکام) قرآن به کار گیر و دیده ام را با قرآن روشـنایی بخش و زبانم را با قرآن باز و گویا کن و تا زنده ام ، مرا برای عمل به قرآن یاری فرما ، که حرکت و قدرتی جز به وسیله تو نیست .

حق تلاوت

الإمامُ علیٌّ علیه السـلام : اِلَی اللّهِ أشـکُو مِن مَعشَرٍ یَعیشُونَ جُهّالاً و یَموتُونَ ضُلّالاً ، لیسَ فیهِم سِلعَهٌ أبوَرُمِنَ الْکِتابِ إذاتُلِیَ حَقَّ تِلاوَتِه، و لاسِلعَهٌ أَنفَقُ بَیعا و لا أغلی ثَمَنا مِن الْکِتابِ إذا حُرِّفَ عَن مَواضِعِه ! (1)

به خـدا شـکایت می برم ، از جمـاعتی که نادان می زیَنـد و گمراه می میرنـد . آن گاه که کتاب خـدا چنان که بایـد و حق آن است ، تلاوت شود ، در میان

قرآن شناسی (۱۴۳)

ص:۱۴۳

۱- نهج البلاغه : خطبه ۱۷ ، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید : ۱/۲۸۴ .

آنـان کالاـیی بی رونق تر از آن نیست و آن گـاه که معـانیش تحریف شود متـاعی بـا رونق تر و پربهاتر از آن ، برایشان وجود ندارد .

الإمامُ علیٌّ علیه السلام : أینَ القَومُ الذینَ دُعُوا إلَی الإسلامِ فَقَبِلُوهُ و قَرَؤوا القرآنَ فَأحکَموهُ ؟(۱)

کجایندآن مردمی که به اسلام فراخوانده شدند و آن راپذیرفتندوقرآن راخواندند و استوارش گردانیدند ؟

الإمامُ علیٌّ علیه السـلام : أوِّهِ علی إخوانیَ الـذینَ تَلَوُا القرآنَ فَأحکَمُوهُ ، و تَـدَبَّرُوا الفَرضَ فَأقامُوهُ ، أحیَوا السُّنَّهَ و أماتُوا البِـدعَهَ ، دُعُوا للجِهادِ فَأجابوا ، و وَثِقُوا بالقائدِ فَاتَّبَعُوهُ ! (۲)

۱- نهج البلاغه : خطبه ۱۲۱ و ۱۸۲ .

۲- نهج البلاغه : خطبه ۱۲۱ و ۱۸۲ .

دریغ و دردا ، بر آن برادران من که قرآن را تلاوت کردند و استوارش گردانیدند و درباره فرایض ، اندیشیدند و آن ها را برپا داشتند و سنّت (پیامبر) را زنده نگه داشتند و بدعت را میراندند . به جهاد فراخوانده شدند و اجابت کردند و به رهبر خویش اطمینان کردند و از او پیروی نمودند .

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : مَن قَرَأَ القرآنَ فماتَ فَدَخَلَ النارَ فهُو ممَّن كانَ يَتَّخِذُ آياتِ اللّه ِ هُزُوا.(۱)

هرکه قرآن خوان باشد و بمیرد و (با این حال) به دوزخ رود ، او از کسانی بوده که آیات خدا را به ریشخند می گرفته است .

قرآن شناسی (۱۴۵)

ص:۱۴۵

۱- نهج البلاغه : حکمت ۲۲۸ .

۳ تدبر

تدبر

الإمامُ علیٌّ علیه السلام : ألا لا خَیرَ فی قِراءهٍ لَیْسَ فیها تَدَبُّرٌ ، ألا لا خَیرَ فی عِبادَهٍ لَیسَ فیها تَفَقُّهٌ . (۱)

بدانیـد که در قرآن خوانـدنی که با تـدبّر همراه نباشـد ، خیری نیست ؛ بدانیـد که در عبادتی که با فهم و انـدیشه توأم نباشـد ، خیری نیست .

الإمامُ علیٌّ علیه السلام : تَدَبَّروا آیاتِ القرآنِ واعتَبِرُوا بِه ، فَإِنَّهُ أبلَغُ العِبَرِ . (۲)

در آیات قرآن تدبّر کنید و از آن عبرت آموزید ؛ زیراکه قرآن رساترین پندها و عبرتهاست.

(۱۴۶) قرآن شناسی

ص:۱۴۶

۱- البحار : ۹۲/۲۱۱/۴ و ص ۲۱۶/۲۲ .

۲- غررالحکم : ۴۴۹۳ .

گونه های قاریان

الإمامُ عليٌّ عليه السلام لإِياسِ بنِ عامِرٍ : يا أخا عَكٍّ ، إنّكَ إنْ بَقِيتَ فَسَتَقرأُ القرآنَ ثَلاثةُ أصنافٍ : صِنفٌ لِلّهِ عَزَّوجلَّ ، و صِنفٌ لِلدُّنيا ، و صِنفٌ لِلْجِدالِ ، فَإنِ اسْتَطَعْتَ أنْ تَكونَ مِمَّن يَقرَؤهُ لِلّهِ عَزَّ و جلَّ فَافْعَل . (1)

به اِياس بن عامر فرمود : ای مرد عکّی ، اگر زنده بمانی ، خواهی دید که قرآن خوانان سه گروهند : گروهی برای خدای عزوجل می خوانند ، گروهی برای دنیا و گروهی برای ستیزه کردن و تو اگر توانستی از کسانی باشی که برای خدای عزّوجلّ قرآن می خوانند ، چنین باش .

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : مِن كتابٍ لَهُ إليمعاويهَ : فَعَدَوْتَ علَى الدُّنيابِتأويلِ الْقرآنِ.(2)

۱- كنزالعُمّال : ۴۱۹۲ .

۲- نهج البلاغه : نامه ۵۵ .

در نامه ای به معاویه ، می فرماید : با تأویل قرآن ، در پی دنیا تاختی .

الإمامُ علیٌّ علیه السلام : فی تَوصیفِ عِترَهِ النبیِّ صلواتُ اللّه ِعلَیهِم : هُم أزِمَّهُ الحَقِّ ، و أعلامُ الدِّینِ ، و ألسِنَهُ الصِّدقِ ، فَأنزِلُوهُم بأحسَنِ مَنازِلِ القرآنِ ، وَرِدُوهُم وُرودَ الهِیمِ العِطاشِ .(1)

در وصف عترت پیامبر صلوات اللّه علیهم ، می فرماید : آنان زمام های حق هستند (شما را به سوی حق می کشانند) و نشانه های دین و زبان های راستی و راستگویی . پس آنان را در بهترین منزلگاه های قرآن فرود آورید و همچون اشتران تشنه به سوی آنها بشتابید .

الإمامُ علیٌّ علیه السلام : إنّ اللّه َ تبارکَ و تعالی أنزلَ القرآنَ علی سَبعَهِ أقسامٍ ، کُلٌّ

۱- نهج البلاغه : خطبه ۸۷ .

مِنها شافٍ كافٍ ، و هی : أمرٌ ، و زَجرٌ ، و تَرغیبٌ ، و تَرهیبٌ ، و جَدَلٌ ، و مَثَلٌ ، و قَصصٌ ، و فِی القرآنِ ناسِخٌ و مَنسوخٌ و مُحكَمٌ و مُتشابِهٌ ، و خاصٌّ و عامٌّ ، و مُقدَّمٌ و مُؤَخَّرٌ ، و عَزائمُ و رُخَصٌ ، و حَلالٌ و حَرامٌ ، و فَرائضُ و أحكامٌ ، و مُنقَطِعٌ و مَعطوفٌ ، و مُنقَطِعٌ غیرُمَعطوفٍ ، و حَرفٌ مَكانَ حَرفٍ و مِنهُ ما لَفظُهُ خاصٌّ ، و مِنهُ ما لَفظُهُ عامٌّ مُحتَمِلُ العُموم ، و مِنهُ ما لَفظُهُ واحِدٌ و مَعناهُ جَمعٌ ، و مِنهُ ما لَفظُهُ جَمعٌ و مَعناهُ واحِدٌ ، و مِنهُ ما لَفظُهُ ماضٍ و مَعناهُ مُستَقبَلٌ ، و مِنهُ ما لَفظُهُ علَی الخَبَرِ و مَعناهُ حِكایَةٌ عن قَومٍ آخَرَ ، و مِنهُ ما هُو باقٍ مُحرَّفٌ عن جِهَتِهِ ، و مِنهُ ما هُو علی خِلافِ تَنزیلِه ، و مِنهُ ما تَأویلُهُ فی تَنزیلِه ، و مِنهُ ما تأویلُهُ قَبلَ تَنزیلِه ، و مِنهُ ما تأویلُهُ بَعدَ تَنزیلِه . و مِنهُ آیاتٌ بَعضُها فی سُورَهٍ و تَمامُها فی سُورَهٍ اُخری ، و مِنهُ آیاتٌ نِصفُها مَنسوخٌ و نِصفُها مَتروكٌ علی حالِه ، و مِنهُ آیاتٌ مُختَلِفَهُ اللَّفظِ مُتَّفِقَهُ المَعنی ، و مِنهُ آیاتٌ مُتَّفِقَهُ اللَّفظِ مُختَلِفَهُ المَعنی ، و

قرآن شناسی (۱۴۹)

مِنهُ آياتٌ فيها رُخصَهٌ و إطلاقٌ بعدَ العَزيمَهِ ، لأنَّ اللّه ـ عَزَّوجلَّ يُحِبُّ أن يُؤخَذَ بِرُخَصِه كما يُؤخَذُ بِعَزائِمه . و منه رُخصَهٌ صاحِبُها فيها بالخِيارِ إن شاءَ أخَذَ و إن شاءَ تَرَكَها ، و مِنهُ رُخصَهٌ ظاهِرُها خِلافُ باطِنِها يُعمَلُ بظاهِرِها عندَ التَّقيَّهِ و لا يُعمَلُ بباطِنِها مَع التَّقيَّهِ ، و مِنهُ مُخاطَبَهٌ لِقَومٍ و المَعنى لآخَرينَ ، و مِنهُ مُخاطَبَهٌ للنبيِّ صلى الله عليه و آله و مَعناهُ واقِعٌ على اُمَّتِهِ ، و مِنهُ لا يُعرَفُ تَحريمُهُ إلّا بتَحلِيلِهِ ، و مِنهُ ما تَأليفُهُ و تَنزيلُهُ على غيرِ معنى ما اُنزِلَ فيهِ .

و مِنهُ رَدٌّ مِن اللّهِ تعالى و احتِجاجٌ على جَميعِ المُلحِدينَ و الزَّنادِقهِ و الدَّهريّهِ و الثَّنَويّهِ و القَدَريّهِ و المُجَبِّرَهِ و عَبَدَهِ الأوثانِ و عَبَدَهِ النِّيرانِ ، و مِنهُ احتِجاجٌ علَى النَّصارى فى المَسيحِ عليه السلام ، و مِنهُ الرَّدُّ علَى اليَهودِ، و مِنهُ الرَّدُّ عليمَن زَعَمَ أنَ الإيمانَ لايَزيدُ و لايَنقُصُ و أنَ الكُفرَ كذلكَ ، و مِنهُ رَدٌّ على مَن زَعَمَ أن ليسَ

بَعدَالمَوتِ و قَبلَ القِیامَهِ ثَوابٌ و عِقابٌ . (۱)

خدای تبارک و تعالی، قرآن را بر هفت قسم نازل فرموده است که هر بخشی از آن شفادهنده و کفایت کننده است . این هفت قسم عبارتند از : امر و نهی و ترغیب و ترساندن و جدل و مَثَل و داستان . در قرآن آیات ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام و مقدّم و مؤخر و واجبات و رخصت ها و حلال و حرام و فرایض و احکام و منقطع و معطوف و منقطع نامعطوف و حرفی به جای حرف دیگر ، وجود دارد .

بعضی از کلمات قرآن ، لفظش خاصّ است و بعضی لفظش

۱. البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

۱- البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

عام است و عمومیت را می رساند و برخی لفظش مفرد است و معنایش جمع و برخی لفظش جمع است و معنایش مفرد . برخی لفظش ماضی است و معنایش مستقبل . برخی لفظش خبری است و معنایش حکایت از قومی دیگر . بعضی از آنها باقی است و از جهت و معنای اصلیش (به معنای دیگر) برگردانده شده است . بعضی از آنها معنایی خلاف تنزیلش دارد و برخی تأویل و تنزیلش یکی است و بعضی تأویلش پیش از تأویل آن است و بعضی تأویلش بعد از تنزیلش.

در قرآن آیاتی هست که قسمتی از آن ، در سوره ای است و دنباله آن در سوره ای دیگر ، آیاتی هست که نصفش منسوخ است و نصفش به حال خود باقی است (و نسخ نشده) ، بعضی از آیات آن الفاظشان متفاوت اما معنایشان با هم یکسان است ، آیاتی هم هست که لفظشان یکسان ، اما معنایشان متفاوت است . بعضی آیات ناظر به رخصت است و بعد از قطعیت ، دست بازگذاشته شده است ؛ زیرا خداوند عزوجل دوست دارد که همان گونه که به واجبات و احکام قطعیش

عمل می شود به اجازات و رخصتهایش نیز عمل شود .

بعضـی از قرآن ، رخصت است و شـخص مکلف آزاد است اگر خواست آنها را انجام دهد و اگر خواست ترک کند . بعضـی از آن رخصتی است که ظـاهرش برخلاـف بـاطنش می باشـد ، به ظـاهر آن به گاه تقیه عمل می شود ولی به باطن آن حتی از باب تقیه هم نمی توان عمل کرد . بعضـی از قسمت های قرآن خطابش به عده ای است ولی مقصود دیگران هستند . برخی از آن مخاطبش پیامبر صـلی الله علیه و آله است، امّا متعلّقش امّت او هسـتند . بعضی از قسمت های آن هست که حرام شمردنش جز بـا حلاـل شـمردن آن شـناخته نمی شود و قسـمت هـایی هم در قرآن هست که تـألیف و تنزیـل آن بر غیر معنایی است که درباره آن نازل شده است .

بعضـی از قسـمت هـای قرآن ، هست که پاسـخ خـدای متعـال و حجت آوری او بر همه ملحـدان و زنـدیقان و دهریه و ثنویه و قدریه و جبریه و بت پرستان و

قرآن شناسی (۱۵۳)

ص:۱۵۳

آتش پرستان ، است و قسمت هایی از آن ، احتجاج بر ضد ترسایان (و اعتقادشان) درباره مسیح علیه السلام است و قسمت هایی از آن ردّ بر یهود و قسمت هایی از آن پاسخ به کسانی است که می گویند، نه ایمان قابل افزایش و کاهش است نه کفر. قسمت هایی از آن نیز در پاسخ به کسانی است که خیال می کنند بعد از مرگ و پیش از قیامت پاداش و کیفری در کار نیست .

آیات محکم و متشابه

الإمامُ عليٌّ عليه السلام : لمّا سُئلَ عن تَفسيرِ المُحكَمِ و المُتَشابِهِ مِن كتابِ اللّه ِ عَزَّوجلَّ : أمّا المُحكَمُ الذی لم يَنسَخْهُ شی ءٌ مِن القرآنِ فهُو قَولُ اللّه ِ عَزَّوجلَّ : «هُوَ الّذی أنزَلَ عَلَيكَ الكِتابَ مِنهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ اُمُّ الكِتابِ و اُخَرُ مُتَشابِهاتٌ» و إنّما هَلَكَ الناسُ فی المُتَشابِهِ لأنَّهُم لم يَقِفُوا على مَعناهُ و لَم يَعرِفُوا حَقيقَتَهُ ، فَوَضَعُوا لَهُ تأويلاتٍ مِن عندِ أنفُسِهِم بآرائهِم و استَغنَوا بذلكَ عن مَسألهِ

(۱۵۴) قرآن شناسی

الأوصـياءِ ... . و أمّـا المُتَشـابِهُ مِنَ القرآنِ فهُو الّـذی اِنْحَرَفَ مِنهُ ، مُتَّفِقُ اللَّفظِ مُختَلِفُ الْمَعنی ، مِثلُ قَولِه عَزَّوجلَّ : «یُضِلَّ اللّه مَن یَشاءُ و یَهـدِی مَن یَشاءُ» فَنَسَبَ الضَّلالَهَ إلی نَفْسِهِ فی هـذا الْمَوضِعِ ، و هذا ضَـلالُهُم عَنْ طریقِ الْجَنّهِ بِفِعْلِهِم ، وَ نَسَـبَهُ إلَی الْکُفّارِ فی مَوضِعٍ آخَرَ و نَسَبَهُ إلَی الْإصنامِ فی آیَهٍ اُخری . (۱)

در پاسخ به سؤال از معنای محکم و متشابه در کتاب خدای عزوجل ، فرمود : محکم آن آیه ای است که چیزی از قرآن آن را نسـخ نکرده است ؛ این است سـخن خـدای عزوجـل که می فرمایـد : «اوست کسـی که کتاب را بر تو نازل کرد . برخی از آن آیاتی محکمند که آنها ام الکتابند و برخی دیگر متشابهند» . مردم ، در آیات

قرآن شناسی (۱۵۵)

ص:۱۵۵

۱- البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

متشابه به هلاکت درافتاده انـد ؛ زیرا معنای آن ها را نفهمیدنـد و حقیقت آنها را نشـناختند . از این رو ، با آرای شخصـی خود آنها را تأویل و توجیه کردند و بدین سان خود را از رجوع به اوصیاء و پرسیدن از آنها بی نیاز دانستند ... .

امّا متشابه قرآن ، آن است که از آن منحرف شده است . لفظش یکی و معنایش متفاوت است ، مانند این سخن خدای عزوجل : «خـدا هرکه را بخواهـد گمراه می کند و هرکه را خواهد هدایت می کند» . در این جا گمراه کردن را به خودش نسـبت داده است و این گمراه کردن آنهـا از راه بهشت است به سـبب افعـال و اعمال خودشان . در جایی دیگر گمراهی را به کفّار نسـبت داده و در آیه ای دیگر به بت ها منتسب کرده است .

وجوه قرآن

الإمامُ عليٌّ عليه السلام لِعَبدِاللّه ِبنِ العبّاسِ لَمّا بَعَثَهُ لِلْاِحْتِجاجِ علَى الخَوارجِ : لا تُخاصِمْهُم بالقرآنِ ؛ فإنَّ القرآنَ حَمّالٌ ذو وُجوهٍ ، تَقولُ و يَقولونَ ، و لكنْ حاجِجْهُم (خاصِمْهُم) بِالسُّنَّهِ ، فإنّهُم لن يَجِدُوا عَنها مَحيصا.(۱)

هنگامی که عبداللّه بن عباس را برای گفتگو با خوارج و اقامه حجت بر آنان فرستاد ، به او فرمود : با آنان به وسیله قرآن ستیزه مکن ؛ زیرا قرآن وجوه گوناگونی دارد . تو چیزی می گویی و آنها چیزی می گویند ، بلکه با آنان به وسیله سنّت احتجاج کن ؛ زیراکه آنان در برابر سنت راه گریزی (و توجیهی) ندارند .

عِكرَمَهُ : سَمِعتُ ابنَ عبّاسٍ يُحَدِّثُ عَنِ الْخَوارجِ الّذينَ أنكَرُوا الْحُكومَهَ

قرآن شناسی (۱۵۷)

ص:۱۵۷

۱- نهج البلاغه : نامه ۷۷ .

فَاعتَزَلُوا علیَ بنَ أبی طالبٍ ، قالَ : فَاعْتَزَلَ مِنهُم اِثْنا عَشَرَ ألفا فَدَعانی علیٌّ فَقالَ : اِذهَبْ إلَیْهِم فَخاصِمْهُم وَادْعُهُم إلَی الْکتابِ وَ السُّنَّهِ ، و لا تُحاجَّهُم بِالْقرآنِ فإنّهُ ذو وُجوهٍ، وَ لکنْ خاصِمْهُم بالسُّنَّهِ. (۱)

عکرمه : شنیدم که ابن عباس درباره خوارج ، همانان که حکمیت را نپذیرفتند از علی بن ابی طالب جدا شدند ، سخن می گوید . او گفت : دوازده هزار نفر از خوارج از سپاه علی کناره گرفتند ؛ علی مرا فراخواند و فرمود : نزد ایشان برو و آنان را به کتاب و سنت فراخوان و به وسیله قرآن با آنان احتجاج نکن ؛ زیرا قرآن وجوه گوناگون دارد ، بلکه به وسیله سنّت (پیامبر) با ایشان بحث کن .

امیرمؤمنان علیه السلام که صحیفه جان رابه نورقرآن نورباران ساخته است،می فرماید:

۱- الدّر المنثور : ۱/۴۰ .

«و اِنَّ الْقُرْآنَ ظاهِرُهُ اَنیقٌ وَ باطِنُهُ عَمیقٌ لا تَفْنی عَجائِبُهُ وَ لا تَنْقَضی غَرائِبُهُ وَ لا تُكْشَفُ الظَّلُماتُ اِلاّ بِه» . (۱)

قرآن ظـاهری زیبا و شـگفت انگیز و درونی پرمایه و عمیق دارد. اسـرار نهفته و شـگفتیهای آن پایان ناپـذیر است و نوآوریهای آن هرگز به کهنگی نمی گراید و تیرگیهای جهل و بیداد، جز به کمک آن زدوده نمی شود .

قرآن از دیدگاه امام حسن علیه السلام

الإمامُ الحسنُ علیه السـلام : اِنَّ هـذَا الْقُرآنَ فیهِ مَصابیحُ النُّورِ وَ شِـفاءُ الصُّدُورِ فَلْیَجَلُ جالٍ بِضَوْئِه وَلْیُلْجِمُ الصِّفهَ قَلبَهُ ، فَأِنَّ التّفكیرَ حَیاةُ الْقَلبِ الْبَصیرِ كما یَمشِی الْمُستَنیرُ فِی الظُّلُماتِ بِالنّورِ.

قرآن شناسی (۱۵۹)

ص:۱۵۹

۱- نهج البلاغه : خطبه ۱۸ .

براستی که در این قرآن ، چراغ های روشـنایی (بخش) و شفای سینه ها (و بیماری های دلها) است . پس ، جلادهنده ، باید که به نور آن (دیـده دل خویش را) جلاـ دهـد و قلبش را بـدان صـفت لگام زنـد ؛ زیراکه تلقین (قرآن) مایه حیات دل شـخص با بصیرت است ، همچنان که آدمی در تاریکی ها ، با کمک نور راه خود را می پیماید .

الإمـامُ الحسنُ علیه السـلام : اِعْلَمُوا عِلْمـا یَقینـا أنّکُم ... لَنْ تَتْلُوا الْکتـابَ حَقَّ تِلاـوَتِهِ حتّی تَعرِفُوا الـذی حَرَّفَهُ ، فـإذا عَرَفتُم ذلکَ عَرَفتُمُ البِدَعَ و التَّکلُّفَ.(۱)

یقین بدانید که شـما ... کتاب خدا را هرگز ، چنان که باید و شاید ، تلاوت نخواهید کرد ، مگر آن گاه که بشناسـید چه کسی آن را تحریف می کند ؛

۱- البحار : ۷۸/۱۰۵/۳ .

زیراکه هرگاه آن را شناختید ، بدعت ها و توجیهات متکلفانه را می شناسید .

قرآن از دیدگاه امام حسین علیه السلام

اُثْنی عَلَی اللّهِ اَحْسَنَ الثَناءِ وَ اَحْمَدُهُ عَلَی السَرّاءِ وَ الضَّرّاءِ ، اَللّهُمَ اِنّی اَحْمَدُکَ عَلی اَنْ اَکْرَمْتَنابِالنُّبُوَه وَجَعَلْتَ لَنااَسْماعا وَاَبْصاراوَاَفْئِدَهُ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرآنَ وَ فَقَهْتَنا فی الدّینِ فَاَجْعَلْنامِنَ الشّاکِرینَ.

حمد و سپاس خدا را ، به بهترین وجه می گویم که ما را با نبوت و پیامبری گرامی داشت و ما را فقیه و عالم در دین نمود و قرآن را به ما تعلیم داد پس خدایا ما را از شاکرین واقعی قرار ده .

قرآن شناسی (۱۶۱)

ص:۱۶۱

قرآن از دیدگاه امام زین العابدین علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام در صحیفه سجادیه می فرمایند : وَ جَعَلْتَهُ نُورا نَهْتَدی مِن ظُلَم الضَّلالَهِ وَ الْجَهالَهِ بِاتِّباعِه ، وَ شِفاءً لِمَن اَنْصَتَ بِفَهْمِ التَّصْدیقِ اِلَی اسْتِماعِه ، وَ میزانَ قِسْطٍ لا یَحیفُ عَنِ الْحَقِّ لِسانُهُ ، وَ نُورَ هُدیً لا یَطْفَأُ عَنِ الشّاهِدینَ بُرْهانُهُ، وَ عَلَمَ نَجاهٍ لا یَضِلُّ مَن أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِه ، وَ لا تَنالُ أَیْدِی الْهَلَکاتِ مَن تَعَلَّقَ بِعُرْوَهِ عِصْمَتِه .

قرآن را نوری قرار داده ای که با پیروی از آن ، از تیرگی های گمراهی و نادانی به راه می آییم ؛ و درمانی برای آن کس که از روی اندیشه و باور به آن گوش سپارد ؛ و ترازوی عدلی که زبانه اش از حق به سوی دیگر میل نکند ؛ و نور هدایتگری که پرتوِ برهانش پیش چشم بینندگان خاموش نگردد؛ و نشانه نجات بخشی که هرکس آهنگِ پیرویِ آن کند ، گمراه نشود و هرکس به ریسمان

(۱۶۲) قرآن شناسی

ص:۱۶۲

عصمت آن درآویزد ، دست هلاکت به دامنش نرسد .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِه ، وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنّا ثِقْلَ الْاَوْزارِ ، وَ هَبْ لَنا حُسْنَ شَمائِلِ الْاَبْرارِ ، وَ اقْفُ بِنا آثارَ الَّذینَ قامُوا لَکَ بِه آنـاءَ اللَّیْـلِ وَ اَطْرافَ النَّهـارِ حَتّی تُطَهِّرَنا مِن کُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهیرِه ، وَ تَقْفُوَ بِنا آثارَ الَّذینَ اسْتَضاؤُوا بِنُورِه ، وَ لَمْ یُلْهِهِمُ الْاَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَیَقْطَعَهُم بِخُدَعِ غُرُورِه .

خدایا ، بر محمّد و خاندانش درود فرست و به حرمتِ قرآن ، سنگینیِ بار گناهان را از دوش ما بردار و خوهای پسندیده نیکان را به ما ارزانی کن و ما را پی سپارِ کسانی قرار ده که برای تو در نیمه های شب، در آغاز و انجام روز، قرآن می خوانند و آن را به پـای می دارنـد ، تـا به پـاکیِ آن مـا را از هر ناپـاکی بری سازی و به راه کسانی ببری که با نور قرآن روشـنی یافته انـد و آرزوها مانع کارهای نیک ایشان نشده است تا به فریب و نیرنگ بازشان دارد .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِه ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنا فی ظُلَم اللَّیالی مُونِسا وَ مِن نَزَعاتِ الشَّیْطانِ وَ خَطَراتِ الْوَساوِسِ حارِسا ، وَ لِاَقْدامِنا عَن نَقْلِها اِلَی الْمَعاصی حابِسا ، وَ لِاَلْسِنَتِنا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْباطِلِ مِن غَیْرِ ما آفَهٍ مُخْرِسا ، وَ لِجَوارِحِنا عَنِ اقْتِرافِ الاثام زاجِرا ، وَ لِما طَوَتِ الْغَفْلَهُ عَنّا مِن تَصَفُّحِ الْاِعْتِبارِ ناشِرا ، حَتّی تُوصِلَ اِلی قُلُوبِنا فَهْمَ عَجائِبِه ، وَ زَواجِرَ أمْثالِهِ الَّتی ضَعُفَتِ الْجِبالُ الرَّواسی عَلی صَلابَتِها عَنِ احْتِمالِه .

خدایا ، بر محمّد و خاندانش درود فرست و چنان کن که قرآن در تاریکی شب ها مونس ما باشد و ما را از تحریکات شیطان و اندیشه های وسوسه آلود در امان دارد و پاهایمان را از رفتن به سوی گناهان مانع شود و زبان ها را از گفتنِ ناحق و نادرست بی آنکه آفتی بینند لال گردانَد و اعضا و جوارح ما را از آلوده گشتن به گناه بازدارد و ما را از نگریستن به دیده عبرت در امور ، که دست

بی خبری پوشیده داشته است ، آگاه ساز ، تا فهم شگفتی های قرآن و مَثَل های هشداردهنده آن که کوه های استوار ، با همه سرسختی ، از حمل آن ناتوان اند به دل هایمان راه یابد .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِه ، وَ أَدِم بِالْقُرْآنِ صَلاحَ ظاهِرِنا ، وَاحْجُبْ بِه خَطَراتِ الْوَساوِسِ عَن صِحَّهِ ضَمائِرِنا، وَاغْسِل بِه دَرَنَ قُلُوبِنا وَ عَلائِقَ اَوْزارِنا ، وَاجْمَع بِه مُنْتَشِرَ اُمُورِنا ، وَ أَرْوِ بِه فی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَواجِرِنا ، وَ اکْسُنا بِه حُلَلَ الْاَمانِ یَوْمَ الْفَزَعِ الْاَکْبَرِ فی نُشُورِنا .

خدایا ، بر محمّد و خاندانش درود فرست و با قرآن همیشه ظاهر ما را آراسته بدار و اندیشه های وسوسه آلود را از دست یافتن به خلوص باطن ما منع نما و آلودگی دل های ما و علاقه ما به گناهان را برطرف ساز و آشفتگی کارهای ما را بسامان کن و در گرمگاه روز رستاخیز ، عرضه اعمال ، سوز تشنگی ما را به آب

رحمت قرآن فرو بنشان و در روزِ «هراسِ بزرگ» که از گورها برانگیخته شویم ، بر تن ما جامه های امن بپوشان .

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِه ، وَ هَوِّن بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلی اَنْفُسِنا کَرْبَ السِّیاقِ ، وَ جَهْدَ الْأَنینِ ، وَ تَرادُفَ الْحَشارِجِ إِذا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّراقِیَ «وَ قیلَ مَنْ راقٍ» (۱) وَ تَجَلّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِها مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ ، وَ رَماها عَن قَوْسِ الْمَنایا بِأَسْهُمِ وَحْشَهِ الْفِراقِ ، وَ دافَ لَها مِن ذُعافِ الْمَوْتِ کَأْسا مَسْمُومَهَ الْمَذاقِ ، وَ دَنا مِنّا اِلَی الْآخِرَهِ رَحیلٌ وَ انْطِلاقٌ ، وَ صارَتِ الْأَعْمالُ قَلائِدَ فِی الْأَعْناقِ ، وَ کانَتِ الْقُبُورِ هِیَ الْمَأْوی اِلی میقاتِ یَوْمِ التَّلاقِ .

خدایا ، بر محمّد و خاندانش درود فرست و از برکت قرآن ، سختیِ جان کندن

۱- ۲۷ / قیامت .

و رنج ناله کردن و به شماره افتادن نَفَس ها را هنگام مرگ بر ما آسان کن ؛ «آن گاه که جان ها به گلوگاه می رسد و کسی می گوید : کیست آن که افسون کند و شفا بخشد ؟» پس فرشته مرگ برای گرفتنِ جان وی از پرده های غیب چهره بنماید و از کمانِ مرگ ، تیرهای وحشتِ فراق به سوی او پرتاب کند و برایش جامی از زهر مرگ ، که طعم شرنگ دارد ، به هم آمیزد و زمان کوچیدن و روان شدنِ ما به جهان دیگر نزدیک و نزدیک تر شود و کارهای ما همچون گردنبند بر گردن ما بسته باشد و تا روزدیدار [=رستاخیز] گورها منزلگاه های ما گردند.(۱)

الإمامُ زینُ العابدین علیه السلام عندَ خَتمِهِ القرآنَ : اللّهُمّ فإذ أَفَدْتَنا الْمَعونَهَ علی تِلاوَتِه و سَهَّلْتَ جَواسِیَ ألسِنَتِنا بِحُسنِ عِبارَتِه فَاجْعَلْنا مِمَّن یَرعاهُ حَقَّ

قرآن شناسی (۱۶۷)

ص:۱۶۷

۱- صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام ترجمه : محمّدمهدی رضایی ، ناشر : نشر جمال ، قم .

رِعایَتِه ، و یَدِینُ لَکَ بِاعْتِقادِ التَّسلیمِ لِمُحْکَمِ آیاتِه . (۱)

پس از ختم قرآن ، می گفت : بارخدایا ! اکنون که در تلاوت قرآن به ما کمک عطا فرمودی و به سبب نیکویی عبارت و بیان آن ، سختی و درشتی (فصیح نبودن) زبان های ما را نرم و آسان کردی ، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آن گونه که حق و سزاوار است رعایت می کنند (و به کار می بندند) و با اعتقاد به تسلیم در برابر آیات محکم آن ، تو را اطاعت می نمایند .

الإمامُ زینُ العابدین علیه السلام : آیاتُ القرآنِ خَزائنُ العِلمِ ، فکُلَّما فَتَحتَ خِزانَةً فیَنبغی لکَ أن تَنظُرَ فیها . (۲)

۱- الصحیفه السجادیه : ۱۵۸ الدعاء ۴۲ .

۲- البحار : ۹۲/۲۱۱/۴ و ص ۲۱۶/۲۲ .

آیه های قرآن گنجینه های دانش هستند . پس ، هرگاه گنجینه ای گشوده شد ، شایسته است که در آن نظرافکنی .

الإمامُ زینُ العابـدین علیه السـلام : کتابُ اللّهِ عَزَّوجلَّ علی أربَعِهِ أشـیاءَ : علَی العِبارَهِ و الإشارَهِ ، و اللَّطائفِ ، و الحَقائقِ . فالعِبارَهُ للعَوامِّ ، و الإشارَهُ للخَواصِّ ، و اللَّطائفُ للأولیاءِ والحقائقُ للأنبیاءِ . (۱)

کتـاب خـدای عزوجـل بر چهـار چیز است : عبـارت (ظـاهر) ، اشاره ، لطایف و حقایق . عبارت ، برای عامه مردم است ، اشاره برای خواص ، لطایف برای اولیاء و حقایق برای انبیاء .

قرآن شناسی (۱۶۹)

۱- البحار : ۹۲/۲۰/۱۸ و ص ۹۵/۴۸ .

عَلِیُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، عَنْ عَلِیِ بْنِ الْعَبّاسِ ، عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَبْدِالرَّحْمنِ ، عَنْ سُفْیانَ الْحَریرِیِّ عَنْ اَبیهِ، عَنْ سَعْدٍالْخَفّافِ ، عَنْ اَبی جَعْفَرٍ علیه السلام قالَ : یا سَعْدُ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَاِنَّ الْقُرْآنَ یَأْتی یَوْمَ الْقِیامَهِ فی اَحْسَنِ صُورَهٍ نَظَرَ اِلَیْهَا الْخَلْقُ وَ النّاسُ صُفُوفٌ عِشْرُونَ وَ مِائَهُ اَلْفِ صَفٍّ ، ثَمانُونَ اَلْفَ صَفٍّ اُمَّهُ مُحَمَّدٍ وَ اَرْبَعُونَ اَلْفَ صَفٍّ مِنْ سائِرِ الْاُمَم فَیَأْتی عَلی صَفِّ الْمُسْلِمینَ فی صُورَهِ رَجُلٍ فَیُسَلِّمُ فَیَنْظُرُونَ اِلَیْهِ ثُمَّ یَقُولُونَ : لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ اِنَّ هذَا الرَّجُلَ مِنَ الْمُسْلِمینَ نَعْرِفُهُ بِنَعْتِه وَ صِفَتِه غَیْرَ اَنَّهُ کانَ اَشَدَّ اجْتِهادا مِنّا فِی الْقُرْآنِ فَمِنْ هُناکَ اُعْطِیَ مِنَ الْبَهاءِ وَ الْجَمالِ وَالنُّورِ ما لَمْ نُعْطَهُ ثُمَّ یُجاوِزُ حَتّی یَأْتِیَ عَلی صَفِّ الشُّهَداءِ فَیَنْظُرُونَ اِلَیْهِ [الشُّهَداءُ] ثُمَّ یَقُولُونَ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ الرَّبُّ الرَّحیمُ اِنَّ هذَا الرَّجُلَ مِنَ الشُّهَداءِ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِه وَ صِفَتِه غَیْرَ اَنَّهُ مِنْ شُهَداءِ الْبَحْرِ فَمِنْ

(۱۷۰) قرآن شناسی

هُناکَ اُعْطِیَ مِنَ الْبهاءِ وَ الْفَضْلِ ما لَمْ نُعْطَهُ ؛ قالَ : فَیَتَجاوَزُ حَتّی یَأْتِیَ [عَلی[صَفِّ شُهَداءِ الْبَحْرِ فی صُورَهِ شَهیدٍ فَیَنْظُرُ اِلَیْهِ شُهَداءُ الْبَحْرِ فَیَکْثُرُ تَعَجُّبُهُمْ وَ یَقُولُونَ : اِنَّ هذا مِنْ شُهَداءِ الْبَحْرِ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِه وَ صِفَتِه غَیْرَ اَنَّ الْجَزیرَهَ الَّتی اُصیبَ فیها کانَتْ اَعْظَمَ هَوْلاً مِنَ الْجَزیرَهِ الَّتی اُصِبْنا فیها فَمِنْ هُناکَ اُعْطِیَ مِنَ الْبَهاءِ وَ الْجَمالِ وَ النُّورِ ما لَمْ نُعْطَهُ ، ثُمَّ یُجاوِزُ حَتّی یَأْتی صَفَّ النَّبِیّینَ وَ الْمُرْسَلینَ فی صُورَهِ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ فَیَنْظُرُ النَّبِیُّونَ وَ الْمُرْسَلُونَ اِلَیْهِ فَیَشْتَدُّ لِذلِکَ تَعَجُّبُهُمْ وَ یَقُولُونَ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ اِنَّ هذا النَّبِیَّ مُرْسَلٌ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِه وَ صِفَتِه غَیْرَ اَنَّهُ اُعْطِیَ فَضْلاً کَثیرا قالَ : فَیَجْتَمِعُونَ فَیَأْتُونَ رَسُولَ اللّه ِ صلی الله علیه و آله فَیَسْأَلُونَهُ وَ یَقُولُونَ : یا مُحَمَّدُ مَنْ هذا ؟ فَیَقُولُ لَهُمْ : اَوَ ما تَعْرِفُونَهُ ؟ فَیَقُولُونَ ما نَعْرِفُهُ هذا مِمَّنْ لَمْ یَغْضَبِ اللّهُ عَلَیْهِ ، فَیَقُولُ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : هذا حُجَّهُ اللّه ِ عَلی خَلْقِه فَیُسَلِّمُ ثُمَّ یُجاوِزُ حَتّی یَأْتِیَ عَلی صَفِّ الْمَلائِکَهِ فی سُورَهِ مَلَکٍ مُقَرَّبٍ

فَتَنْظُرُ اِلَيْهِ الْمَلائِكَهُ فَيَشْتَدُّ تَعَجُّبُهُمْ وَ يَكْبُرُ ذلِكَ عَلَيْهِم لِما رَأَوْا مِن فَضْلِه وَ يَقُولُونَ : تَعالی رَبُّنا وَ تَقَدَّسَ اِنَّ هذَا الْعَبْدَ مِنَ الْمَلائِكَهِ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِه وَ صِفَتِه غَيْرَ اَنَّهُ كانَ اَقْرَبَ الْمَلائِكَهِ اِلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ مَقاما فَمِن هُناكَ اَلْبِسَ مِنَ النُّورِ وَ الْجَمالِ ما لَمْ نُلْبَس ، ثُمَّ يُجاوِزُ حَتّی يَنْتَهِیَ اِلی رَبِّ الْعِزَّهِ تَبارَكَ وَ تَعالی فَيَخِرُّ تَحْتَ الْعَرْشِ فَيُناديهِ تَبارَكَ وَ تَعالی يا حُجَّتی فِی الْاَرْضِ وَ كَلامِیَ الصّادِقَ النّاطِقَ ارْفَعْ رَأْسَكَ وَسَلْ تُعْطَ وَاشْفَع تُشَفَّع فَيَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَقُولُ اللّهُ تَبارَكَ وَ تَعالی : كَيْفَ رَأَيْتَ عِبادی ؟ فَيَقُولُ : يا رَبِّ مِنْهُمْ مَنْ صانَنی وَ حافَظَ عَلَیَّ وَ لَمْ يُضَيِّعْ شَيْئا وَ مِنْهُمْ مَنْ ضَيَّعَنی وَاسْتَخَفَّ بِحَقّی وَ كَذَّبَ بی وَ اَنَا حُجَّتُكَ عَلی جَميعِ خَلْقِكَ ، فَيَقُولُ اللّهُ تَبارَكَ وَ تَعالی : وَ عِزَّتی وَ جَلالی وَ ارْتِفاعِ مَكانی لَاُثيبَنَّ عَلَيْكَ الْيَوْمَ اَحْسَنَ الثَّوابِ وَ لَاُعاقِبَنَّ عَلَيْكَ الْيَوْمَ اَليمَ الْعِقابِ قالَ : فَيَرْجِعُ الْقُرْآنُ رَأْسَهُ فی صُورَهٍ اُخْری ، قالَ : فَقُلْتُ لَهُ : يا اَبا جَعْفَرٍ فی اَیِّ صُورَهٍ

يَرْجِعُ ؟ قالَ : فی صُورَهِ رَجُلٍ شاحِبٍ مُتَغَيِّرٍ يُبْصِرُهُ اَهْلُ الْجَمْعِ فَيَأْتِی الرَّجُلَ مِنْ شيعَتِنَا الَّذی كانَ يَعْرِفُهُ وَ يُجادِلُ بِه اَهْلَ الْخِلافِ فَيَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ : ما تَعْرِفُنی ؟ فَيَنْظُرُ اِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ : ما اَعْرِفُكَ يا عَبْدَاللّه ، قالَ : فَيَرْجِعُ فی صُورَتِهِ الَّتی كانَتْ فِی الْخَلْقِ الاْوَّلِ وَ يَقُولُ : ما تَعْرِفُنی ؟ فَيَقُولُ : نَعَمْ ، فَيَقُولُ الْقُرْآنُ : اَنَا الَّذی اَسْهَرْتُ لَيْلَكَ وَ اَنْصَبْتُ عَيْشَكَ سَمِعْتَ الاْذی وَ رُجِمْتَ بِالْقَوْلِ فِیَّ ، اَلا وَ اِنَّ كُلَّ تاجِرٍ قَدِ اسْتَوْفی تِجارَتَه وَ اَنَا وَراءَكَ الْيَوْمَ ، قالَ : فَيَنْطَلِقُ بِه اِلی رَبِّ الْعِزَّهِ تَبارَكَ وَ تَعالی فَيَقُولُ : يا رَبِّ يا رَبِّ عَبْدُكَ وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِه قَدْ كانَ نَصِبًا فِیَّ ، مُواظِبا عَلَیَّ ، يُعادی بِسَبَبی وَ يُحِبُّ فِیَّ وَ يُبْغِضُ ؛ فَيَقُولُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ : اَدْخِلُوا عَبْدی جَنَّتی وَ اكْسُوهُ حِلَّهً مِنْ حُلَلِ الْجَنَّهِ وَ تَوِّجُوهُ بِتاجٍ ، فَاِذا فُعِلَ بِه ذلِكَ عُرِضَ عَلَی الْقُرْآنِ فَيُقالُ لَهُ : هَلْ رَضيتَ بِما صُنِعَ بِوَلِيِّكَ ؟ فَيَقُولُ : يا رَبِّ اِنّی اَسْتَقِلُّ هذا لَهُ فَزِدْهُ مَزيدَ الْخَيْرِ كُلِّه ، فَيَقُولُ : وَ عِزَّتی وَ جَلالی وَ عُلُوّی

وَارْتِفاعِ مَكانى لَاَنْحَلَنَّ لَهُ الْيَوْمَ خَمْسَهَ اَشْياءَ مَعَ الْمَزيدِ لَهُ وَ لِمَنْ كانَ بِمَنْزِلَتِه اَلا اِنَّهُمْ شَبابٌ لا يَهْرَمُونَ وَ اَصِحّاءٌ لا يَسْقُمُونَ وَ اَغْنِياءٌ لا يَفْتَقِرُونَ وَ فَرِحُونَ لايَحْزَنُونَ وَ اَحْياءٌ لا يَمُوتُونَ . ثُمَّ تَلاهذِهِ الْآيَهَ «لا يَذُوقُونَ فيهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَهَ الْاُولى» قالَ قُلْتُ : جُعِلْتُ فِداكَ ياأَبا جَعْفَرٍ وَ هَلْ يَتَكَلَّمُ الْقُرْآنُ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قالَ : رَحِمَ اللّهُ الضُّعَفاءَ مِنْ شيعَتِنا اِنَّهُمْ اَهْلُ تَسْليم ثُمَّ قالَ : نَعَمْ يا سَعْدُ وَ الصَّلاهُ تَتَكَلَّمُ وَ لَها صُورَهٌ وَ خَلْقٌ تَأْمُرُ وَ تَنْهى ، قالَ سَعْدُ : فَتَغَيَّرَ لِذلِكَ لَوْنى وَ قُلْتُ : هذا شَیْ ءٌ لااَسْتَطيعُ [اَنا] اَتَكَلَّمُ بِه فِى النّاسِ فَقالَ اَبُوجَعْفَرٍ : وَ هَلِ النّاسُ اِلاّ شيعَتُنا فَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الصَّلاهَ فَقَدْ اَنْكَرَ حَقَّنا ثُمَّ قالَ : يا سَعْدُ اُسْمِعُكَ كَلامَ الْقُرْآنِ ؟ قالَ سَعْدٌ : فَقُلْتُ : بَلى صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ فَقالَ : «اِنَّ الصَّلاهَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللّهِ اَكْبَرُ» فَالنَّهْىُ كَلامٌ وَ الْفَحْشاءُ وَ الْمُنْكَرُ رِجالٌ وَ نَحْنُ ذِكْرُ اللّهِ وَ نَحْنُ اَكْبَرُ .

سعد خفاف گويد : حضرت باقر عليه السلام فرمود : اى سعد قرآن را بياموزيد زيرا

(۱۷۴) قرآن شناسى

ص:۱۷۴

قرآن در بهترین صورت ها که مردم دیده اند روز قیامت بیاید و مردم در یکصد و بیست هزار صف هستند ، که هشتاد هزار آن صف ها از امت محمد است و چهل هزار صف از امت های دیگر ، پس به صورت مردی در برابر صف مسلمانان درآید و آنها به وی نظر کنند و گویند : معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست ، همانا این مردی از مسلمانان است که به سیما و صفت او را بشناسیم جز اینکه او درباره قرآن کوشاتر از ما بوده و از این رو درخشندگی و زیبایی و روشنی بیشتری به او داده شده که به ما داده نشده ، سپس از آنها بگذرد تا در برابر صف شهیدان قرار گیرد ، شهداء بر او نظر کنند و گویند : معبودی جز خدای پروردگار مهربان نیست ، این مرد از شهیدان است که ما او را به سیما و صفت بشناسیم جز اینکه او از شهیدان در دریا است و به همین دلیل به او زیبائی و برتری داده اند و به ما نداده اند ؛ فرمود : پس بگذرد تا بصورت شهیدی در برابر صف شهیدان دریا

رسد ؛ پس آنان به او نگاه کنند و شگفت آنها بسیار گردد و گویند : این از شهیدان در دریا است که ما او را به علامت و صفت بشناسیم جز اینکه آن جزیره که این (مرد) در آن شهید شده هولناک تر از جزیره ای است که ما در آن گرفتار شدیم و روی این جهت است که به او درخشندگی و زیبائی و روشنی بیشتری از ما داده اند ؛ پس از آنان نیز بگذرد تا به صف پیمبران و مرسلین رسد در صورت یک پیمبر مرسل ، پس پیمبران و مرسلین به او نگاه کنند و تعجبشان از دیدن او بسیار گردد و گویند : معبودی جز خدای بردبار کریم نیست به راستی این پیمبر مرسلی است که ما او را بنشانی و وصفش بشناسیم جز اینکه به او برتری بسیاری داده شده .

فرمود : پس همگی گرد آیند و خدمت رسول خدا آیند و از او پرسند و گویند : ای محمد این کیست به آنها فرماید : آیا او را نمی شناسید ؛ گویند : ما او را

نشناسیم (جز اینکه معلوم است که) او از آنهائیست که خدا بر او خشم نکرده ، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماید : این حجت خدا است بر خلقش پس سلام کند و بگذرد تا به صف فرشتگان رسد بصورت فرشته ای ، پس فرشتگان به او نظر افکنند و سخت درشگفت روند و چون برتری او را ببینند بر آنها گران آید و گویند : پروردگار ما متعالی و مقدس است این بنده ای است از فرشتگان که او را بنشانی و وصفش بشناسیم جز اینکه او از نظر مقام و مرتبه نزدیک ترین فرشتگان است نزد خدای عزوجل و از این نظر نور و جمالی دارد که ما نداریم ، پس بگذرد تا به درگاه رب العزه تبارک و تعالی رسد و پای عرش به سجده درافتد . خدای تعالی او را ندا کند : ای حجت من در زمین و ای سخن راست و گویایم سربردار و بخواه تا به تو داده شود و شفاعت کن تا شفاعتت پذیرفته شود ، پس سربردارد و خدای تبارک و تعالی به او فرماید : بندگان مرا (نسبت به خود) چگونه دیدی ؟ عرض کند:

قرآن شناسی (۱۷۷)

ص:۱۷۷

بار پروردگارا برخی از ایشان مرا نگهداری کرد و محفوظ داشت و چیزی از مرا ضایع نکرد و برخی از ایشان مرا ضایع کرد و حق مرا (بر خود) سبک شمرد و مرا تکذیب کرد با اینکه من حجت تو بر تمامی بندگانت بودم ؟ پس خدای تبارک و تعالی فرماید : به عزت و جلال خودم و مکانت والایم سوگند امروز بهترین ثواب را به تو دهم و دردناک ترین کیفر را به خاطر تو بکنم .

فرمود : پس قرآن در صورت دیگری برگردد ، (سعد خفاف) گوید : من عرض کردم : در چه صورتی بازگردد ای اباجعفر ؟ فرمود : در صورت مردی رنگ پریده و متغیر که اهل محشر او را ببینند ، پس بیاید نزد مردی از شیعیان ما که او رامی شناخته و بدان با مخالفین بحث می کرده و در برابرش بایستد و به او بگوید : مرا نمی شناسی ؟ آن مرد به او نگاه کند و گوید : ای بنده خدا من تو را نشناسم پس بدان صورت که در خلقت اولیه بوده است بازگردد و گوید : مرا نشناسی ؟ گوید :

چرا ، پس قرآن گوید : منم که تو را به شب بیداری کشیدم و در زندگیت تو را به تعب افکندم ، درباره من ناهنجار شنیدی و رانده در گفتار شدی ، آگاه باش که همانا هر تاجری سود خود را دریافت کند و من امروز پشتیبان و پشت سرت هستم فرمود : پس او را به سوی پروردگار تبارک و تعالی برد و گوید : پروردگارا پروردگارا بنده تو است و تو به او داناتری که رنجکش درباره من بود و مواظب بر من بود ، به خاطر من (با دشمنانم) دشمنی می کرد و دوستی و خشمش درباره من بود ، پس خدای عزوجل فرماید : بنده ام را وارد بهشتم کنید و از جامه های بهشتی به او بپوشانید و تاج بر سرش نهید و چون با او چنین کنند او را به قرآن نشان دهند و گویند : آیا به آنچه درباره دوستت رفتار شد خشنود شدی؟ گوید: بار پروردگارا من این را کم شمرم خیر را درباره اش افزون کن خداوند فرماید : به عزت و جلال و ارتفاع مقامم سوگند امروز به او و هرکه در پایه اوست پنج چیز و

افزون کنم ، آگاه باش که ایشان جوانانی باشـند که پیر نشوند و تندرستانی باشند که بیمار نگردند و توانگرانی باشند که نادار نشوند و خرسـندانی باشـند که غمگین نشوند و زنده هایی باشـند که نمیرند ، سـپس (امام باقر علیه السلام) این آیه را خواند : «نچشـند در آن مرگ را جز همـان مرگ نخستین» (۵۶ / دخان) . (سـعد) گویـد : عرض کردم : فـدایت گردم ای اباجعفر آیا قرآن نیز سـخن گویـد ؟ حضـرت لبخنـدی زد و فرمود : خـدا رحمت کنـد شـیعیان ساده دل ما را که اهل تسـلیم هسـتند (و به سخنان ما گردن نهند) سـپس فرمود : آری ای سعد نماز هم سخن گوید و صورتی و خلقتی دارد ، فرمان می دهد ، قدغن می کند ، سعد گوید : از این سخن رنگ من گشت و گفتم: این(دیگر)چیزی است که من نمی توانم میان مردم بگویم ؟ حضرت باقر علیه السـلام فرمود : آیا مردم جز همان شـیعیان ما هسـتند پس هرکه نماز را نشـناسد حق ما را منکر شده سپس فرمود : ای سعد من کلام قرآن را (هم اکنون)

بگوش تو برسانم ؟ سعد گوید : عرض کردم : بلی رحمت خدا بر شما باد ، فرمود : «همانا نماز بازمی دارد از فحشاء (ناشایست) و منکر (ناپسند) و هر آینه ذکر (یاد) خدا بزرگتر است» (۴۵ / عنکبوت) پس نهی (که همان بازداشتن می باشد) سخن است و فحشاء و منکر مردانی هستند و مائیم ذکر خدا و ما بزرگتریم .

الإمامُ الباقرُ علیه السلام : مَن دَخَلَ علی إمام جائرٍ فَقَرَأَ علَیهِ القرآنَ یُرِیدُ بذلکَ عَرَضا مِن عَرَضِ الدنیا لُعِنَ القاریُٔ بِکُلِّ حَرفٍ عَشرَ لَعناتٍ و لُعِنَ المُستَمِعُ بکُلِّ حَرفٍ لَعنَهً.(۱)

هرکس نزدپیشوایی ستمگربرود و به قصد رسیدن به مال و منالی از دنیا برای اوقرآن بخواند، قاری درازای هرحرفی که می خوانده لعنت می شودو شنونده برای

قرآن شناسی (۱۸۱)

۱- الاختصاص : ۲۶۲ .

هر حرفی یک لعنت .

الإمامُ الباقرُ علیه السلام : إنَّ للقرآنِ بَطنا ، و للبَطنِ بَطنٌ ، و لَهُ ظَهرٌ ، و للظَّهرِ ظَهرٌ ، ... و لیسَ شی ءٌ أبعَدَ مِن عُقولِ الرِّجالِ مِن تَفسیرِ القرآنِ ، إنّ الآیَهَ لَتَکُونُ أوَّلُها فی شی ءٍ و آخِرُها فی شی ءٍ ، و هُو کلامٌ مُتَّصِلٌ یَتَصرَّفُ علی وُجوهٍ . (1)

همانا قرآن باطنی دارد و باطنش نیز باطنی دارد . و ظاهری دارد و ظاهرش نیز ظاهری دارد ... از دسترس خرد مردان چیزی دورتر از تفسیر قرآن نیست ؛ (زیرا) آیه قرآن آغازش درباره چیزی است و پایانش درباره چیزی دیگر . قرآن گفتاری پیوسته است که به شکل ها و معانی گوناگون حمل می شود .

الإمامُ الباقرُ علیه السلام : لِقَتادهَ بنِ دِعامَهَ : یا قَتادَهُ ، أنتَ فَقیهُ أهلِ البصرهِ ؟ فقالَ :

۱- البحار : ۹۲/۲۰/۱۸ و ص ۹۵/۴۸ .

هکـذا یَزعُمونَ ، فقـالَ أبوجعفرٍ علیه السـلام : بَلَغَنی أنّـکَ تُفَسِّرُ القرآنَ ، قـالَ لَهُ قَتـادَهُ : نَعَم ، فقـالَ أبوجعفرٍ علیه السـلام : بِعِلمٍ تُفَسِّرُهُ أم بجَهلٍ؟ قالَ: لا، بِعلمٍ إلی أن قالَ یاقَتادَهُ، إنّما یَعرِفُ القرآنَ مَن خُوطِبَ بِه . (۱)

به قتـاده بن دعامه فرمود : ای قتاده ! تو فقیه بصـریان هستی ؟ عرض کرد : این طور خیال می کننـد . امام باقر فرمود : شـنیده ام که تفسـیر قرآن می گویی . قتـاده عرض کرد : آری . امـام بـاقر علیه السـلام فرمود : از روی علم تفسـیرش می کنی یا از روی ناآگـاهی ؟ عرض کرد : نه ، از روی علم تـا آنجا که فرمود ای قتاده ! قرآن را در حقیقت کسـی می شـناسد ، که مخاطب آن بوده است .

عَنْ جابِرٍ عَنْ اَبیجَعْفَرٍ علیه السلام قالَ : یَجیی ءُ الْقُرْآنُ یَوْمَ الْقِیامَهِ فی اَحْسَنِ مَنْظُورٍ

قرآن شناسی (۱۸۳)

ص:۱۸۳

۱- الکافی : ۸/۳۱۱/۴۸۵ .

اِلَیْهِ صُورَهً فَیَمُرُّ بِالْمُسْلِمینَ فَیَقُولُونَ : هـذَا الرَّجُلُ مِنّا ، فَیُجاوِزُهُمْ اِلَی النَّبِیّینَ فَیَقُولُونَ: هُوَ مِنّا، فَیُجاوِزُهُمْ اِلَی الْمَلائِکَهِ الْمُقَرَّبینَ فَیَقُولُونَ:هُوَ مِنّا ؛ حَتّی یَنْتَهِیَ اِلی رَبِّ الْعِزَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَیَقُولُ : یا رَبِّ فُلانُ بْنُ فُلانٍ اَظْمَأْتُ هَواجِرَهُ وَ اَسْهَرْتُ لَیْلَهُ فی دارِ الدُّنْیا وَ فُلانُ بْنُ فُلانٍ لَمْ اُظْمِی ءْ هَواجِرَهُ وَ لَمْ اُسْهِرْ لَیْلَهُ فَیَقُولُ تَبارَکَ وَ تَعالی : اَدْخِلْهُمُ الْجَنَّهَ عَلی مَنازِلِهِمْ فَیَقُومُ فَیَتَّبِعُونَهُ ، فَیَقُولُ لِلْمُؤْمِنِ : اقْرَأْ وَارْقَهْ قالَ : فَیَقْرأُ وَ یَرْقی حَتّی یَبْلُغَ کُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ مَنْزِلَتَهُ الَّتی هِیَ لَهُ فَیَنْزِلُها .

حضرت باقر علیه السلام فرمود : روز قیامت قرآن به بهترین صورت بیاید و بر مسلمین گذر کند آنها گویند: این مرد از ما است، از آنان بگذرد و نزد پیمبران آید ، آنها نیز گویند : از ما است ، از آن ها نیز بگذرد و نزد فرشتگان مقرب آید آنان هم گویند:از مااست،تااینکه به درگاه پروردگارت عزت رسدوبگوید:پروردگارافلانکس پسر فلانکس را من در دنیاروزهای گرمش را به تشنگی کشانده و شب هایش را به

بیداری و فلان کس پسر فلانکس را نه روزهایش را به تشنگی بردم و نه شبش را به بیداری،پس خدای تبارک وتعالی فرماید:آنان رابه بهشت ببرودرجایگاه های خودشان جای ده ، پس قرآن برخیزد و آنان نیز دنبالش بروند و به هر مؤمنی بگوید : قرآن بخوان و بالا برو ، حضرت فرمود : پس هر کدام قرآن می خوانند و بالا می روند تا هر مردی از آنها به منزلی که برای او مقرر شده برسد و در آن فرود آید .

قرآن از دیدگاه امام صادق علیه السلام

قال اَبُوعَبْدِاللّه ِعلیه السلام : اِنَّ الْعَزیزَ الْجَبّارَ اَنْزَلَ عَلَیْکُمْ کِتابَهُ وَ هُوَ الصّادِقُ الْبارُّ ، فیهِ خَبَرُکُمْ وَ خَبَرُ مَنْ قَبْلَکُمْ وَ خَبَرُ مَنْ بَعْدَکُمْ وَ خَبَرُ السَّماءِ وَ الْاَرْضِ وَ لَوْ اَتاکُمْ مَنْ یُخْبِرُکُمْ عَنْ ذلِکَ لَتَعَجَّبْتُمْ.(۱)

۱- الکافی : ۲/۵۹۹/۳ و ۱/۶۰/۶ .

حضـرت صادق علیه السـلام فرمود : همانا خدای عزیز و جبار کتابش را بر شـما فرود فرستاده و او است راستگو و نیک خواه ، در آن کتـاب است آگـاهی از شـما و آنـانکه پیش از شـما بودنـد و آنانکه پس از شـمایند و آگاهی از آسـمان و زمین و اگر کسی نزد شما آید و از آنها به شما آگاهی دهد هر آینه شما در شگفت شوید .

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السـلام قالَ : اِنَّ هـذَا الْقُرْآنَ فیهِ مَنارُ الْهُـدی وَ مَصابیـحُ الدُّجی فَلْیَجْلُ جالٍ بَصَـرَهُ وَ یَفْتَحُ لِلضِّیاءِ نَظَرَهُ فَاِنَّ التَّفَکُّرَ حَیاهُ قَلْبِ الْبَصیرِ ، کَما یَمْشِی الْمُسْتَنیرُ فِی الظُّلُماتِ بِالنُّورِ.

حضـرت صـادق علیه السـلام فرمود : همانا این قرآن (کتابی) است که در آن است جایگاه نور هـدایت و چراغ های شب تار ، پس شـخص تیزبین بایـد که در آن دقت کنـد و برای پرتوش نظر خویش را بگشایـد ، زیرا که انـدیشه کردن زندگانی دل بینا است ، چنانکه آنکه جویای روشنی است در تاریکی ها به سبب نور راه پیماید .

قالَ اَبُوعَبْدِاللّه ِ علیه السلام : کانَ فی وَصِیَّهِ اَمیرِالْمُؤْمِنینَ علیه السلام اَصْحابَهُ : اِعْلَمُوا اَنَّ الْقُرْآنَ هُدَی النَّهارِ وَ نُورُ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ عَلی ما کانَ مِنْ جَهْدٍ وَفاقَهٍ .

امام صادق علیه السلام فرمود : در سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام به یارانش بود که: بدانیدهمانا قرآن راهبر روز است و پرتوافکن شب تار اگرچه (آنکس که درصدد راهنمائی شدن و کسب نورش باشد) در سختی و نداری باشد . (زیرا فقر و فاقه او را از آن بازندارند بلکه رغبتشان را در این باره افزون کنند از فیض ره) .

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ ، عَنْ آبائِه علیهم السلام قالَ : شَکا رَجُلٌ اِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَجَعا فی صَدْرِه فَقالَ صلی الله علیه و آله : اِسْتَشْفِ بِالْقُرْآنِ فَاِنَّ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ : «وَ شِفاءٌ لِما فِی الصُّدُورِ» .

حضرت صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام حدیث کند که مردی از درد سینه به پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت کرد ، حضرت صلی الله علیه و آله فرمود : به وسیله قرآن شفا بجوی زیرا

قرآن شناسی (۱۸۷)

خدای عزوجل فرماید : «(و این قرآن) شفاء است برای آنچه در سینه ها است» .(۱)

قالَ اَبُوعَبْدِاللّه ِ علیه السلام : لا وَاللّهِ لا یَرْجِعُ الْاَمْرُ وَ الْخِلافَهُ اِلی آلِ اَبیبَکْرٍ وَ عُمَرَ اَبَدا وَ لا اِلی بَنی اُمَیَّهَ اَبَدا وَ لا فی وُلْدِ طَلْحَهَ وَ الزُّبَیْرِ اَبَدا وَ ذلِکَ اَنَّهُمْ نَبَذُوا الْقُرْآنَ وَ اَبْطَلُوا السُّنَنَ وَ عَطَّلُوا الْاَحْکامَ ، وَ قالَ رَسُولُ اللّه ِ : الْقُرْآنُ هُدًی مِنَ الضَّلالَهِ وَ تِبْیانٌ مِنَ الْعَمی وَ اسْتِقالَهٌ مِنَ الْعَثْرَهِ وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَهِ وَ ضِیاءٌ مِنَ الْاَحْداثِ وَ عِصْمَهٌ مِنَ الْهَلَکَهِ وَ رُشْدٌ مِنَ الْغَوایَهِ وَ بَیانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَ بَلاغٌ مِنَ الدُّنْیا اِلَی الْآخِرَهِ وَ فیهِ کَمالُ دینِکُمْ وَ ما عَدَلَ اَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ اِلّا اِلَی النّارِ .

امام صادق علیه السلام فرمود : نه به خدا سوگند این امر خلافت هرگز در دودمان ابوبکر و عمر بازنگردد و نه هرگز در بنی امیه و نه در فرزندان طلحه و زبیر

۱- ۵۷ / یونس .

بازآید ، برای آنکه اینان قرآن را به یکسو نهادند و سنتها را باطل کردند و احکام (الهی) را تعطیل کرده (و مهمل گذاردند) .

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : قرآن راهنمای گمراهی است و بینائی از هر کوری است و سبب گذشت از لغزش ها است و روشنی در هر تاریکی است و در پیشامدها (و بدعت ها) پرتوی است و نگاهدارنده از هر هلاکتی است و ره جوئی در هر گمراهی است و بیان کننده هر فتنه و اشتباهی است و انسانی را از دنیا(ی پست به سعادت های) آخرت رساند و در آن است کمال دین شما و هیچکس از قرآن روگردان نشود جز بسوی دوزخ .

عَنْ اَبی بَصیرٍ قالَ : سَمِعْتُ اَبا عَبْدِاللّهِ علیه السلام یَقُولُ : اِنَّ الْقُرْآنَ زاجِرٌ وَ آمِرٌ : یَأْمُرُ بِالْجَنَّهِ وَ یَزْجُرُ عَنِ النّارِ .

ابوبصیر گوید : شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمود : همانا قرآن بازدارنده

و فرمان دهنده است . به بهشت فرمان دهد و از دوزخ بازدارد .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام :مامِن أمرٍیَختَلِفُ فیهِ اثنانِ إلّاولَهُ أصلٌ فیکتابِ اللّهِ عَزَّوجلَّ، و لکن لا تَبلُغُهُ عُقولُ الرِّجالِ . (۱)

هیچ موضوعی نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر پیدا کنند ، مگر اینکه ریشه آن در کتاب خدای عزوجل هست ، اما خردهای مردم به آن نمی رسد.

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : مَن نَسِیَ سُورَةً مِن القرآنِ مُثِّلَت لَهُ فی صُورَةٍ حَسَنةٍ و دَرَجةٍ رَفیعَةٍ ، فإذا رَآها قالَ : مَنْ أنتِ ؟ ما أحسَنَکِ ! لَیتَکِ لی ! فتقولُ : أما تَعرِفُنی؟ أنا سُورَةُ کذا و کذا ، لَوْ لَمْ تَنسَنی لَرَفَعتُکَ إلی هذا المَکانِ.(۲)

هرکس سوره ای از قرآن را فراموش کند ، آن سوره (در بهشت) به صورتی

۱- الکافی : ۲/۵۹۹/۳ و ۱/۶۰/۶ .

۲- ثواب الأعمال : ۲۸۳/۱ .

زیبا و درجه ای رفیع در برابرش مجسم می شود و چون او را ببیند ، گوید : تو کیستی ؟ چقدر زیبایی ! کاش از آنِ من بودی . جواب دهد : مرا نمی شناسی ؟ من فلان و بهمان سوره هستم . اگر مرا فراموش نکرده بودی ، تو را به این مکان بالا می آوردم .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : کانَ علیُ بنُ الحسینِ صلواتُ اللّهِ علَیهِ أحسَنَ الناسِ صَوتا بِالْقرآنِ ، و کانَ السَّقّاؤونَ یَمُرُّونَ فَیَقِفُونَ ببابِهِ یَسمَعُونَ قِراءَتَهُ ، و کانَ أبوجعفرٍ علیه السلام أحسَنَ الناسِ صَوتا . (1)

علی بن الحسین صلوات اللّه علیه قرآن را از همه مردم خوش تر می خواند . به طوری که وقتی سقّاها از در خانه حضرت می گذشتند ، می ایستادند و به صدای

۱- الکافی : ۲/۶۱۶/۱۱ وح ۱۰ .

قرآن خواندن ایشان گوش می کردند . حضرت باقر علیه السلام ، نیز خوش آوازترین مردم بود .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : ما بَعَثَ اللّهُ عَزَّوجلَّ نبیّا إلاّ حَسَنَ الصَّوتِ.(۱)

خداوند عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که خوش آواز بود .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام فی قولِه تعالی : الَّذینَ آتَیناهُمُ الکِتابَ یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِه : یُرَتِّلُونَ آیاتِه و یَتَفَهَّمونَ مَعانِیَهُ ، و یَعمَلُونَ بِأحکـامِه ، و یَرجُونَ وَعـدَهُ ، و یَخشَونَ عَـذابَهُ ، و یَتَمَثَّلُونَ قصَـصَهُ ، و یَعتَبِرُونَ أمثالَهُ ، و یَأتُونَ أوامِرَهُ ، و یَجتَنِبون نَواهِیَهُ . ما هُو واللّهِ بِحفظِ آیاتِه و سَردِ حُروفِه ، و تِلاوَةِ سُوَرِه و دَرسِ أعشارِه و أخماسِه ، حَفِظُوا حُروفَهُ و أضاعُوا حُدودَهُ ، و إنّما هو

(۱۹۲) قرآن شناسی

۱- الکافی : ۲/۶۱۶/۱۱ وح ۱۰ .

تَدَبُّرُ آیاتِه ، یقولُ اللّه ُ تعالی : کِتابٌ أنْزَلناهُ إلَیکَ مُبارَکٌ لِیَدَّبَّروا آیاتِه .(1)

درباره آیه «کسانی که به آنان کتاب دادیم ، آن را تلاوت می کنند آن گونه که حق تلاوت آن است» ، فرمود : آیاتش را روشن و شمرده می خوانند ، سعی می کنند معانیش را بفهمند ، احکام و فرامینش را به کار می بندد ، به وعده اش امیدوارند ، از عذابش می ترسند ، از داستانهایش سرمشق می گیرند ، از مثلهایش پند می گیرند ، امرهایش را به جا می آورند و از نهی هایش دوری می کنند . به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سر هم خواندن حروف و کلماتش و تلاوت سوره ای ومطالعه حواشی و هوامش آن، نیست. حروف و کلماتش راحفظ می کردند و حدود و معانیش را فرو گذاشتند ، بلکه به تدبّر و تأمل در آیات

قرآن شناسی (۱۹۳)

۱- تنبیه الخواطر : ۲/۲۳۶ .

آن است؛ خدای متعال می فرماید: «کتابی است خجسته که سوی تو فرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبّر کنند» .

۴ پناه بردن به خدا

پناه بردن به خدا

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : أغلِقُوا أبوابَ المَعصیَهِ بِالْإسْتِعاذَهِ ، وَ افْتَحُوا أبوابَ الطّاعَهِ بالتَّسمیَهِ . (۱)

درهای معصیت را با استعاذه (گرفتن جمله «اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم») ببندید و درهای طاعت را با تسمیه (گفتن جمله «بسم اللّه الرحمن الرحیم») بگشایید .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : لَمّا سُئلَ عَنِ التَّعوُّذِ عِنْدَ افْتِتاحِ کُلِّ سُورَهٍ : نَعَم ، فَتَعَوَّذْ

۱- البحار : ۹۲/۲۱۶/۲۴ .

بِاللّه ِمِن الشَّيطانِ الرَّجيمِ ، و ذَكَرَ أنَّ الرَّجيمَ أخبَثُ الشَّياطينِ .(۱)

در پاسخ به سؤال از استعاذه در هنگام شروع هر سوره ای ، فرمود : آری ، از شيطان رجيم كه پليدترين شياطين است ، به خدا پناه بر .

الإمامُ الصّادقُ عليه السلام : لَمّا سُئِلَ عَنْ قِراءهِ الْقُرآنِ فی ليلَهٍ : لا يُعجِبُنی أن تَقرَأهُ فی أقَلَّ مِن شَهرٍ .(۲)

در پاسخ به سؤال از ختم كردن قرآن در يک شب ، فرمود : خوش ندارم كه آن را در كمتر از يک ماه بخوانی .

الإمامُ الصّادقُ عليه السلام : القُرّاءُ ثلاثهٌ : قاری ءٌ قَرَأَ (القرآنَ) لِيَستَدِرَّ بِهِ المُلوكَ و يَستَطيلَ بِه علَی الناسِ فذاكَ مِن أهلِ النارِ ، و قارئٌ قَرَأَ القرآنَ فَحَفِظَ حُروفَهُ و

۱- تفسير العيّاشیّ : ۲/۲۷۰/۶۸ .

۲- الكافی : ۲/۶۱۷/۱ .

ضَيَّعَ حُدودَهُ فـذاكَ مِن أهـلِ النـارِ ، و قـارِئٌ قَرَأَ (القرآنَ) فهُو يَعمَـلُ بمُحكَمِه و يُؤمِنُ بمُتَشابِهِهِ و يُقيمُ فَرائضَهُ و يُحِلُّ حَلالَهُ و يُحَرِّمُ حَرامَهُ فهذا مِمَّن يُنقِذُهُ اللّهُ مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ و هُو مِن أهلِ الجَنّهِ و يُشَفَّعُ فيمَن شاءَ . (۱)

قاریان سه گونه اند : قاریی که قرآن می خواند ، تا بدان وسیله از شاهان به نوایی برسد و بر مردم فخر و بزرگی فروشد ، چنین کسی از دوزخیان است . قاریی که قرآن می خواند و حروف و کلماتش را حفظ می کند ، اما معانیش را رها می کند . این نیز از دوزخیان است و قاریی که قرآن می خواند و به آیات محکم آن عمل می کند و به آیات متشابهش ایمان می آورد و فرایضش را به جا می آورد و

۱- الخصال : ۱۴۳/۱۶۵ .

حلالش را حلال و حرامش را حرام می شمارد ؛ این قاری از کسانی است که خداوند او را از گمراهی های فتنه نجات می دهد و از بهشتیان است و درباره هرکه خواهد ، شفاعت می کند .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : إنَّ مِن الناسِ مَن یَتَعَلَّمُ القرآنَ لِیُقالَ : فلانٌ قارِئٌ ! و مِنهم مَن یَتَعَلَّمُهُ فَیَطلُبُ بِهِ الصَّوتَ فیقالُ : فلانٌ حَسَنُ الصَّوتِ ! و لیسَ فی ذلک خَیرٌ ، و مِنهُم مَن یَتَعَلَّمُهُ فیَقومُ بِهِ فی لیلِه و نَهارِه ، لا یُبالِی مَن عَلِمَ ذلکَ و مَن لم یَعلَمْهُ . (1)

برخی از مردم قرآن را فرامی گیرند ، برای اینکه بگویند فلانی قاری است . برخی آن را می آموزند ، تا با صدای خوش بخوانند و مردم بگویند فلانی صوتی

۱- الکافی ، ۲/۶۰۸/۶ .

خوش دارد . در این ها خیری نیست (کارشان ارزشی ندارد) . برخی هم قرآن را فرامی گیرند و شب و روزشان را با آن به سر می برند و اهمیتی نمی دهند که کسی این مطلب را می داند یا نمی داند .

آداب گوش دادن به قرآن

قُلْ امِنُوا بِه اَوْلا تُؤْمِنُوا اِنَّ الَّذینَ اُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِه اِذا یُتْلی عَلَیْهِمْ یَخِرُّونَ لِلْاَذْقانِ سُجَّدا . وَ یَقـُولـُونَ سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً . وَ یَخِرُّونَ لِلْاَذْقانِ یَبْکُونَ وَ یَزیدُهُمْ خُشُوعا : بگو : به آن ایمان بیاورید یا ایمان نیاورید ، همانا کسانی که پیش از آن علم داده شده اند ، هرگاه (قرآن) بر آنان تلاوت شود، به چانه ها به خاک سجده می افتند و می گویند : منزّه است پروردگار ما ، همانا وعده پروردگار ما شدنی است . و به چانه ها به

خاک می افتند (و) می گریند و بر کرنش آنها افزوده می شود» . (۱)

اوُلِئکَ الَّذینَ اَنْعَمَ اللّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیّینَ مِنْ ذُرِّیَّهِ ادَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّیَّهِ اِبْراهیمَ وَاِسْرائیلَ وَ مِمَّنْ هَدَیْنا وَاجْتَبَیْنا اِذا تُتْلی عَلَیْهِم ایـاتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّدا وَ بُکِیّا : آنـان کسـانی از پیـامبران بودنـد که خداونـد برایشـان نعمت ارزانی داشت : از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح (بر کشتی) سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که (آنان را) هـدایت نمودیم و برگزیـدیم (و) هرگـاه آیات (خـدای) رحمان بر آنان خوانـده می شـد ، سـجده کنان و گریان به خاک می افتادند» .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : لمّا سَألَهُ زُرارَهُ عن وُجوبِ الْاءنْصاتِ وَ الْاِسْتِماعِ عَلی مَن ی

قرآن شناسی (۱۹۹)

ص:۱۹۹

۱- ۱۰۷ ۱۰۹ / اسراء .

َسمَعُ القرآنَ : نَعَم ، إذا قُرِئَ القرآنُ عِندکَ فقد وَجَبَ علَیکَ الْإسْتِماعُ وَ الْاءنصاتُ. (۱)

در پاسخ سؤال زراره از وجوب خاموش ماندن و گوش دادن بر کسی که قرآن را می شنود، فرمود: آری، هرگاه قرآن در حضور تو خوانده شد، واجب است که گوش کنی و خاموش مانی .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : مَن فَسَّرَ القرآنَ بِرَأیِه فَأصابَ لم یُؤجَرْ ، و إن أخطَأَ کانَ إثمُهُ علَیهِ . (۲)

کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند و تفسیرش درست باشد ، مأجور نیست و اگر نادرست باشد ، گناهش به گردن اوست .

(۲۰۰) قرآن شناسی

ص:۲۰۰

۱- البحار : ۹۲/۲۲۲/۷ و ص ۲۲۱/۳ .

۲- البحار : ۹۲/۱۰۷/1 و ص ۱۱۰/۱۱ .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : إنَّ اللّهَ جَعَلَ وَلایَتَنا أهلَ الْبَیتِ قُطبَ الْقرآنِ ، و قُطبَ جَمیعِ الکَتبِ ، علَیها یَستَدیرُ مُحکَمُ الْقرآنِ ، و بِها نَوَّهَتِ الکُتبُ(۱)و یَستَبینُ الإیمانُ .(۲)

خداونـد ولاـیت مـا ، اهل بیت ، را قطب قرآن و قطب همه کتاب ها(ی آسـمانی) قرار داده است ، که قرآنِ محکم بر گرد آن می چرخد و به وسیله آن ولایت ، کتاب ها(ی الهی) عظمت می یابد و ایمان روشن و آشکار می شود .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : لمّا سُئلَ عنِ المُحکَمِ و المُتَشابِهِ :

۱- فی البحار : ۹۲/۲۷/۲۹ «و بها یوهَبُ الکتب».

۲- تفسیر العیّاشی : ۱/۵/۹ .

اَلْمُحكَمُ ما نَعمَلُ بِه ، وَ الْمُتَشابِهُ مَااشْتَبَهَ عَلى جاهِلِهِ .(۱)

در پاسخ به سؤال از محکم و متشابه ، فرمود : محکم آن آیه ای است که به آن عمل می کنیم و متشابه آیه ای است که بر کسی که از آن شناخت ندارد متشبه می شود .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام أیضا : اَلْمُحکَمُ ما یُعمَلُ بِهِ ، وَ الْمُتَشابِهُ الّذی یُشبِهُ بَعضُهُ بَعضا . (۲)

نیز در پاسخ به همین پرسش ، فرمود : محکم آن است که بدان عمل می شود و متشابه آن است که برخی از آن با برخی دیگر ، شبیه است .

۱- البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.
۲- البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : إنّ القرآنَ فیهِ مُحکَمٌ و مُتَشابِهٌ ، فأمّا المُحکَمُ فنُؤمِنُ بِهِ و نَعمَلُ بِه و نَدینُ بِهِ ، و أمّا المُتَشابِهُ فنُؤمِنُ بِهِ و لا نَعمَلُ بِه.(۱)

همانـا در قرآن محکمی است و متشـابهی . به آیات محکم ، ایمان داریم و بـدانها عمل می کنیم و به آیات متشابه ایمان داریم ولی به کارشان نمی بندیم .

اشارت های قرآن

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : نَزَلَ القرآنُ ب«إیّاکَ أعنی واسمَعی یا جارَه».(۲)

قرآن مطابق ضرب المثل «به در می گویم که دیوار بشنود» ، نازل شده است .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : ما عاتَبَ اللّهُ نَبیَّهُ فَهُوَ یَعنی بِهِ مَن قد مَضی فِی الْقرآنِ

قرآن شناسی (۲۰۳)

۱- البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

۲- الکافی : ۲/۶۳۱/۱۴ .

مِثلُ قَولِه: «و لولا أنْ ثَبَّتْناکَ لَقَدْکِدْتَ تَرْکَنُ إلَیهِم شَیئا قَلیلاً» عَنی بذلکَ غَیرَهُ.(۱)

هرچه خدای عزوجل به پیامبرش عتاب فرموده ، مقصود از آن دیگران است ، مانند این سخن خداوند که : «اگر نبود که ما تو را استوار گردانیدیم ، نزدیک بود که به سوی آنها اندکی متمایل شوی» ، مقصود از این کلام (و عتاب) غیرپیامبر است .

قالَ اَبُوعَبْدِاللّه ِعلیه السلام اِنَّ الدَّواوینَ یَوْمَ الْقِیامَهِ ثَلاثَهٌ : دیوانٌ فیهِ النِّعَمُ وَ دیوانٌ فیهِ الْحَسَناتُ وَ دیوانٌ فیهِ السَّیِّئاتُ فَیُقابَلُ بَیْنَ دیوانِ النِّعَم وَ دیوانِ الْحَسَناتِ فَتَسْتَغْرِقُ النِّعَمُ عامَّهَ الْحَسَناتِ وَ یَبْقی دیوانُ السَّیِّئاتِ فَیُدْعی بِابْنِ آدَمَ الْمُؤْمِنِ لِلْحِساب فَیَتَقَدَّمُ الْقُرْآنُ اَمامَهُ فی اَحْسَنِ صُورَهٍ فَیَقُولُ : یا رَبِّ اَنَا الْقُرْآنُ

۱. تفسیر العیّاشیّ : ۵/۱۰/۱ .

۱- تفسیر العیّاشیّ : ۵/۱۰/۱ .

وَ هـذا عَبْدُکَ الْمُؤْمِنُ قَدْ کانَ یُتْعِبُ نَفْسَهُ بِتِلاوَتی وَ یُطیلُ لَیْلَهُ بِتَرْتیلی وَ تَفْیضُ عَیْناهُ اِذا تَهَجَّدَ فَاَرْضِه کَما اَرْضانی قالَ : فَیَقُولُ الْعَزیزُ الْجَبّارُ : عَبْدِیَ ابْسُطْ یَمینَکَ فَیَمْلَأُها مِنْ رِضْوانِ اللّهِ الْعزیزِ الْجَبّارِ وَ یَمْلَأُ شِمالَهُ مِنْ رَحْمَهِ اللّهِ ، ثُمَّ یُقالُ : هذِهِ الْجَنَّهُ مُباحَهٌ لَکَ فَاقْرَأْ وَاصْعَدْ فَاِذا قَرَأَ آیَهً صَعِدَ دَرَجَهً .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : دفترها در روز قیامت سه دفتر است : دفتری که نعمت ها در آن ثبت شده و دفتری که کارهای نیک در آن است و دفتری که کارهای بد در آن ثبت است ، پس هر دفتر نعمت ها را با دفتر کارهای نیک برابر کنند و نعمت ها همه کارهای نیک را فراگیرد و در خود فرو برد و دفتر کارهای بد بجا ماند پس آدمیزاده مؤمن را برای حساب بخوانند و قرآن در بهترین صورتی پیش رویش درآید و گوید : بار پروردگارا من قرآنم و این بنده مؤمن تو است که خود را برای خواندن من به تعب می انداخت و شب خود را با آهنگ خوش و هموار

خواندن من دراز می کرد و دیدگانش در هنگام نماز شب اشک ریزان بود ، چنانچه مرا خشنود ساختی او را هم خشنود کن ، فرمود : پس خدای عزیز جبار فرماید : ای بنده من دست راستت را باز کن و خداوند آن را از رضوان خود و دست چپش را از رحمت خود پر کند ، سپس به او گفته شود : این بهشت برای تو مباح است پس قرآن بخوان و بالا برو ، پس هرگاه یک آیه بخواند یک درجه بالا برود .

قالَ عَلِیُ بْنُ الْحُسَیْنِ علیه السلام : لَوْ ماتَ مَنْ بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ اَنْ یَکُونَ الْقُرْآنُ مَعِی.(1)وَ کانَ علیه السلام اِذا قَرَأَ «مالِکِ یَوْمِ الدّینِ» یُکَرِّرُها حَتّی کادَ اَنْ یَمُوتَ .

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود : اگر همه مردم که ما بین مشرق و مغرب

۱- الکافی : ۲/۶۰۲/۱۳ .

هستند بمیرند من از تنهائی هراس نکنم پس از آنکه قرآن با من باشد و آن حضرت علیه السلام شیوه اش این بود که هرگاه «مالك یوم الدین» را می خواند آن قدر آن را تکرار می کرد که نزدیک بود بمیرد .

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : اِنَّ اَهْلَ الْقُرْآنِ فی اَعْلی دَرَجَهٍ مِنَ الْآدَمِيّينَ ما خَلاَالنَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ فَلا تَسْتَضْعِفُوا اَهْلَ الْقُرْآنِ حُقُوقَهُمْ فَاِنَّ لَهُمْ مِنَ اللّهِ الْعَزيزِ الْجَبّارِ لَمَكانا عَلِيّا .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا اهل قرآن در بلندترین درجات آدمیان هستند بجز پیمبران و مرسلین ، پس حقوق اهل قرآن را اندك و کم مشمارید، زیرا برای ایشان از طرف خدای عزیز جبار مقام بلندی است.

قرآن شناسی (۲۰۷)

ص:۲۰۷

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ: اَلْحافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعامِلُ بِه مَعَ السَّفَرَهِ الْکِرامِ الْبَرَرَه.(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود : حافظ قرآن که بدان عمل کند در آخرت رفیق با فرشتگان پیغامبرنده و نیک رفتار خداوند است .

قالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله : تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَاِنَّهُ یَأْتی یَوْمَ الْقِیامَهِ صاحِبَهُ فی صُورَهِ شابٍّ جَمیلٍ شاحِبِ اللَّوْنِ فَیَقُولُ لَهُ الْقُرْآنُ : اَنَا الَّذی کُنْتُ اَسْهَرْتُ لَیْلَکَ وَ اَظْمَأْتُ هَواجِرَکَ وَ اَجْفَفْتُ ریقَکَ وَ اَسَلْتُ دَمْعَتَکَ اَؤُولَ مَعَکَ حَیْثُما اُلْتَ وَ کُلُّ تاجِرٍ مِنْ وَراءِ تِجارَتِه وَ اَنَا الْیَوْمَ لَکَ مِنْ وَراءِ تِجارَهِ کُلِّ تاجِرٍ وَ سَیَأْتیکَ کَرامَهٌ [مِنَ] اللّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاَبْشِرْ ، فَیُؤْتی بِتاجٍ فَیُوضَعُ عَلی رَأْسِه وَ یُعْطَی الْأَمانُ بِیَمینِه وَ الْخُلْدُ

فِی الْجِنانِ بِیَسارِه وَ یُکْسی حُلَّتَیْنِ ثُمَّ یُقالُ لَهُ : اِقْرَءْ وَارْقَهْ فَکُلَّما قَرَأَ آیَهً صَعِدَ

۱- الکافی : ۲/۶۰۳/۲ .

دَرَجَةً وَ يُكْسى اَبَواهُ حُلَّتَيْنِ اِنْ كانا مُؤْمِنَيْنِ ثُمَّ يُقالُ لَهُما : هذا لِما عَلَّمْتُماهُ الْقُرْآنَ .

و نیز فرمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : قرآن را بیاموزید زیراکه در روز قیامت قرآن در صورت جوانی زیبا که رنگ صورتش گشته باشد نزد خواننده خود آید و بازگوید : منم که شب تو را به بیداری به پایان بردم ، روزهای داغ تو را به تشنگی به سر آوردم و آب دهانت را خشک کردم و اشکت را روان ساختم ، (اکنون) هرکجا بروی من هم با تو باشم و هر تاجری (امروز) به دنبال تجارت خویش است (که در دنیا کرده است) و من امروز به سود تو در پس تجارت هر تاجری باشم و به زودی کرامتی نیز از جانب خدای عزوجل به تو رسد پس شادان باش و (در این حال) تاجی بیاورند و بر سرش نهند و امان نامه (از آتش دوزخ را) به دست راستش دهند و فرمان جاوید بودن در بهشت را به دست چپش

و دو جامه بهشتی به وی پوشند ، سپس به او گفته شود : بخوان و بالا برو ، پس هریک آیه که بخواند یک درجه بالا رود و به پـدر و مادر او نیز دو جامه بپوشاند در صورتی که مؤمن باشـند و به آن دو گویند : این پاداش آن قرآنی است که به فرزندتان آموختید .

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِه وَ دَمِه وَ جَعَلَهُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ السَّفَرَهِ الْكِرامِ الْبَرَرَهِ وَ كانَ الْقُرْآنُ حَجیزا عَنْهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ ، یَقُولُ : یا رَبِّ اِنَّ كُلَّ عامِلٍ قَدْ اَصابَ اَجْرَ عَمَلِه غَیْرَ عامِلی فَبَلِّغْ بِه اَكْرَمَ عَطایاكَ ، قالَ : فَیَكْسُوهُ اللّه ُالْعَزیزُ الْجَبّارُ حُلَّتَیْنِ مِنَ حُلَلِ الْجَنَّهِ وَ یُوضَعُ عَلی رَأْسِه تاجُ الْكَرامَهِ ثُمَّ یُقالُ لَهُ : هَلْ اَرْضَیْناكَ فیهِ ؟ فَیَقُولُ الْقُرْآنُ : یا رَبِّ قَدْ كُنْتُ اَرْغَبُ لَهُ فیما هُوَ اَفْضَلُ مِنْ هذا فَیُعْطَی الْاَمْنَ بِیَمینِه وَ الْخُلْدَ بِیَسارِه ثُمَّ یَدْخُلُ الْجَنَّهَ فَیُقالُ لَهُ : اقْرَأْ وَاصْعَدْ دَرَجَهً ؛ ثُمَّ یُقالُ لَهُ هَلْ بَلَغْنابِه وَ اَرْضَیْناكَ

(۲۱۰) قرآن شناسی

فَيَقُولُ : نَعَمْ . قالَ : وَ مَنْ قَرَأَهُ كَثيرا وَ تَعاهَدَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّهِ حِفْظِهِ اَعْطاهُ اللّه عَزَّوَجَلَّ اَجْرَ هذا مَرَّتَيْنِ .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : هرکه در حال جوانی قرآن بخواند و با ایمان هم باشد قرآن با گوشت و خونش بیامیزد و خدای عزوجل او را با فرشتگان پیغام برنده و نیک رفتارش رفیق کند و قرآن برای او در روز قیامت پرده و مانعی از آتش باشد و گوید : بار پروردگارا هر کارگری به مزد کار خویشتن رسیده جز کارگر من ، پس گرامی ترین عطاهای خود را به او برسان ، فرمود : پس خدای عزیز و جبار دو جامه از جامه های بهشتی به او بپوشاند و بر سرش تاج کرامت نهاده شود ، سپس به قرآن گفته شود : آیا ما تو را درباره این شخص خشنود کردیم ؟ قرآن گوید : بار پروردگارا من برتر از این درباره او میل داشتم ، پس نامه امان (از دوزخ را) به دست راستش دهند و فرمان جاویدان ماندن در بهشت را در

دست چپش گذراند و وارد بهشت گردد ، پس به او گفته شود : بخوان (قرآن را) و یک درجه بالا برو ، سپس به قرآن گویند : آیا آنچه تو خواستی به او رساندیم و تو را خشنود کردیم ؟ گوید : آری ، حضرت فرمود : هرکس قرآن را بسیار بخواند و با اینکه حفظ آن (بر او) دشوار است آن را به ذهن خویش بسپارد خدای عزوجل دو بار پاداش آن را به او بدهد .

قالَ الصّادِقُ علیه السلام : اِنَّ اَحَقَّ النّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَهِ لَحامِلُ الْقُرْآنِ وَ اِنَّ اَحَقَ النّاسِ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَهِ بِالصَّلاهِ وَ لصَّوْمِ لَحامِلُ الْقُرْآنِ ، (1)ثُمَّ نادی بِاَعْلی صَوْتِه : یا حامِلَ الْقُرْآنِ تَواضَعْ بِه یَرْفَعْکَ اللّه وَ لا تَعَزَّزْ بِه فَیُذِلَّکَ اللّه ، یا حامِلَ قُرْآنِ تَزَیَّنْ بِه لِلّهِ یُزَیِّنْکَ اللّهُ [بِه] وَ لا تَزَیَّنْ بِه لِلنّاسِ فَیَشینَکَ

(۲۱۲) قرآن شناسی

ص:۲۱۲

۱- الکافی : ۲/۶۰۴/۵ .

اللّهُ بِهِ ، مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَكَاَنَّما استُدْرِجَتِ النُّبُوَّهُ بَيْنَ جَنْبَيْهِ وَ لكِنَّهُ لا يُوحى اِلَيْهِ وَ مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فَنَوْلُهُ : لا يَجْهَلُ مَعَ مَنْ يَجْهَلُ عَلَيْهِ وَ لا يَغْضَبُ فيمَنْ يَغْضَبُ عَلَيْهِ وَ لا يَحِدُّ فيمَنْ يَحِدُّ وَ لكِنَّهُ يَعْفُو وَ يَصْفَحُ وَ يَغْفِرُ وَ يَحْلُمُ لِتَعْظيمِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ اُوتِىَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ اَنَّ اَحَدا مِنَ النّاسِ اُوتِىَ اَفْضَلَ مِمّا اُوتِىَ فَقَدْ عَظَّمَ ما حَقَّرَ اللّهُ وَ حَقَّرَ ما عَظَّمَ اللّهُ .

امام صادق علیه السلام فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : همانا سزاوارترین مردمان بترس از خدا در نهان و عیان آن کس است که قرآن را دربردارد و هر آینه سزاوارترین مردمان در نهان و آشکار به نماز خواندن و روزه گرفتن آن کس است که قرآن را دربردارد . سپس به آواز بلند فرمود : ای دارنده قرآن به وسیله آن فروتنی پیشه کن تا خدایت بالا برد و بدان وسیله تکبرورزی و عزت طلبی نکن

قرآن شناسی (۲۱۳)

ص:۲۱۳

که خدا خوار و زبونت کند . ای دربردارنده قرآن برای خدا خود را بدان بیارای تا خدایت بدان بیاراید و با قرآن برای مردمان خودآرائی نکن که خدایت ترا بدان زشت کند ، هرکه قرآن را (با تدبر و فهمیدن) ختم کند گویا نبوت را در دل خود جای داده ، ولی به او وحی نمی رسد و هرکه قرآن را آن طور که شاید فراهم کند (چنین کسی) در برابر آن کس که با او نادانی کند (بردباری ورزد چون او) نادانی نکند و در برابر کسی که بر او خشم گیرد (شکیبائی ورزد) خشم نکند ، و با هرکس که با او تندی کند تندی نکند ، ولی بگذرد و ندیده گیرد و بیامرزد و حلم ورزد به خاطر بزرگ داشت قرآن و هرکه قرآن بدو داده شود و باز گمان کند که به یک تن از مردم بهتر از آنچه او دارد چیزی داده اند آن کس بزرگ دانسته آنچه را خدا کوچک شمرده و کوچک دانسته آنچه را خداوند بزرگ شمرده است .

(۲۱۴) قرآن شناسی

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : النّاسُ اَرْبَعَهٌ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِداکَ وَ ما هُمْ ؟ فَقالَ : رَجُلٌ اُوتِیَ الْایمانَ وَ لَمْ یُؤْتَ الْقُرْآنَ وَ رَجُلٌ اُوتِیَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ یُؤْتَ الْایمانَ وَ رَجُلٌ اُوتِیَ الْقُرْآنَ وَ اُوتِیَ الْایمانَ وَ رَجُلٌ لَمْ یُؤْتَ الْقُرْآنَ وَ لاَ الْایمانَ ، قالَ : قُلْتُ : جُعِلْتُ فِداکَ فَسِّرْ لی حالَهُمْ ، فَقالَ : اَمَّا الَّذی اُوتِیَ الْایمانَ وَ لَمْ یُؤْتَ الْقُرْآنَ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ التَّمْرَهِ طَعْمُها حُلْوٌ وَ لا ریحَ لَها وَ اَمَّا الَّذی اُوتِیَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ یُؤْتَ الْایمانَ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ الْآسِ ریحُها طَیِّبٌ وَ طَعْمُها مُرٌّ وَ اَمّا مَنْ اُوتِیَ الْقُرْآنَ وَ الْایمانَ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ الْاُتْرُجَّهِ ریحُها طَیِّبٌ وَ طَعْمُها طَیِّبٌ وَ اَمَّا الَّذی لَمْ یُؤْتَ الْایمانَ وَ لاَ الْقُرْآنَ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ الْحَنْظَلَهِ طَعْمُها مُرٌّ وَ لا ریحَ لَها .

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام فرمود : مردم بر چهارگونه هستند ، من عرض کردم : فدایت شوم آنها کیانند ، فرمود : یکی مردی که ایمان دارد ولی قرآن به او

داده نشـده ، (دیگر) مردی کـه قرآن را دارد ولی ایمـان نـدارد ، (سـوم) مردی کـه هم قرآن را به او داده انـد و هم ایمـان را ، (چهـارم) مردی که نه قرآن را دارا است و نه ایمـان دارد ، عرض کردم : قربـانت گردم برای من حـال این هـا را بیـان و شـرح فرمائیـد ، فرمود : امـا آنکه ایمان دارد ولی قرآن بـدو داده نشـده چون میوه (یا خرما)ای است که مزه اش شـیرین است ولی بو نـدارد و امـا آن کس که قرآن را دارا است ولی ایمان نـدارد چون برگ درخت مورد است که بویش خوش ولی مزه اش تلخ است و اما آن کس که هم قرآن را دارا است و هم ایمان دارد چون ترنـج است که هم خوشـبو است و هم خوش مزه و اما آن کس که نه قرآن به او داده شده و نه ایمان مانند هندوانه بوجهل است که نه بو دارد و مزه اش نیز تلخ است .

عَنِ الزُّهَرِیِّ قالَ : قُلْتُ لِعَلِّیِ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام اَیُّ الْاَعْمالِ اَفْضَلُ ؟ قالَ : الْحالُّ

(۲۱۶) قرآن شناسی

ص:۲۱۶

الْمُرْتَحِلُ قُلْتُ : وَ مَا الْحالَّ الْمُرْتَحِلُ قالَ : فَتْحُ الْقُرْآنِ وَ خَتْمُهُ ، كُلَّما جاءَ بِاَوَّلِهِ ارْتَحَلَ فى آخِرِه وَ قالَ : قالَ رَسُولُ اللّه ِ صلى الله عليه و آله : مَنْ اَعْطاهُ اللّه ُالْقُرْآنَ فَرَأى اَنَّ رَجُلًا اُعْطِىَ اَفْضَلَ مِمّا اُعْطِىَ فَقَدْ صَغَّرَ عَظيما وَ عَظَّمَ صَغيرا .

زهری گويد : به حضرت على بن الحسين عليه السلام عرض كردم : كدام عمل بهتر است ؟ فرمود : عمل آن كس كه فرود آيد و كوچ كند ، عرض كردم : او كيست (و يعنى چه) فرمود : قرآن را باز كند (و خواندنش را آغاز كند) و به انجام رساند و هر زمان كه از اولش درآيد به آخرش كوچ كند . و فرمود : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده: هركس كه خدا قرآن به او داد و چنان پندارد كه به مردى بهتر از او چيزى داده اند خير بزرگى را كوچك شمرده و كوچكى را بزرگ دانسته است .

عَنْ مُعاوِيَهَ بْنِ عَمّارٍ قالَ : قالَ لى اَبُو عَبْدِاللّه ِ صلى الله عليه و آله : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِىٌّ وَ لا

فَقْرَ بَعْدَهُ وَ اِلاّ ما بِه غِنًى . (۱)

معـاویه بن عمـار گویـد : امام صادق علیه السـلام به من فرمود : هرکه قرآن بخوانـد او بی نیاز شود و نیازی پس از آن نیست ، وگرنه (اگر قرآن بی نیازش نکند) هیچ چیز او را بی نیاز نکند .

قالَ الصّادِقُ علیه السلام : حَمَلَهُ الْقُرْآنِ عُرَفاءُ اَهْلِ الْجَنَّهِ ، وَالْمُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللّه ِقُوّادُها ، وَ الرُّسُلُ سادَهُ اَهْلِ الْجَنَّهِ . (۲)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حاملین قرآن نمایندگان و

سرپرستان اهل بهشتند و مجاهدان در راه خدا جلوداران اهل بهشتند و پیامبران آقایان اهل بهشتند .

۱- معانی الأخبار : ۲۷۹ .

۲- مستدرک الوسائل : ۱۱/۷/۱۲۲۷۵ .

آموختن قرآن

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : یَنْبَغی لِلْمُؤْمِنِ اَنْ لا یَمُوتَ حَتّی یَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ اَوْ یَکُونَ فی تَعَلُّمِه .(1)

حضرت صادق علیه السلام فرمود : برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را یاد گیرد یا در کار یادگرفتنش باشد .

عَنْ یَعْقُوبَ الْاَحْمَرِ قالَ : قُلْتُ لِاَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام : جُعِلْتُ فِداکَ اِنّی کُنْتُ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَفَلَتَ مِنّی فَادْعُ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ اَنْ یُعَلِّمَنیهِ ، قالَ : فَکَأَنَّهُ فَزِعَ لِذلِکَ فَقالَ : عَلَّمَکَ اللّهُ هُوَ وَ اِیّانا جَمیعا قالَ : وَ نَحْنُ نَحْوٌ مِنْ عَشَرَةٍ ثُمَّ قالَ : السُّورَهُ تَکُونُ مَعَ الرَّجُلِ قَدْ قَرَأَها ، ثُمَّ تَرَکَها فَتَأْتیهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ فی اَحْسَنِ صُورَةٍ وَ تُسَلِّمُ

۱- الدعوات للراوندیّ : ۲۲۰/۶۰۰ .

عَلَيْهِ فَيَقُولُ : مَنْ اَنْتَ فَتَقُولُ : اَنَا سُورَةٌ كَذا وَ كَذا فَلَوْ اَنَّكَ تَمَسَّكْتَ بى وَ اَخَذْتَ بى لَاَنْزَلْتُكَ هذِهِ الدَّرَجَهَ فَعَلَيْكَمْ بِالْقُرْآنِ ، ثُمَّ قالَ : اِنَّ مِنَ النّاسِ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيُقالَ: فُلانٌ قارِى ءٌ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآن لِيَطْلُبَ بِهِ الدُّنْيا وَ لا خَيْرَ فى ذلِكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَنْتَفِعَ بِه فى صَلاتِه وَ لَيْلِه وَ نَهارِه .

یعقوب احمر گوید : به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : فدایت شوم من قرآن را خوانده ام ولی از ذهنم رفته است دعا کنید که خداوند آن را به من بیاموزد گوید: آن حضرت از این مطلب که من خدمتش عرض کردم ناراحت شد و فرمود : خداوند آن را به تو و ما همگی یاد دهد گوید : ما نزدیک ده نفر بودیم سپس فرمود : سوره ای که مردی می خواند با اوست تا گاهی که آن را واگذارد ، پس روز قیامت در زیباترین صورت نزدش آید و بر او سلام کند آن مرد گوید : تو کیستی ؟ گوید : من فلان سوره ام و اگر تو به من چسبیده بودی و نگاهم داشته بودی تو را

در این درجه فرود می آورم ، پس بر شما باد به ملازمت قرآن ، سپس فرمود : برخی از مردمند که قرآن خوانند که گفته شود : فلان کس قاری قرآن است و برخی قرآن می خوانند برای (سودجوئی) و به دست آوردن دنیا و خیری در این ها نیست و برخی هستند که قرآن خوانند تا از آن در نمازشان و در شب و روزشان منتفع شوند .

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : الْقُرْآنُ عَهْدُاللّه ِ اِلی خَلْقِهِ فَقَدْ یَنْبَغی لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ اَنْ یَنْظُرَ فی عَهْدِهِ وَ اَنْ یَقْرَأَ مِنْهُ فی کُلِّ یَوْمٍ خَمْسینَ آیَةً .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : قرآن عهد خداوند و فرمان او است بر خلقش پس سزاواراست برای شخص مسلمان که در این عهد و فرمان خدا نظر افکند و روزی پنجاه آیه از آن بخواند .

عَنِ الزُّهرِیِّ قالَ : سَمِعْتُ عَلِیَ بْنَ الْحُسَیْنِ علیه السلام یَقُولُ : آیاتُ الْقُرْآنِ

خَزائِنُ فَكَلَّما فُتِحَتْ خِزانَهٌ يَنْبَغى لَكَ اَنْ تَنْظُرَ ما فيها .

زهری گوید : از حضـرت علی بن الحسین علیه السلام شنیدم که می فرمود : آیه های قرآن گنجینه هائی است ، پس هرگاه در یک گنجینه را گشودی شایسته است که بدانچه در آن است نظر بیفکنی !

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : اِنَّ الْبَيْتَ اِذا كانَ فيهِ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ يَتْلُوا الْقُرْآنَ يَتَراءاهُ اَهْلُ السَّماءِ كَما يَتَراءى اَهْلُ الدُّنْيا الْكَوْكَبَ الدُّرِّىَّ فِى السَّماءِ .

حضـرت صادق علیه السلام فرمود : خانه ای که در او شخص مسلمانی قرآن می خواند اهل آسمان آن خانه را بنگرند چنانچه اهل دنیا ستاره درخشان را در آسمان بنگرند .

قالَ اَميرُالْمُؤْمِنينَ عليه السلام اَلْبَيْتُ الَّذى يُقْرَأُ فيهِ الْقُرْآنُ وَ يُذْكَرُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ فيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلائِكَهُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّياطينُ وَ يُضيىءُ لاَِهْلِ السَّماءِ كَما

تُضـیی ءُ الْکَواکِبُ لِاَهْـِلِ الاْـرْضِ وَ اِنَّ الْبَیْتَ الَّذی لا یُقْرَأَ فیهِ الْقُرْآنُ وَ لا یُـذْکَرُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ فیهِ تَقِلَّ بَرَکَتُهُ وَ تَهْجُرُهُ الْمَلائِکَهُ وَ تَحْضُرُهُ الشَّیاطینُ .

امیرالمؤمنین علیه السـلام فرمود : خانه ای که در آن قرآن خوانـده شود و ذکر خدای عزوجل (و یاد او) در آن بشود ، برکتش بسـیار گردد و فرشـتگان در آن بیاینـد و شـیاطین از آن دور شوند و برای اهل آسـمان می درخشد چنانچه سـتارگان برای اهل زمین می درخشـند و خانه ای که در آن قرآن خوانـده نشود و ذکر خدای عزوجل در آن نشود و برکتش کم شود و فرشـتگان از آن دور شوند و شیاطین در آن حاضر گردند .

عَنْ اَبیعَبْدِاللّه ِعلیه السلام قالَ:مایَمْنَعُ التّاجِرَمِنْکُمُ الْمَشْغُولَ فیسُوقِهِاِذارَجَعَ اِلیمَنْزِلِه اَنْ لاینامَ حَتّی یَقْرَأَ سُورَهً مِنَ الْقُرْآنِ فَتُکْتَبُ لَهُ مَکانَ کُلِ آیَهٍ یَقْرَؤُها عَشْرُ حَسَناتٍ وَ یُمْحی عَنْهُ عَشْرُسَیِّئاتٍ .

قرآن شناسی (۲۲۳)

ص:۲۲۳

حضرت صادق علیه السلام فرمود : چه بازمی دارد تاجری را که در بازار مشغول (به تجارت است) از اینکه چون (شب هنگام) به خانه بازمی گردد نخوابد تا یک سوره از قرآن بخواند و به جای هر آیه که می خواند برایش ده حسنه نوشته شود و ده گناه از او محو گردد .

عَنْ عَلِی بْنِ الْحُسَیْنِ علیهم السلام مَنِ اسْتَمَعَ حَرْفا مِنْ کِتابِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ غَیْرِ قِراءَهٍ کَتَبَ اللّهُ لَهُ حَسَنَهً وَ مَحاعَنْهُ سَیِّئَهً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَهً وَ مَنْ قَرَأَ نَظَرا مِنْ غَیْرِ صَوْتٍ کَتَبَ اللّهُ لَهُ بِکُلِّ حَرْفٍ حَسَنَهً وَ مَحاعَنْهُ سَیِّئَهً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَهً وَ مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفا ظاهِرا کَتَبَ اللّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَناتٍ وَ مَحا عَنْهُ عَشْرَ سَیِّئاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجاتٍ قالَ : لا اَقُولُ بِکُلِّ آیَهٍ وَ لکِنْ بِکُلِّ حَرْفٍ : باءٍ اَوْ تاءٍ اَوْ شِبْهِهِما قالَ : وَ مَنْ قَرَأَ حَرْفا [ظاهِرا] وَ هُوَ جالِسٌ فی صَلاتِه کَتَبَ اللّهُ لَهُ بِه خَمْسینَ حَسَنَهً وَ مَحاعَنْهُ خَمْسینَ سَیِّئَهً وَ رَفَعَ لَهُ خَمْسینَ دَرَجَهً وَ مَنْ قَرَأَ حَرْفا وَ هُوَ قائِمٌ فی

(۲۲۴) قرآن شناسی

صَلاتِه كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِكَلِّ حَرْفٍ مِائَهَ حَسَـنَهٍ وَ مَحاعَنْهُ مِائَهَ سَـيِّئَهٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَهَ دَرَجهٍ وَ مَنْ خَتَمَهُ كانَتْ لَهُ دَعْوَهٌ مُسْتَجابَهٌ مُؤَخَّرَهُ اَوْ مُعَجَّلَهُ ، قالَ : قُلْتُ : جُعِلْتُ فِداکَ خَتَمَهُ کُلَّهُ ؟ قالَ : خَتَمَهُ کُلَّهُ .

حضـرت علی بن الحسـین علیه السـلام فرمود : هرکس یک حرف از قرآن را گوش کنـد فقط گرچه نخواند ، خداوند برای او یـک حسـنه بنویسـد و یـک گنـاه از او محو کنـد و یـک درجه برایش بالاـ برد و هرکس با نگاه و بـدون صوت و تلفظ آن را بخوانـد ، برایش به هر حرفی حسـنه ای بنویسد و گناهی از او محو کند و درجه او بالا برد و هرکس یک حرف ظاهر از آن را بیـاموزد خداونـد برایش ده حسـنه بنویسـد و ده گنـاه از او محو کنـد و ده درجه برایش بالاـ برد ، فرمود : نمی گویم به هر آیه بلکه به هر حرفی چون باء ، تاء یا مانند این ها و هرکس یک حرف ظاهر آن را در نماز و در حال نشسته بخواند خداوند برای او پنجاه حسنه بنویسد و پنجاه گناه از او محو

کنـد و پنجاه درجه برای او بالا برد و هرکس یک حرف از آن در حال ایستاده در نمازش بخواند خداوند در برابر یک حرف صـد حسـنه برایش بنویسـد و صد گناه از او محو کند و صد درجه برایش بالا برد و هرکس آن را ختم کند یک دعای اجابت شده ای (نزد خداوند) دارد چه تأخیر افتد و چه همان زمان به او بدهند ، گوید : عرض کردم : قربانت گردم همه قرآن را ختم کند ؟ فرمود : همه آن را ختم کند .

قالَ اَبی عَبْدِاللّه ِعلیه السلام : مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِی الْمُصْحَفِ مُتِّعَ بِبَصَرِه وَ خُفِّفَ عَنْ والِدَیْهِ وَ اِنْ کانا کافِرَیْنِ .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : هرکه قرآن را از روی آن بخواند از دیدگان خود بهره مند شود و سبب سبک شدن عذاب پدر و مادرش گردد اگرچه آن دو کافر باشند.

(۲۲۶) قرآن شناسی

ص:۲۲۶

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : اِنَّهُ لَیُعْجِبُنی اَنْ یَکونَ فِی الْبَیْتِ مُصْحَفٌ یَطْرُدُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الشَّیاطینَ .

امام صادق علیه السلام فرمود : هر آینه من خوش دارم که در خانه قرآنی باشد که خدای عزوجل بدان سبب شیطان ها را (از آن خانه) دور کند .

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : ثَلاثَةٌ یَشْکُونَ اِلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ : مَسْجِدٌ خَرابٌ لا یُصَلّیفیهِ اَهْلُهُ وَ عالِمٌ بَیْنَ جُهّالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَیْهِ الْغُبارُ لا یُقْرَأُفیهِ.

امام صادق علیه السلام فرمود : سه چیز است که به درگاه خدای عزوجل شکایت کند مسجد ویرانی که اهلش در آن نماز نخوانند و دانشمند و عالمی که میان نادان ها و جهال باشد و قرآنی که گرد بدان نشسته و کسی آن را نخواند .

عَنْ اِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ ، عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : قُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِداکَ اِنّی اَحْفَظُ الْقُرْآنَ عَلی ظَهْرِ قَلْبی فَأَقْرَأُهُ عَلی ظَهْرِ قَلْبی اَفْضَلُ اَوْ اَنْظُرُ فِی الْمُصْحَفِ ؟ قالَ :

فَقالَ لی : بَلِ اقْرَأْهُ وَانْظُرْ فِی الْمُصْحَفِ فَهُوَ اَفْضَلُ ، اَما عَلِمْتَ اَنَّ النَّظَرَ فِی الْمُصْحَفِ عِبادَةٌ ؟

اسحاق بن عمار گوید : به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : قربانت گردم من قرآن را حفظ دارم آن را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی قرآن ؟ فرمود : بلکه آن را بخوان و نگاه به قرآن کن (و از روی آن بخوان) که بهتر است، آیا ندانسته ای که نگاه کردن در قرآن عبادت است؟

عَنْ عَبْدِاللّه بْنِ سُلَیْمانَ قالَ : سَأَلْتُ اَباعَبْدِاللّه ِعلیه السلام عَنْ قَوْلِ اللّه ِعَزَّوَجَلَّ : «وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتیلًا» قالَ : قالَ اَمیرُالْمُؤْمِنینَ صَلَواتُ اللّه ِعَلَیْهِ : بَیِّنْهُ تِبْیانا وَ لا تَهُذَّهُ هَذَّ الشِّعْرِ وَ لا تَنْثُرْهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَ لکِنِ افْزَعُوا قُلُوبَکُمُ الْقاسِیَهَ وَ لا یَکُنْ هَمُّ اَحَدِکُمُ

آخِرَ السُّورَهِ .(۱)

عبداللّه بن سلیمان گوید : از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از گفتار خدای عزوجل (که فرماید:) «و رتل القرآن ترتیلاً» فرمود : امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده : یعنی او را خوب بیان کن و همانند شعر آن را بشتاب مخوان و مانند ریگ (هنگام خواندن) آن را پراکنده مساز ، ولی دل های سخت خود را به وسیله آن به بیم و هراس افکنید و همت شما این نباشد که سوره را به آخر رساند (یعنی همت خود را درتدبر و تأمل درآیات و به کاربستن و عمل کردن آنهاقراردهیدنه به اینکه سوره را به آخر رسانید) .

قالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله اقْرَؤُواالْقُرْآنَ بِأَلْحانِ الْعَرَبِ وَاَصْواتِها وَاِیّاکُمْ وَ لُحُونَ اَهْلِ ا

۱- الکافی : ۲/۶۱۴/۱ .

لْفِسْقِ وَ اَهْلِ الْكَبائِرِفَاِنَّهُ سَيَجِىءُ مِنْ بَعْدى اَقْوامٌ يُرَجِّعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجيعَ الْغِناءِ وَالنَّوْحِ وَالرُّهْبانِيَّهِ، لايَجُوزُ تَراقِيَهُمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَهٌ وَ قُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : قرآن را با لحن ها و آواز عرب بخوانید و از لحن فاسقان و گنهکاران دوری کنید ، زیرا پس از من مردمانی بیایند که قرآن را در گلو بچرخانند ، مانند خوانندگی و نوحه خوانی و خواندن کشیشان ، که از گلوی آنها نگذرد (یعنی مقبول درگاه خداوند واقع نگردد از مجلسی ره) دل های ایشان وارونه است و هرکه از آنها خوشش آید نیز دلش وارونه است .

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ قالَ : اَعْرِبِ الْقُرْآنَ فَاِنَّهُ عَرَبِیٌّ .

حضرت صادق علیه السلام فرمود : قرآن را با اعراب بخوانید

(۲۳۰) قرآن شناسی

ص:۲۳۰

۱- الکافی : ۲/۶۱۴/۳ .

زیراکه قرآن عربی است .

عَنْ اَبی عَبْدِاللّه ِ علیه السلام قالَ : اِنَّ الْقُرْآنَ لا یُقْرَأُ هَذْرَمَهَ وَ لکِنْ یُرَتَّلُ تَرْتیلاً فَاِذا مَرَرْتَ بِآیَهٍ فیها ذِکْرُ الْجَنَّهِ فَقِفْ عِنْدَها وَسَلِ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّهَ وَ اِذا مَرَرْتَ بِآیَهٍ فیها ذِکْرُ النّارِ فَقِفْ عِنْدَها وَ تَعَوَّذْ بِاللّه ِ مِنَ النّارِ . (۱)

هرآینه قرآن با سرعت و شتاب خوانده نشود و باید هموار و شمرده و با آهنگ خوش خوانده شود و هرگاه به آیه ای که در آن نام بهشت برده شده است گذر کنی آنجا بایست و از خدای عزوجل بهشت را بخواه و چون به آیه ای که در آن ذکر دوزخ است گذر کنی نزد آن نیز ایست کن و از دوزخ به خدا پناه ببر .

الإمامُ الصّادقُ علیه السلام : مَن لم یَعرِفِ الحَقَّ مِن القرآنِ لم یَتَنَکَّبِ الفِتَنَ .(۲)

قرآن شناسی (۲۳۱)

ص:۲۳۱

۱- عیون أخبارالرّضا علیه السلام : ۲/۱۸۲/۵ .

۲- المحاسن : ۱/۳۴۱/۷۰۲ .

کسی که حقیقت را از طریق قرآن نشناسد ، از (گزند) فتنه ها بر کنار نماند .

قرآن از دیدگاه امام موسی الکاظم علیه السلام

عَنْ حَفْصٍ قـالَ : سَـمِعْتُ مُوسَـی بْنَ جَعْفَرٍ علیه السـلام یَقُولُ لِرَجُـلٍ : اَتُحِبُّ الْبَقـاءَ فِی الـدُّنْیا ؟ فَقـالَ : نَعَمْ ، فَقالَ : وَ لِمَ ؟ قالَ : لِقِراءَهِ قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ ، فَسَـکَتَ عَنْهُ ، فَقالَ لَهُ بَعْدَ ساعَهٍ : یا حَفْصُ مَنْ ماتَ مِنْ اَوْلِیائِنا وَ شیعَتِنا وَ لَمْ یُحْسِنِ الْقُرْآنَ عُلِّمَ فی قَبْرِه لِیَرْفَعَ اللّهُ بِه مِنْ دَرَجَتِه فَاِنَّ دَرَجاتِ الْجَنَّهِ عَلی قَدْرِ آیاتِ الْقُرْآنِ یُقالُ لَهُ : اقْرَأْ وَارْقَ (1) فَیَقْرَأُ ثُمَّ یَرْقی . قالَ حَفْصٌ : فَما رَأَیْتُ اَحَدا اَشَدَّ خَوْفا عَلی نَفْسِه مِنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ لا اَرْجَا النّاسِ مِنْهُ وَ کانَتْ قِراءَتُهُ حُزْنا ، فَاِذا قَرَأَ فَکَأَنَّهُ یُخاطِبُ اِنْسانا .

۱- البحار ، ۹۲/۱۸۸/۱۰ .

حفص گویـد : از حضـرت موسـی بن جعفر علیه السـلام شـنیدم که به مردی می فرمود : آیـا مانـدن در دنیـا را دوست داری ؟ عرض کرد : آری ، فرمود : برای چه ؟ عرض کرد : برای خواندن قل هو اللّه احد ، حضـرت سـکوت فرمود و پس از ساعتی به من فرمود : ای حفص هرکه از دوسـتان و شـیعیان ما بمیرد و قرآن را خوب ندانـد در قبر به او یاد دهنـد تا خداوند بدان وسـیله درجه اش را بالاـ برد زیرا درجات بهشت برابر با آیات قرآن است به او گفته شود : بخوان و بالا رو ، پس می خوانـد و بالا می رود ، حفص گوید : من احدی را ندیدم که بر خود بیمناک تر باشد از حضـرت موسـی بن جعفر علیه السلام و نه امیدوارتر از او دیدم و قرآن را محزون (و با ناله) می خواند و هنگامی که قرآن می خواند گویا با انسانی روبرو سخن گوید .

قرآن از دیدگاه امام رضا علیه السلام

قُلْتُ لِلرِّضا علیه السلام : ما تَقول فی القرآن ؟ فَقالَ کَلامُ اللّهِ لا تَتَجاوَزُهُ وَ لا تَطْلُبُوا الْهُدی فی غَیْرِه فَتَضِلُّوا.

ریان می گویند : به امام رضا عرض کردم : درباره قرآن چه می فرمائید ؟

فرمودند : قرآن کلام خدا است ، از آن پا فراتر ننهید و راه هدایت را از غیر قرآن بجوئید که گمراه خواهید شد .

الْإِمامُ الرِّضا علیه السلام : فی صِفَهِ القرآنِ : هُو حَبلُ اللّه ِ المَتینُ ، و عُرْوَتُهُ الْوُثْقی ، و طَریقَتُهُ الْمُثلی ، اَلْمُؤَدّی اِلَی الْجنّهِ ، وَ الْمُنجی مِنَ النّارِ ، لا یَخلُقُ عَلَی الْاءَزْمِنَهِ ، و لا یَغِثُّ عَلَی الْاءلسِنَهِ ، لِاءنّه لَمْ یُجْعَلْ لِزَمانٍ دونَ زَمانٍ ، بَل جُعِلَ دَلیلَ البُرهانِ ، وَ الْحُجَّهَ عَلی کُلِّ أنسانٍ ، لا یَأتیهِ الباطِلُ مِن بَینِ یَدَیهِ و لا مِن خَلفِه

(۲۳۴) قرآن شناسی

تَنزيلٌ مِن حَكيمٍ حَميدٍ .(۱)

در وصف قرآن ، می فرماید : قرآن ریسمان محکم خدا و دستگیره استوارش و راه برتر اوست که به بهشت می کشاند و از آتش می رهاند و بر اثر گذر زمان ها، کهنه نمی شود و زبان های گوناگون ، آن را به انحطاط و تباهی نمی کشاند ؛ چراکه قرآن برای زمان خاصّی قرار داده نشد . بلکه به عنوان راهنمای به سوی برهان و حجت بر هر انسانی در نظر گرفته شده است . نه از پیش رو و نه از پشت سرش باطل به آن راه نیابد ، فرود آمده از سوی حکیمی ستوده ، است .

کـانَ [الرِّضا علیه السلام فی طریقِ خُراسانَ] یُکثِرُ بِاللَّیلِ فی فِراشِه مِن تِلاوَهِ الْقرآنِ، فَإذا مَرَّ بِآیَهٍ فیها ذِکرُ جَنَّهٍ أو نارٍ بَکی و سَألَ اللّه َالجَنَّهَ و تَعَوَّذَ بِه مِن النارِ .

قرآن شناسی (۲۳۵)

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام ۲/۱۳۰/۹ .

در راه سفر به خراسان ، شب ها در بسترش بسیار قرآن می خواند و هرگاه به آیه ای که در آن از بهشت یا آتش یاد شده بود می رسید ، می گریست و بهشت را از خدا مسألت می کرد و از آتش به او پناه می برد .

الإمامُ الرِّضا علیه السلام : مَن رَدَّ مُتَشابِهَ القرآنِ إلی مُحكَمِهِ هُدِیَ إلی صِراطٍ مُستَقیمٍ .(۱)

هر كه متشابه قرآن را به محكم آن ارجاع دهد ، به راه راست هدایت شده است .

الإمامُ الرِّضا علیه السلام فی قولِهِ تعالی : «عَفَااللّهُ عَنكَ لِمَ أذِنْتَ لَهُم» : هذا مِمّا نَزَلَ ب«إیّاكَ أعنی و اسمَعی یا جارَه» ... و كذلكَ قولُهُ عَزَّوجلَّ : «لِئنْ أشْرَكْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ...» و قولُهُ عَزَّوجلَّ : «و لَولا أنْ ثَبَّتْناكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إلَیْهِمْ...» . (۲)

۱- عیون أخبارالرِّضا علیه السلام : ۱/۲۰۲/۱

۲- عیون أخبارالرِّضا علیه السلام : ۱/۲۰۲/۱

درباره آیه «خدا تو را ببخشد چرا به آنها اجازه دادی» ، فرمود : این از جمله آیاتی است که طبق ضرب المثل «به در می گویم که دیوار بشنود»، نازل شده است ... همچنین آیه «اگر شرک آوری، هر آینه عمل تو بر باد رود...» و نیز آیه «اگر نبود که ما تورا استوارگردانیدیم، هرآینه نزدیک بودکه به سوی آنهااندکی متمایل شوی...».

قرآن ازدیدگاه امام جواد علیه السلام

الإمامُ الجوادُ علیه السلام :وکُلُ اُمّهٍ قدرَفَعَ اللّهُ عَنهُم عِلمَ الکتابِ حِینَ نَبَذُوهُ ووَلاّهُم عَدُوَّهُم حینَ تَوَلَّوهُ، و کانَ مِن نَبذِهِمُ الکتابَ أن أقاموا حُروفَهُ و حَرَّفُوا حُدودَهُ،فهُم یَروُونَهُ و لایَرعُونَهُ،وَالْجُهّالُ یُعجِبُهُم حِفظُهُم لِلرِّوایَهِ،وَالْعُلَماءُیَحزُنُهُم تَرکُهُم لِلرِّعایَهِ. (۱)

هر امتی ، آن گاه که کتاب آسمانی خود را رها کرد و دور افکند ، خداوند علم

۱- الکافی : ۸/۵۳/۱۶ .

آن را از آنان گرفت و آن گاه که دشـمنان خود را به دوستی و سـرپرستی گرفتنـد ، خداوند آن دشـمنان را بر ایشان ولایت و حکومت داد . دورافکنـدن کتـاب ، به این بود که حروف و کلمات آن را برپا داشـتند و معانیش را تحریف کردنـد ؛ کتاب را می خواننـد و روایت می کنند اما آن را رعایت نمی کنند و به کار نمی بندند. نادانان از اینکه آن را خوب می خوانند و حفظ می کنند ، خوشحالند و دانایان از اینکه آن را رعایت نمی کنند و به کار نمی بندند ، اندوهناکند .

فهرست منابع

تفسیر جوان (برگرفته از تفسیرنمونه آیه اللّه مکارم شیرازی)، محمد بیستونی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلدهای ۱ تا ۲۷.

تفسیر بیان (برگرفته از تفسیر مجمع البیان طبرسی)، محمد بیستونی ، انتشارات فراهانی ، چاپ اول .

قرآن شناسی جوان ، محمد بیستونی ، انتشارات بیان جوان ، چاپ اول.

سخنرانی های قرآنی، دبیرخانه نمایشگاه قرآن کریم،

انتشارات قلمرو، چاپ اول، جلد ۱.

اصول کافی ، ثقه الاسلام کلینی ، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام .

بیان (در علوم و مسائل کلی قرآن) ، حضرت آیه اللّه العظمی حاج سید ابوالقاسم خوئی(ره)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی،چاپ اول.

نهج البلاغه ، محمد دشتی ، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی ، چاپ سوم.

پرتویی از قرآن، سیدمحمودطالقانی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، جلد اول.

رَوْضُ الجِنـان و رَوْحُ الجَنان فی تَفسـیر القُرآن ، ابوالفتـح رازی ، مؤسـسه چاپ و انتشارات آسـتان قـدس رضوی ، چاپ اول ، جلد اول.

تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)، آیه اللّه جوادی آملی،

مرکز نشر اِسراء، چاپ اسوه .

طبقات مفسران ، شیعه جلد اول .

بحارالانوار ، جلد ۹۲ .

پژوهشی در تاریخ قرآن .

میزان الحکمه ، محمّد محمّدی ری شهری ، انتشارات دارالحدیث ، چاپ چهارم .

صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام ، ترجمه : محمّد مهدی رضایی،

ناشر : نشر جمال ، قم .

(۲۴۰)

فهرست مطالب

فهرست مطالب

(۲۴۲)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۴۵)

ص:۲۴۵

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۴۷)

ص:۲۴۷

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۲۴۸)

ص:۲۴۸

فهرست مطالب

موضوع صفحه

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹